



سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

نشریه پیام خاتم

گزارش‌ها:

- ♦ پیام دکتر عبدالقیوم سجادی رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص) به مناسبت شروع سال تحصیلی ۱۳۹۲.
- ♦ گزارش از آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۲ شعبه غزنی.
- ♦ گزارش از سفر دکتر سجادی نماینده منتخب مردم در پارلمان، ۲۴ حمل ۱۳۹۲ جهت تاج گذاری غزنی به عنوان مرکز فرهنگی تمدن جهان اسلام.

مصاحبه‌ها:

- ♦ مصاحبه با دکتر عبدالقیوم سجادی، رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص).
- ♦ مصاحبه با موسی خان اکبرزاده والی ولایت غزنی.

مقاله‌ها:

- ♦ معاذیر قانونی معافیت از مجازات.
- ♦ رابطه علم و دین در اسلام.
- ♦ دغدغه فرهنگی و رسالت علمای دینی.
- ♦ نقش امنیت در سرمایه گذاری اقتصادی.
- ♦ درنگی بر غزنی ۲۰۱۳.

تعمیر و تخصص





دانشگاه خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

آمریت فرهنگی - تربیتی

نشریه «پیام خاتم»

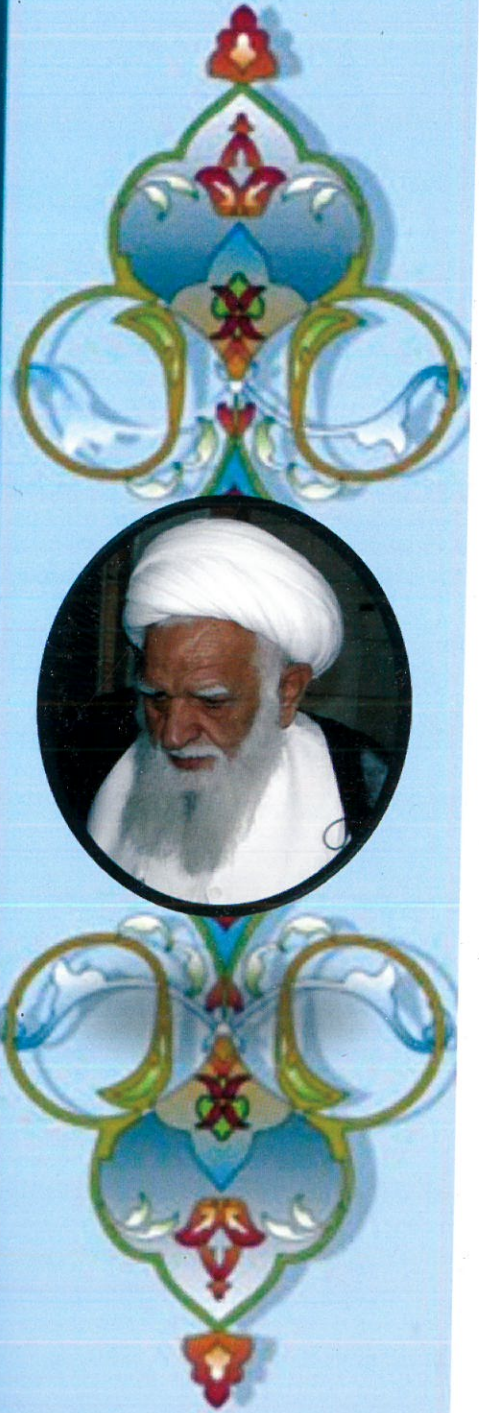
آیت الله العظمی محسنی (دام ظلّه):

اگر علم را سرمایه و ثروت فرض کنیم، تفکر تجارت و معامله است، سرمایه بدون معامله در معرض نابودی و بسر رسیدن است، هر عاقل می تواند توسط فکر مجهولاتی را کشف کرده و در خزانه معلومات خود آن را اضافه نماید.

کتاب اخلاق اسلامی، ص ۱۷۹

یاد خدا روح و عصاره کل نظام اخلاقی اسلام است، و تمام عبادات انسان از آن سرچشمه می گیرد، چون قدرت روحی و معنوی انسان مومن از یاد خدا ناشی می شود و تمام رذایل اخلاقی نیز بخاطر غفلت از یاد خداست.

کتاب اخلاق اسلامی، ص ۱۰۸





دانشگاه خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

آمریت فرهنگی_ تربیتی

نشریه «پیام خاتم»

شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

محمد ضیاء «حسینی»

صاحب امتیاز:

مدیر مسئول:

همکاران این شماره:

○ سردبیر: بصیر احمد «شریفی»

○ ویراستاران: فاطمه «احمدی»

○ مسئول بخش پشتو: اسدالله «جلال زی»

○ مسئول بخش ورزش: ناظر حسین «غزنوی»

○ عکاس: محمد جلیل «کریمی»

○ یادآوری: تعداد زیاد از نوشته های دانشجویان محترم بخاطر نبود

ظرفیت چاپ در نشریه، از چاپ بازمانده است، بدین وسیله از این دانشجویان عزیز

پویش خواسته می شود.

پیام خاتم، در ویرایش مقاله ها آزاد می باشد

پیام خاتم از مقاله های اساتید و دانشجویان به گرمی استقبال می کند

غیر از «پیام اول» مسئولیت مقاله ها به عهده نویسندگان آنها است.

آدرس: شهر غزنی - پلان ۴ - عقب شفاخانه چشم (نور)

شماره های تماس: ۰۷۸۱۱۹۲۰۱۵ - ۰۷۷۷۷۹۰۹۷

Email: Info@khatamu.com

Web: www.khatamu.com

آنچه را در این شماره می خوانید:

گزارشها

- پیام داکتر عبدالقیوم سجادی رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص) به مناسبت شروع سال تحصیلی ۱۳۹۲..... ۴
- آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۲ شعبه غزنی ۶
- سفر دکتر سجادی نماینده منتخب مردم در پارلمان، جهت تاج گذاری غزنی ۲۰۱۳ ۹
- نمایشگاه مشترک از آثار اساتید و دانشجویان، شروع سال تحصیلی ۱۳۹۲ ۱۲
- گزارش از نمایشگاه عرضه خدمات برای مردم غزنی، از طرف ریاست انکشاف دهات غزنی..... ۱۳

مصاحبه ها:

- مصاحبه با دکتر عبدالقیوم سجادی، رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص) ۱۶
- مصاحبه با موسی خان اکبرزاده والی ولایت غزنی ۱۷
- مصاحبه با سید محبوب حسینی رئیس دانشکده طب، شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) ۱۸
- مصاحبه با محمدرحیم نورزی، معاون علمی دانشگاه غزنی ۲۰
- مصاحبه با محمدعابد عابد رئیس معارف غزنی، ۲۱

مقاله ها:

نوشته های اساتید:

- معاذیر قانونی معافیت از مجازات / حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) ۲۲
- رابطه علم و دین در اسلام / سید محمدجواد محدثی، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۲۴
- دغدغه فرهنگی و رسالت علمای دینی / محمدرحیمی، استاد شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) ۲۷
- نقش امنیت در سرمایه گذاری اقتصادی / محمداسحق مهدوی، استاد، دانشگاه خاتم النبیین (ص) ۲۹
- غزنی چراغ فرا راه آینده ، یا حسرتی برای گذشته؟ ۳۱
- غزنی ۲۰۱۳ در یک نگاه ۳۲

نوشته های دانشجویان:

- سنت های شریعت ستیز / محمدعزیز عمرانی دانشجوی دانشکده فقه و حقوق ۳۳
- درنگی بر غزنی ۲۰۱۳ / کمال الدین عظیمی دانشجوی دانشکده فقه و حقوق ۳۵
- جهانی شدن چیست؟ / بصیراحمد شریفی دانشجوی دانشکده علوم سیاسی ۴۳
- عوامل تاثیر گذار در تحکیم خانواده / ضامن علی عظیمی دانشجوی دانشکده فقه و حقوق ۴۵
- مزیت ها و نواقص دموکراسی در افغانستان / محمدنسیم باهنر دانشجوی علوم سیاسی ۵۰
- دغزنی دخینوسیمو دخلکوفولکوریک د و دونه ۵۳

فرهنگ و ادب:

- شب شعر دورتر از چشم اقیانوس ۵۹

گزارش های پایانی:

- آشنایی با امور محصلان ۶۰
- گزارش از امتحانات پایان سمرسال تحصیلی ۱۳۹۲ ۶۱
- گزارش ورزشی (جام صلح و دوستی) ۶۲
- لیسه نورغزنه ۶۳

بدون شك دين، يكي از عوامل موثر و تعيين كننده در تحولات تاريخي و معادلات اجتماعي جوامع بشري بوده است، در جامعه كه دين همراه با عقلانيت و آگاهي در تحولات سياسي و اجتماعي آن نقش داشته است، نه تنها آسيب هاي كمترى داشته، بلكه زمينه ساز رشد، پيشرفت، همگرابي، امنيت و عدالت در آن جامعه نيز گردیده است، چون دين و عقل يا دين و علم در کنار هم، افراد آن جامعه را جهت داده است.

اما جوامع كه علم بدون دين و دين بدون آگاهي و عقلانيت در زندگي اجتماعي آن عمل كند، نه تنها مايه رشد، همگرابي، امنيت، عدالت و ثبات اجتماعي نگردیده، بلكه آسيب هاي جبران ناپذيري بر روابط و تعاملات مردم وارد نموده است.

بنابراين تنها راه ايجاد تعادل در جامعه و حل چالش هاي موجود اجتماعي، حركت همزمان علم و دين و عقل و دين در کنار هم در جامعه است.

آمریت فرهنگی شعبه غزنی، با درك اين مقوله مهم و با احساس مسئولیت ديني و انساني با تشكيل انجمن دانشجويي و راه اندازی نشریه به نام «پيام خاتم» تلاش می كند، آگاهي و عقلانيت را در کنار دين به عنوان يك ضرورت مورد تأكيد قرار دهد، كه هدف از آن استفاده عقلاني از دين و سپس ترويج هدفمند و آگاهانه آموزه هاي ديني بوده است، نشریه «پيام خاتم» اگرچه گام كوچكي در راستای بسط و توسعه آگاهي در کنار دينداری مردم مسلمان كشور می باشد، اما همین گام هاي كوچك، به امید فردهای سبز قدم هاي استوار جهت ارتقاء قدرت قلم و بيان دانشجو در جامعه خواهد شد.

به همین دلیل دانشگاه خاتم النبیین^(ص) كه به همت چهره علمی و فقیه كشور حضرت آیت الله العظمی محسنی بناگذاري و با تلاش شخصیت اكادميك و نظریه پرداز جناب دكتر عبدالقيوم سجادی و جمعی از فرهیختگان كشور، هفت سال فعالیت نيك، دو دور فراغت، اخذ جواز نام پوهنتون و ماستري، در کنار آموزش و فراگیری علوم تجربی، انساني و ديني، پژوهش را به عنوان يك فاكتر لازم و ضروري مورد تأكيد قرار داده و معتقد است كه آموزش منهای پژوهش كار كرد تك بعدی داشته و نمی تواند اهداف دانشگاه را تامین كند.

نشریه «پيام خاتم» كه بخش آن را نوشته های علمی _ تحقيقي اساتید اين دانشگاه تشكيل می دهد، تلاش است در جهت شكوفایی استعداد های خلاق دانشجويان كه بتواند از يك سو اندوخته های شان را به ديگران انتقال دهند و از سوی ديگر فرهنگ نويسندگی و پژوهش را در کنار آموزش دنبال كند.

اين حركت علمی _ فرهنگی نه تنها در جهت بارور ساختن اندیشه های علمی موثر بوده، بلكه نشاط، پويایی و تحرک علمی را نيز در میان دانشجويان ايجاد خواهد كرد.

پس بسط و توسعه فرهنگ نويسندگی و در نهايت ارتقای ظرفيت و توانمندی علمی دانشجويان در ابعاد مختلف از اهداف استراتژك و راهبردی دانشگاه خاتم النبیین است. تلاش ما براين است تا بتوانيم دانشجويان را به توليد علم و خلاقیت های علمی در کنار دين و آموزه های ديني رسانده، توانمندی های آنها را برای عرضه خدمت در عرصه های مختلف جامعه، برای مردم ارتقاء بخشيم.

پیام دکتر عبدالقیوم سجادی

رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص)

به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۲

شعبه غزنی



بیرفع الله الذین امنوا منکم و الذین اتوالعلم درجات

خداوند بزرگ را سپاسگذاریم که همزمان با میزبانی ولایت غزنی از برگزاری جشن فرهنگی جهان اسلام امروز با پشت سر گذاردن یکسال تحصیلی درخشان و همراه با موفقیت های ارزشمند، بهار سال تحصیلی جدید و سر آغاز بهار دیگر بوستان علم و دانش را در پایتخت فرهنگی جهان اسلام و غزنه باستان به جشن نشسته ایم.

دانشگاه خاتم النبیین بعنوان یک مرکز علمی دینی و ارزشگرا افتخار دارد که دومین سال آغاز سال تحصیلی خویش را در حالی جشن می گیرد که با همت اساتید و نخبگان علمی کشور اینک از موسسه تحصیلات عالی به پوهنتون ارتقاء یافته و با توفیقات الهی برای اولین بار دوره ماستری خویش را نیز جهت تربیت نیروهای متخصص، متعهد و دینمدار برگزار نمود.

ما و همکاران در دانشگاه خاتم النبیین افتخار داریم که همزمان با نامگذاری غزنه بعنوان پایتخت فرهنگی و تمدنی جهان اسلام، توانسته ایم گوشه ای دیگری از علم دوستی و فرهنگ گرایی مردم و ولایت علم دوست و متمدین خویش را به تصویر کشیده و با روشن نگهداشتن چراغ علم و دانش توأم با دین و اخلاق نام و آوازه بلند و تاریخی غزنه را زنده و ماندگار سازیم.

ما باور داریم که افغانستان بعنوان خانه مشترک تمامی اقوام ساکن در کشور با پیمودن مسیر ارزشمند علم گرایی و دینداری شاهد فردای روشن و آباد بوده و این مسیر را که خلدمتگذاری ما به دین و دنیای جامعه و مردم ماست مورد رضایت خداوند متعال دانسته و بعنوان یک وظیفه الهی و کشوری با اراده استوارتر و عزم راسخ تر و با توکل بخداوند دنبال خواهیم کرد. باور و درک بشری ما همراه با اعتقادات دینی، ما را برای پیمودن مسیر علم گستری و معنویت گرایی استوار تر می سازد، زیرا باور داریم که افغانستان بعنوان یک کشور اسلامی برای حرکت به سوی آینده آباد، آزاد و مستقل نیازمند ارتقای علمی و دینی جامعه ماست و تنها از طریق گسترش علم توأم با اخلاق، تخصصی همراه با تعهد دینی و ملی می توان این مسیر دشوار و طولانی را با موفقیت پیمود.

ما بر این نکته باور عمیق داریم که تجربه دنیای بظاهر مدرن و پیشرفته کنونی که هنوز هم بشر را در بحران های ناامنی، بی عدالتی و فقر قرار داده است، ناشی از نگاه یکسویه و ناقص به علم اندوزی و دانش افزایی است. این سخن قرآنی را همواره باید به یاد داشته باشیم که علم بدون دین و تخصص بدون تعهد همانند تیغی است در دست زنگی مست که نه تنها

مسیر سعادت و عزت جوامع بشری را هموار نخواهد کرد بلکه بعنوان ابزاری در دست صاحبان قدرت و ثروت و دشمنان انسان و عدالت خواهی بشر را در کام جنگ دایمی، کشمکش و منازعه قرار خواهد داد.

دانشگاه خاتم النبیین در کلیه فعالیت های علمی و اکادمیک خویش بر استراتژی پیام آور وحی الهی پایبند بوده و بر همراهی و توأمیت همزمان تعلیم و تربیه، علم و دین، تخصص و تعهد تاکید می نماید. استراتژی کاری ما در این مسیر ناشی از کتاب مقدس و اسمانی ماست که از زبان وحی به پیام اور الهی فرمود و یز کیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه.

افغانستان امروز که در استانه حرکت به سوی استقلال و خود اتکایی است، بیش از هر زمان دیگر نیازمند نیروهای متخصص و تحصیل کرده است که علاوه بر دانش عصری از اعتقاد دینی و تعهد مکتبی و میهنی نیز برخوردار باشد. تربیت نسل جوان برخوردار از اندیشه نوگرایی و دینداری تنها راه رقم زدن جامعه آباد، آزاد و مستقل است که ما آنرا وظیفه دینی و ملی خود میدانیم.

بار دیگر آغاز بهار علم و دانش را در بوستان پوهنتون خاتم النبیین و در گلستان سنایی تبریک گفته و وظیفه میدانم که از تلاش های بی دریغ و شبانه روزی همکاران فرهیخته ام در دانشگاه خاتم النبیین بخصوص ریس محترم شعبه غزنی این پوهنتون ابراز سپاس و امتنان نمایم.

به امید افغانستان آباد، آزاد و سرفراز

دکتر عبدالقیوم سجادی رئیس دانشگاه خاتم النبیین



دومین آزمون ورود به دانشگاه خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی!

پوهنتون خاتم النبیین افتخار دارد که بعد از سپری نمودن یکسال تحصیلی همراه با موفقیت، دومین آزمون خود را برگزار نماید، وی افزودند بدون تردید آینده کشور به دست شما علم دوستان و رهپویان علم رقم خواهد خورد و در این راستا پوهنتون خاتم النبیین غزنی آن چه را در توان دارد در خدمت شما عزیزان قرار خواهد داد.

در ادامه دکتر عبدالعلی محمدی معاون علمی _ تدریسی پوهنتون خاتم النبیین طی سخنان کوتاه به دو موضوع اشاره نمود:

۱. پوهنتون خاتم النبیین از سال ۱۳۸۶ با همت حضرت آیت الله العظمی محسنی و همکاری جمعی از فرهیختگان ونخبگان این پوهنتون به خصوص جناب دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده شما مردم در پارلمان به فعالیت آغاز نمود، حالا با شش سال فعالیت موفقیت آمیز، دو دور فراغت از با کیفیت ترین مرکزیت علمی کشور می باشد که به همین اعتبار توانست از موسسه تحصیلات عالی به پوهنتون ارتقاء نموده و جواز ماستری را نیز از سوی وزارت تحصیلات عالی کشور اخذ نماید.

۲. در آستانه برگزاری جشنواره سال ۲۰۱۳ و انتخاب غزنی باستان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام هشتم، پرسش به ذهن می آید که چرا از میان کشورهای اسلامی افغانستان، وازمیان ۳۴ ولایت غزنی، انتخاب می شود.

وی در پاسخ به این پرسش گفت: تاریخ کهن، علم و فرهنگ دیرینه این ولایت توانست افغانستان را برجسته ساخته و افتخار تاج گزاری غزنی به عنوان مرکزیت فرهنگی جهان اسلام به این کشور ببخشد.

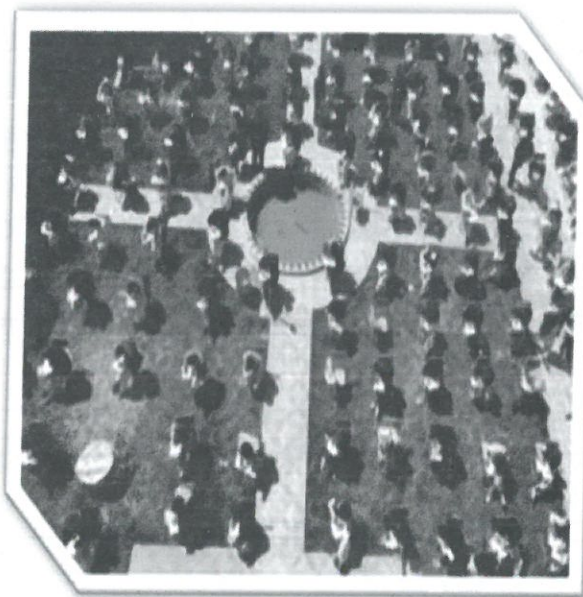
در پایان محمد رحیم نور زی نماینده وزارت تحصیلات عالی کشور گفت پوهنتون خاتم النبیین یکی از مراکز علمی معتبر کشور است، مسئولین این پوهنتون با ایجاد شعبه غزنی در این ولایت، مصدر خلعت برای مردم علم دوست غزنی شده اند، امروز پوهنتون خاتم النبیین یکی از دست آورد های خوب وزارت تحصیلات عالی کشور است.

شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) از بهار سال ۱۳۹۱ در ولایت غزنی به فعالیت آغاز نموده است و در دانشکده های فقه و حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت، طب معالجوی و قابلگی در خدمت محصلین این ولایت و ولایات همجوار غزنی می باشد، در آزمون روز جمعه بیش از ۴۵۰ داوطلب برای ورود به این پوهنتون به رقابت پرداختند.



دومین آزمون متقاضیان ورود به شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین روز جمعه ۱۳۹۲/۱/۱۶ در این پوهنتون برگزار گردید، این محفل با حضور معاون علمی _ تدریسی پوهنتون غزنی به نمایندگی از وزارت تحصیلات عالی، دکتر عبدالعلی محمدی معاون علمی - تدریسی، دکتر محمد قاسم الیاسی آمرتحقیقات علمی، استاد علی شاه حسنی مدیر توسعه و برنامه از شعبه مرکز پوهنتون خاتم النبیین، روسای ادارات دولتی و جمعی از بزرگان و علمای غزنی برگزار گردید.

این مراسم با قرائت آیات از کلام الله مجید توسط یکی از داوطلبان آغاز شد و بعد از پخش سرود ملی افغانستان، محمدرحیم اصغری معاون علمی _ تدریسی این پوهنتون ضمن خوش آمدگویی به مهمانان و داوطلبان گفت:



آمریت فرهنگی _ تربیتی



آغاز دومین سال تحصیلی

شعبه غزنی

دانشگاه

خاتم النبیین (ص)

رواق خاص به محفل ایجاد کرد.

استاد حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین طی سخنرانی در آغاز دومین سال تحصیلی شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین، سخنانش را ابتدا با اهمیت علم و دانش بیان کرد، وی گفت: تمام روایات که از پیشوایان دینی برای اهمیت علم و دانش به ما رسیده است می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. روایات که در تحصیل علم نفی جنسیت می کند: فراگیری علم و دانش بر هر زن و مرد مسلمان واجب است، در این روایات هیچ قید وجود ندارد که علم را مختص به قشر خاص کرده باشد.

۲. روایات که برای فراگیری علم نفی زمان می کند: در این روایات به صراحت گفته شده است که باید از گهوار تا گور باید دنبال علم رفت، و علم را در هر مقطع از زمان که زمینه فراگیری آن آماده شود باید آموخت.

۳. روایات که در آموزش علم نفی مکان می کند: انسان باید علم را بیاموزد ولو در دورترین نقطه از جهان باشد.

باز هم بوی کتاب تازه

سال تحصیلی نو!

به من امروز معلم می گفت:

دوستان، هدف این است؛ اگر تخته ما سبز است

نویسیم دگر تخته سیاه!

زنگ ها - یعنی عادت کنی از خویش به بیرون بزنی

هدف این است که ما آخر زنگ، کس دیگر بشویم

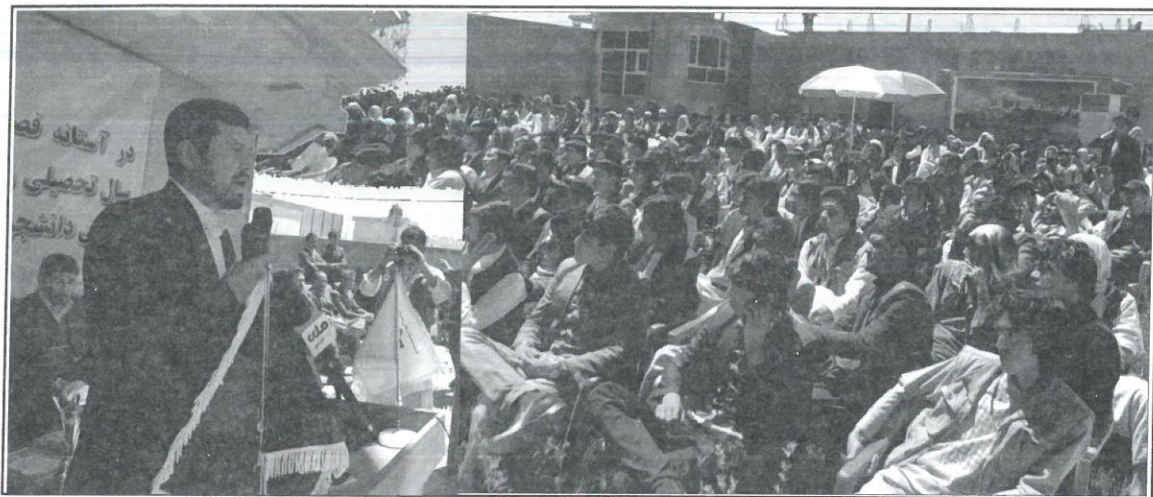
به شوق گشایش درهای دانایی، با گام های استوار، راه دانشگاه را طی می کنم، روزهای اول ورود به دانشگاه را به یاد دارم، هنوز حرف های آن روز، در فضای خاطر می پیچد و مغرور آن کلامم که ورودم را به دانشگاه خوش آمد گفت.

یادش به خیر؛ صدای زنگ مکتب و شوری که در دلم برپا می کرد؛ بی تاب پاسخ به پرسش معلم، هیجان نمره صد و اشتیاق شنیدن «آفرین» از زبان او!

مکتب، فرصت بزرگ فهمیدن بود که در آن، روح قد می کشید و بزرگ می شد، اصلاً پی بردن به معنای زندگی، راز زیستن و قانون حیات، زیر سقف مکتب به دست می آمد. بنای محبوب آن همیشه آباد!

محفل با تلاوت قرائت آیات نوربخش الهی آغاز شد، سپس تمام اشتراک کنندگان به احترام سرود ملی کشور قیام نمودند.

پيام داکتر عبدالقیوم سجادی رئیس پوهنتون خاتم النبیین (ص) به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۲ شعبه غزنی این پوهنتون که توسط استاد محمدجواد محدثی قرائت شد



۱. موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین به دانشگاه خاتم النبیین تبدیل شد.

۲. دانشگاه خاتم النبیین جواز ماستری را از وزارت تحصیلات عالی کشور اخذ کرد.

۳. رشته علوم قرآنی را در شعبه غزنی به طور رایگان برای علاقه مندان این رشته فعال ساخت.

۴. عقرب شفاخانه خاتم النبیین نیز برای مردم این ولایت به فعالیت آغاز نماید.

تمام این امتیازات مدیون زحمات شخصیت دانشمند و متفکر، جناب دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب شما مردم در پارلمان و جمعی از نخبگان این پوهتون است.

جناب دکتر سجادی توجه خاص به ولایت غزنی دارد، از این که فرزند همین ولایت است، و کیل شما مردم غزنی باستان در پارلمان است، تمام دغدغه فکری جناب ایشان مشکلات مردمش است، روی همین مبنا دانشگاه خاتم النبیین را در سال ۱۳۹۱ در شهر باستانی غزنی و شعبه جاغوری آن را در سال تحصیلی ۱۳۹۲ افتتاح نمود.

استاد حبیبی با توصیه های اخلاقی برای دانشجویان این دانشگاه صحبت هایش را خاتمه داد.

مخفل با برنامه های متنوع، گروه سرود لیسه نورغزنه، دکلمه یکی از دانشجویان خواهر، شور و شوق آغاز سال تحصیلی را چند برابر کرده بود. دربخش سخنرانی ها نیز استاد اصغری امام جمعه شهر غزنی، عبدالجامع جامع معاون شورای ولایتی غزنی، محمدرحیم نورزی معاون علمی _ تدریسی پوهتون غزنی هریک به نوبه خود به سخنرانی پرداختند.

آقای اصغری امام جمعه شهر غزنی گفت: من به

۴. روایات که فرموده است دنبال علم باشید، علم گمشده مومن است، همانطوری که انسان به دنبال گمشده اش می گردد باید آموختن علم به دنبال علم رفت و او را پیدا کرد.

رئیس شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین در ادامه سخنانش گفت: شخصیت علمی و جهادی حضرت آیت الله محسنی بر هیچ فرد از افراد کشور پوشیده نیست، تنها برخی از خدمات ایشان را در دهه اخیر یاد آور می شویم:

الف. در قدم اول زمانی که نیاز مبرم فرزندان جامعه را به علوم دینی دید مرکزیت حوزه علمیه خاتم النبیین (ص) را تاسیس کرد، امروزه هزاران جوان دختر و پسر از برکات این مرکز علمی و نشر دینی فیض می برند.

ب. در قدم دوم زمانی که می بیند تهاجم فرهنگی و ابتذال فرهنگی به خانه های این مردم رخنه کرده است، حتی روی عقیده و فکری جوان تاثیر کرده است، تلویزیون تمدن را ساخت تا بتوانید از این طریق جایگزین فرهنگی در خانه های مردم متدین این کشور باشد.

ج. حضرت آیت الله محسنی باور دارد که علم بدون دین و دین بدون علم در هیچ کجای دنیا پیروز نیست، در کنار حوزه علمیه دانشگاه خاتم النبیین را بناگذاری کرد، تا از این طریق مفاهیم علمی را به صورت آکادمیک در خدمت مردم و جوانان قرار دهد، وی با هدف تقریب مذاهب بین جوانان، پرچم دار اخوت اسلامی می باشد.

استاد حسین حبیبی در ادامه صحبت هایش افزود: ما آغاز دومین سال تحصیلی خود را زمانی آغاز می کنیم که در اولین روزهای سال ۱۳۹۲ این امتیازات را دانشگاه خاتم النبیین کسب کرد:

نماینده‌گی از طرف مردم غزنی از پوهتون خاتم النبیین که با بنیانگذاری حضرت آیت الله العظمی محسنی و ریاست دکتور سجادی و جمعی از بزرگان علمی اداره می‌شود به سه دلیل تشکری ام را ابراز می‌دارم:

اول: این بزرگواران آمدند در غزنی با این شرایط پوهتون را ایجاد کردند خدمت بزرگ است برای مردم غزنی جایگاه این مرکز واقعاً خالی بود.

دوم: شعبه این پوهتون را در ولسوالی جاغوری برای بخشی کثیر از مردم این ولسوالی ایجاد کردند که جای تشکر را دارد.

سوم: رشته علوم قرآنی را برای علاقه‌مندان این رشته در این ولایت به صورت رایگان راه‌اندازی کردند. من با این سه دلیل به وکالت از مردم غزنی از مسئولین و اساتید دانشگاه تشکر می‌کنم.

عبدالجامع جامع معاون شورای ولایتی غزنی نیز از مسئولین و اساتید پوهتون خاتم النبیین تشکر کرد که در خدمت‌گزاری برای این مردم بی‌وقفه تلاش می‌کنند و از دانشجویان نیز خواست تا فرصت‌های پیش آمده را از دست ندهند و برای کسب علم و دانش در این مرکز علمی تلاش نمایند.

معاون شورای ولایتی غزنی سخنانش را با تاکید بر وحدت ملی برای تمام مردم افغانستان خاتمه داد.

محمدرحیم نورزی معاون علمی _ تدریسی پوهتون غزنی نیز در باره اهمیت علم و علم‌آموزی صحبت نمود و موجودیت پوهتون خاتم النبیین را برای مردم غزنی

خیر و برکت بیان کرد. وی از مسئولین پوهتون تشکر کرد که پوهتون این امکانات را برای مردم غزنی ایجاد کرده است.

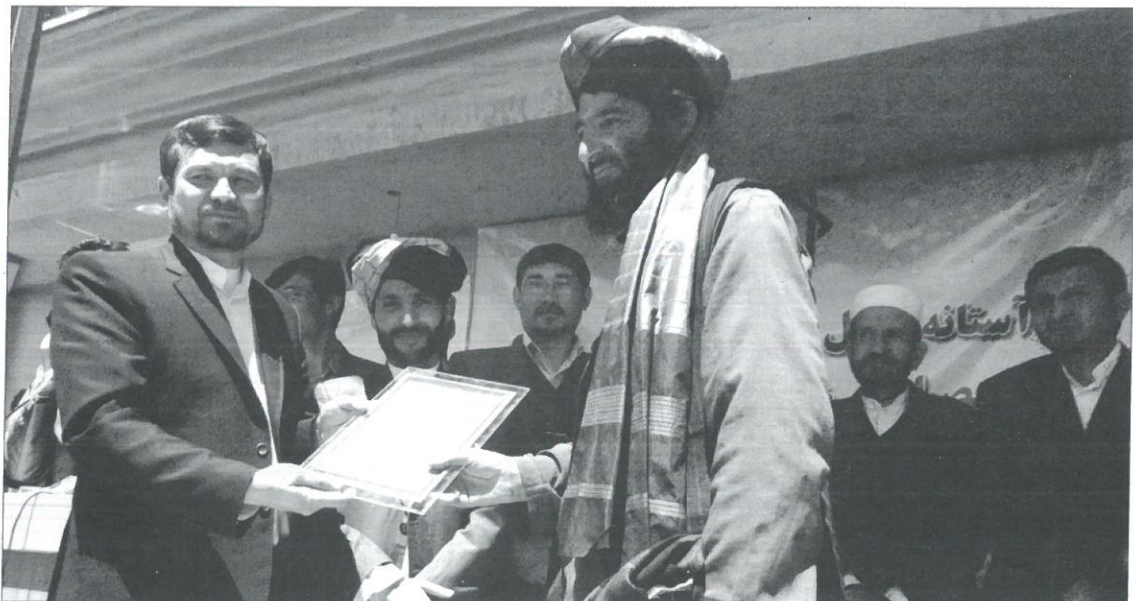
بخش دوم این محفل به اعطای لوح تحسین برای دانشجویان ممتاز سال تحصیلی ۱۳۹۱، ممتازین کانکور سال ۱۳۹۲، دانشجویان برتر در عرصه‌های اخلاق و نظم در دانشگاه، برندگان تیم‌های ورزشی فوتبال و والیبال در سال ۱۳۹۱ و برخی از همکاران و خیرین ولایت غزنی اختصاص یافت.

در بخش سوم این محفل نمایشگاه آثار اساتید، دست‌آوردها و هنر‌نمایی دانشجویان دانشکده‌های اقتصاد و مدیریت، علوم سیاسی و حقوق، طب معالجوی و قابلگی، که به ابتکار آمریت فرهنگی بین دانشکده‌های این دانشگاه برگزار شده بود افتتاح کردند.

این بود گزارش آغاز سال تحصیلی ما، شور شوق در میان دانشجویان که کتاب و قلم، در دست آنها می‌روند تا در سبزه زار صنف‌ها بساط دانشجویی را بهن کنند.

می‌رود تا سراغ از کسی بگیرند که در این جشن حقیقت، ندانستن را به دانستن تبدیل کند و به کسی سلام بگویند که تخته سیاه، از سخاوت هر روزه دستاش، مسرور خواهد شد. غرق اشتیاق، کتاب را می‌گشاید و سطر اول آن این است: توانا بود هر که دانا بود...

آمریت فرهنگی _ تربیتی شعبه غزنی



گزارش از سفر؛

دکتر عبدالقیوم سجادی،

رئیس پوهنتون خاتم النبیین (ص)

ونماینده منتخب مردم غزنی

در پارلمان به شهر غزنی!

بیست چهارم حمل ۱۳۹۲ از روزهای بیاد ماندنی شهر غزنی، روزی جشن وشادی در قالب های اتنگ ملی، ترانه های محلی، به نمایش گذاشتن حرفه و صنایع دستی، تیر اندازی با کمان به سبک سنتی، نیزه اندازی و آوازخوانی های محلی در گوشه و کنار این شهر به گوش می رسید، شهر ساکت و آرام، بازارها تعطیل و دروازه های دوکانها با رنگ «جگری» مزین شده بودند.

پنج سال پیش سازمان فرهنگی کشورهای اسلامی لقب دوره ی «پایتخت فرهنگی تمدن اسلامی» را در سال ۲۰۱۳ به ولایت غزنی اختصاص دادند، از آن روز بعد مردم این ولایت با بیم و هراس رسیدن سال ۲۰۱۳ را لحظه شماری می کردند تا غزنی را یک بار دیگر با همان شکوه و عظمت عصر غزنویان ببینند، روزگاری که صدها شاعر، عارف، فیلسوف در این شهر جمع بودند و از همین سرزمین تمدن اسلامی به جهان بیرون گسترش می یافت.

بیست و چهارم حمل، برای احیاء دوباره تمدن فراموش شده غزنی صدها مهمان داخلی و خارجی به این شهر آمده بوند، اکثر مهمانان با تصویری از شعر حکیم غزنه؛ بس که شنیدی صفت روم و چین، خیزو بیا ملک سنایی ببین! به این شهر باستان آمده بودند.

کابینه دولت، و نمایندگان مشرانو جرگه، نمایندگان ولسی جرگه، وزرا و سفیرای کشورهای اسلامی، مهمانان داخلی از ولایات کشور همه به این ولایت آمده بودند تا جشنواره غزنی ۲۰۱۳ را افتتاح نمایند.

دکتر عبدالقیوم سجادی، نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان یکی از مهمانان این جشنواره بود، وضعیت امنیتی غزنی هیچ وقت قابل پیش بینی نمی باشد، با همین فرضیه، کابینه دولت، نمایندگان مشرانو جرگه، سفیرای کشورهای اسلامی و برخی از نمایندگان پارلمان بعد از ختم افتتاحیه جشنواره غزنی را به مقصد کابل ترک کردند، اما دکتر عبدالقیوم سجادی همراه با دکتر شاه جهان نمایندگان غزنی برای شنیدن مشکلات مردم و رسیدگی به آنها چند روزی در این شهر با مردم، مقامات و مسئولین دولتی، موسفیدان مرکز ولسوالی های مختلف غزنی دیدار و گفتگو نمودند.



دیدار با مقامات و مسئولین حکومتی غزنی:

در این سفر چهار روزه، دکتر سجادی با موسی خان اکبرزاده والی غزنی ملاقات نموده، والی غزنی در این ملاقات از آمادگی های ولایت جهت برگزاری جشنواره صحبت نموده و گفت تلاش های شبانه روزی صورت گرفت تا این مراسم با نام نیک بر گزار گردد که الحمدلله مشکلات خاصی دیده نشد و از مهمانان به صورت خوبی پذیرایی شد. دکتر سجادی نیز از تلاش های مقام ولایت غزنی در برگزاری این جشنواره تشکر و قدر دانی کرد.

جنرال زاهد قومندان امنیه غزنی نیز با دکتر سجادی ملاقات نموده، وی وضعیت امنیتی غزنی را خوب توصیف کرد و گفت از مدت ها پیش برای برگزاری این جشنواره تلاش ها صورت گرفته بود تا از ناحیه امنیت در این ولایت هیچ احساس نگرانی وجود نداشته باشد.

رئیس امنیت ملی نیز در دیدار با دکتر سجادی نماینده مردغزنی، تلاش های شبانه روزی امنیت ملی را برای ایجاد امنیت جهت برگزاری بهترین جشنواره ابراز داشت، در پایان دکتر سجادی نیز بخاطر وضعیت خوب امنیتی از تمام مسئولین امنیتی غزنی قدردانی کرد.

در دیدارهای جداگانه روسای ادارات، دکتر احسان الله ناشر رئیس معارف، داکتر ضیاء گل اسفنده ای رئیس صحت عامه، رئیس حج و اوقاف با دکتر سجادی دیدار نمودند، هریک از این مسئولین ادارات ورود دکتر سجادی را در این ولایت خوش آمد گفته و وضعیت ادارات خویش را با دکتر در میان گذاشتند. که دکتر سجادی نیز از روسای این ادارات تشکر نمود.

دیدارهای مردمی برای رسیدگی به مشکلات آنها:

دکتر سجادی نماینده مردم غزنی در پارلمان علاوه بر ملاقات با مقامات و مسئولین محلی غزنی با اقشار مختلف مردم غزنی جهت استماع مشکلات و رسیدگی به آن ملاقات های جداگانه ی مردمی انجام داده است:

ابتدا موسفیدان، متفدین و بزرگان قومی مرکز شهر غزنی با دکتر سجادی دیدار و ملاقات نمودند در این دیدار موسفیدان مرکز غزنی ابتدا ورود دکتر را به شهر غزنی خیر مقدم گفته و مشکلات که همیشه دامن گیر این مردم است با وی در میان گذاشتند. نماینده منتخب این مردم نیز بعد از شنیدن مشکلات و خواست های این مردم گفت حتی المقدور تلاش صورت خواهد گرفت تا به خواست های شما رسیدگی صورت گیرد.

در این سفر، موسفیدان و لسوالی های ناهور، جغتو، قره باغ، جاغوری و مالستان، به طور جداگانه با نماینده محبوب شان دیدار و ملاقات نمودند. در این دیدار ابتدا موسفیدان مناطق متذکره ضمن اظهار خیرمقدم و تشکر از رابطه صمیمی نماینده شان با مردم، مشکلات، کاستی ها، نیازها و چالش های موجود در ولسوالی های شان را با نماینده خود در میان گذاشتند و خاطر نشان ساختند که مردم از مشکلات اقتصادی و بیکاری، مشکلات فرهنگی، نبود معلم مسلکی، وجود فساد اداری، مشکلات امنیتی در ولسوالی ها و راه ها، به شدت رنج می برند بدین ترتیب از دکتر سجادی نماینده خود خواستند به مشکلات مردم رسیدگی و توجه نمایند.

در این ملاقات دکتر سجادی ضمن قدردانی و تشکر از محبت و احساسات پاک مردم تاکید کردند که مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی مقوله ای است که دغدغه هر افغان با درک و درد است، نمایندگان شما در پارلمان که مهمترین نهاد نظارتی بر دولت است، تلاش می کنند با درک خواسته ها و دردهای مردم این مشکلات را به حد اقل برسانند، به این معنا که نمایندگان شما مطابق امکانات و اختیارات که در دسترس دارند وظیفه خود می داند که در جهت رفع وحل مشکلات و نیازهای مردم بکوشند همانگونه که در این چند سال که به عنوان نمایندگان مردم در خدمت مردم بودند، خدمات فرهنگی، اقتصادی و امنیتی که از دست شان برآمده برای مردم انجام داده اند.

در ادامه این ملاقاتها رئیس و اعضای اتاق های تجارت و صنایع غزنی با دکتر سجادی دیدار نمودند در این بازدید ابتدا

ورود دکتر سجادی را به غزنی خوش آمد گفته مشکلات و نیازمندیهای اتاق تجارت غزنی را با نماینده شان در میان گذاشتند، سپس دکتر سجادی نیز از مسئولین اتاق های تجارت غزنی تشکر و قدردانی نمود. موسفیدان و مردم مناطق توحیدآباد، نوآباد و حیدرآباد شهر غزنی نیز به طور جداگانه با نماینده منتخب شان در پارلمان، دیدار نمودند، ابتدا از آمدن دکتر سجادی به ولایت غزنی اظهار خوشی نمودند و گفتند امروز خوشحالیم که ما می توانیم درد دل خود را مستقیماً با شما در میان بگذاریم، در این دیدار موسفیدان و متفدین و بزرگان این مناطق وضعیت مشکلات مناطق توحید آباد، نوآباد و حیدرآباد را با دکتر سجادی یاد آور شدند، دکتر سجادی نیز از مردم این مناطق تشکر و قدردانی کرد.

در این سفر چهار روزه دکتر سجادی ریاست پوهنتون خاتم النبیین، با استادان شعبه غزنی این پوهنتون نیز ملاقات نمود که در این ملاقات ابتدا استاد حسین حبیبی ریاست شعبه غزنی این پوهنتون ورود دکتر سجادی را در غزنی بخصوص در مرکز علمی و اکادمیک شعبه غزنی خیر مقدم گفت و سپس اساتید این شعبه مشکلات و پیشنهادهای خود را برای بهبود وضعیت آموزشی خدمت ریاست این پوهنتون ارائه داشتند و در آخر دکتر سجادی ریاست این پوهنتون از کارکرد مسئولین و اساتید شعبه غزنی این پوهنتون قدردانی نمود و گفت الحمدلله وضعیت پوهنتون خاتم النبیین در غزنی رضایت بخش است، یقیناً رضایت مردم مدیون تلاش های مسئولین و اساتید این شعبه می باشد.



آمریت فرهنگی - تربیتی

**نمایشگاه
مشترک
از آثار
اساتید
و دانشجویان**



**شعبه غزنی
دانشگاه
خاتم النبیین (ص)**

نمایشگاه مشترک از آثار اساتید، و هنر خطاطی، نقاشی، رسامی، صنایع دستی، و... دانشجویان که با همکاری بخش فرهنگی دانشگاه خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی و دانشجویان دانشکده های اقتصاد و مدیریت، علوم سیاسی، فقه و حقوق، طب معالجی و قابلگی در سالن مطالعه کتابخانه این دانشگاه دایر گردیده بود، با حضور ریاست دانشگاه استاد حسین حبیبی، روسای دانشکده های اقتصاد و مدیریت، حقوق و علوم سیاسی، طب، اساتید، دانشجویان دانشکده ها، برگزار شد.

در محفل که به همین مناسبت برگزار شده بود استاد حسین حبیبی رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی خطاب به دانشجویان گفت: تلاش و همت شما دانشجویان ستودنی است، شما در برگزاری این نمایشگاه خلاقیت و توانایی خود را نشان دادید، غرفه های تمام دانشکده ها دیدنی بود، هر کدام از یک زاویه نوآوری منحصر به فرد داشت، امید داریم که این نمایشگاه شروع کاری شما برای برگزاری نمایشگاه در آینده ها باشد.

این نمایشگاه به مناسبت آغاز دومین سال تحصیلی دانشگاه خاتم النبیین شعبه غزنی از تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۲ به مدت ۵ روز در معرض دید عمومی مردم غزنی قرار گرفت و به پاس تشویق و تقدیر از کارکرد این دانشجویان، لوح تحسین به آنان اهدا گردید و بدین ترتیب مراسم را خاتمه بخشید.

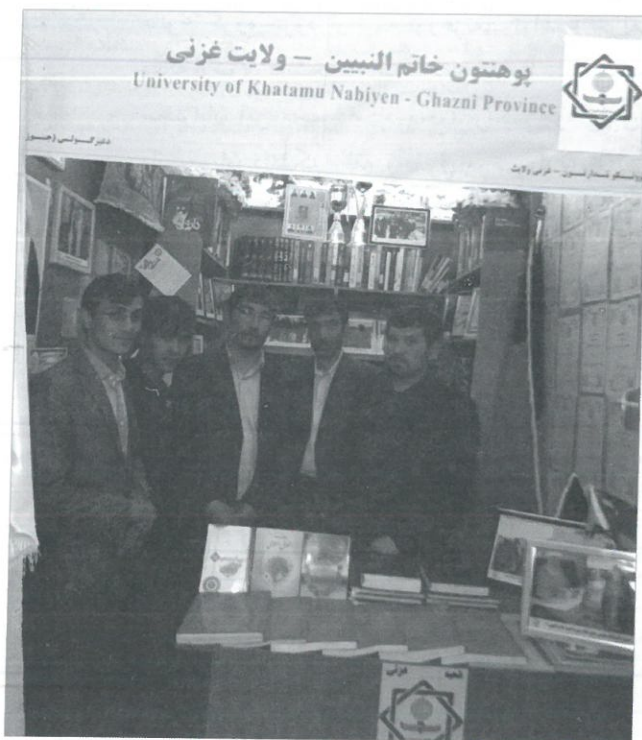
آمریت فرهنگی _ تربیتی

اشتراک شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) در نمایشگاه عرضه خدمات برای مردم غزنی!

نمایشگاه با عنوان «عرضه کنندگان خدمات برای مردم غزنی» در تاریخ ۲۷ و ۲۸ جوزا از طرف موسسه سیکا (SIKA) در سالن سرپوشیده ورزشی المپیک غزنی برگزار شد.

در این نمایشگاه شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) به عنوان عرضه کننده خدمات تحصیلات عالی در ولایت غزنی اشتراک نموده محصولات تحقیقات علمی، فرهنگی و کارکرد یک ساله این دانشگاه را در این ولایت به روایت تصویر به نمایش گذاشته است.

استاد حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی باجمعی از اساتید، روز دوم، از این نمایشگاه دیدن نمودند، ریاست این دانشگاه گفت این گونه نمایشگاه ها علاوه بر نشاط روحی، می تواند برای مردم غزنی یک دست آورد کاری محسوب شود، رئیس شعبه غزنی این دانشگاه افزود این گونه نمایشگاه ها برای عرضه کنندگان خدمات تشویق است تا خدمات بیشتر ارائه نمایند. استاد حبیبی ریاست دانشگاه، یاد آوری کرد غرفه دانشگاه خاتم النبیین شعبه غزنی که از طرف آمریت فرهنگی و پارلمان دانشجویی شرکت نموده است، سه موضوع بیشتر به چشم می خورد، تحقیقات علمی، فرهنگی، کارکرد یک ساله این دانشگاه در قالب تصویر، که این موضوع می تواند به عنوان عرضه خدمات تحصیلات عالی برای مردم غزنی باشد. گفتنی است که در این نمایشگاه، تعداد ۷۰ غرفه از نهادهای مختلف، ادارات دولتی و سکتورهای خصوصی با عرضه خدمات مختلف، صنایع دستی، تولیدات محلی، خدمات رسانه ی، فرهنگی، ورزشی، حرفه های گوناگون، به دور روز به نمایش گذاشته شده است.



تجلیل از مبعث رسول گرامی در شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

قرار دادند.

استاد محمد رحیمی طی سخنانش گفت بعثت به معنای ایجاد یک تمدن پاسخگو است که سعادت دنیا و آخرت بشر را تضمین می کند، آقای رحیمی موضوعات ذیل را به عنوان محور اصلی سخنانش قرار داد: گذشته تمدنی اسلام و اینکه در آن شرایط جهل و نادانی، اسلام چه راه آوردی برای بشر آورد. وضعیت فعلی جهان اسلام که امروزه جوامع بشری از جهان مختلف شبیه جامعه جاهلی است؛ راه حل که بازگشت دوباره به آموزه های اصیل اسلامی است، به این معنی که بشر برای رهایی از معضلات خود باید اسلام را به فهمند و سپس به آن عمل کند. آقای مولوی ثاقب یک تن دیگر از سخنرانان محفل بود که بعثت پیامبر گرامی را به عنوان مکتب انسان ساز بیان کرد و سرآغاز زندگی بشر در عصر که سراسر شبه جزیره عرب را جهل و نادانی فراگرفته بود. آقای مولوی ثاقب اعتقاد به خدای یگانه، احترام به حقوق زن در آن عصر و زمان که زن مایه ننگ خانواده بود، عدالت و برادری بین تمام اقشار مردم را سرلوحه کاری پیامبر گرامی دانستند.

در پایان محفل با دعای استاد عظیمی یک تن از علمای شهر غزنی و دانشجوی دانشکده فقه و حقوق خاتمه یافت.



به مناسبت گرامی داشت از مبعث رسول اکرم (ص) محفل با شکوه در شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) برگزار شد. این مراسم با اشتراک استاد حسین حبیبی ریاست این دانشگاه، روسای دانشکده ها، اساتید و جمعی کثیر از دانشجویان، از طرف آمریت فرهنگی با همکاری پارلمان دانشجویی این دانشگاه برگزار گردید. مراسم با تلاوت آیات نوربخش کلام وحی افتتاح و سپس برنامه های متنوع گروه سرود از لیسه نورغزنه، توشیح خواهران رشته قابلیت، مقاله از سوی دانشجویان ادامه داشت.

سخنرانان این محفل استاد محمد رحیمی و مولوی ثاقب یک تن از دانشجویان دانشکده فقه و حقوق موضوعات مختلف را مورد بررسی



سمینار مشترک دانشجویی «دانشجو و خلاقیت» به منظور ارتقاء قدرت بیان دانشجو

رحمانی در ابتدا درمورد ارزش، اهمیت و فضیلت روزه و رمضان سخن گفت و تاکید کرد که هدف از روزه ایجاد تقویت و ملکه تقوی در انسان است، وی به آیه شریفه کتب علیکم الصیام ... استناد کرده و بخشی از خطبه شعبانیه پیامبرگرامی اسلام را بیان داشت، که ماه رمضان شهر الله است، که سراسر برکت، رحمت، و مغفرت است، و ماهی است که همه مومنین در آن مهمان خدا هستند.

سپس درمورد اثار و برکات و فواید روزه سخن گفت و تاکید کرد روزه در تطهیر روح و روان انسان نقش ارزنده دارد، در ادامه قاضی رحمانی جنبه های حقوقی روزه که مربوط به حق الله برانسان می شود بیان کرد که روزه قطع نظر از فواید مادی و معنوی که بر ای انسان دارد خود نوعی تکلیف برای انسان و حق برای خدا است، این دانشجو از این منظر مومنین را به ارج نهادن به روزه تشویق کرد.

سومین سمینار توسط دانشجویان دانشکده اقتصاد و مدیریت هریک آقایان محمد جمعه مصباح و فرهنگ با عنوان نقش خانواده در اقتصاد ارائه داده شد.

این دانشجویان تاکید کردند که خانواده ها می توانند با استفاده از الگوهای علمی و دینی چگونگی درآمد و مصرف را تنظیم کنند، برای استفاده بهینه از امکانات الگوهای علمی و دینی وجود دارد که خانواده ها می توانند با استفاده از آن الگوها بر پویایی اقتصاد تاثیر بگذارند، آقایان مصباح و فرهنگ با طرح الگوها و مکانیسم های علمی و دینی راه های را برای چگونگی استفاده از منابع کم و امکانات محدود مورد توجه قرار دادند. سمینار مشترک دانشجویی با دعای استاد محمد رحیمی پایان یافت.



اولین سمینار دانشجویی شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) از طرف آمریت فرهنگی با همکاری پارلمان دانشجویی از دانشجویان دانشکده اقتصاد و مدیریت، علوم سیاسی، فقه و حقوق و طب معالجوی، به منظور ارتقاء قدرت بیان دانشجویان در شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین برگزار گردید.

در آغاز کار این سمینار برنامه های متنوع چون گروه تواسیح دانشجویان رشته قابلیت و دکلمه شعر توسط یک تن از دانشجویان و اجرای زیبا از طرف مجریان برنامه هریک آقای وقار دانشجوی دانشکده علوم سیاسی و فرزانه قاسمی دانشجوی دانشکده اقتصاد و مدیریت، آغاز شد و آقای عزیزالله عمرانی رئیس پارلمان دانشجویی از عموم اشتراک کنندگان تشکر کرد و از دانشجویان خواست تا در برنامه های دانشجویی که از طرف آمریت فرهنگی و پارلمان دانشجویی گرفته می شود جدی تر عمل نمایند، آقای عمرانی گفت این اولین سمینار است که پارلمان دانشجویی برگزار می کند در آینده های نزدیک سمینار های تخصصی از طرف پارلمان دانشجویی با همکاری آمریت فرهنگی این دانشگاه برگزار خواهد شد.

در این سمینار مشترک سه تن از دانشجویان دانشکده طب معالجوی، فقه و حقوق و اقتصاد و مدیریت با موضوعات روزه از دیدگاه طب، اهمیت روز از دیدگاه اسلام و اقتصاد خانواده سمینارهای خویش را ارائه نمودند.

آقای فکوری از دانشکده طب معالجوی:

تاثیر روزه بر سلامتی انسان از نظر دانش طب، مطالبی را ایراد کرد و تاکید نمود که روزه از نگاه علم طب می تواند در کنترل فشار خون، مهار کنترل بیماری قند، امراض که مربوط به دستگاه هاضمه انسان می شود، نقش تعیین کننده داشته باشد، او در ادامه نظریات چندی از اندیشمندان و نظریه پردازان علم طب را مطرح کرد که همگی بر نقش تعیین کننده روزه بر سلامتی و بهداشت جسمی و روحی انسان اذعان و باور داشتند.

دومین سمینار توسط قاضی محمد انور رحمانی، یک تن از دانشجویان دانشکده فقه و حقوق با عنوان فضیلت و فواید روزه ارائه شد، قاضی



گفتگوی اختصاصی با دکتر عبدالقیوم سجادی رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص)

نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان!

خوشحالم که شماره دیگر پیام خاتم را در اختیار خوانندگان و دانشجویان عزیز می بینم. امیدوارم پیام خاتم پیام علم اندوزی، خردگرایی باشد. انتظار دارم پیام خاتم گوشه ای از اهداف بلند و اسلامی دانشگاه خاتم النبیین را که همانا تربیت نیروهای متخصص و متعهد می باشد برای دانشجویان و فرهیختگان کشور انتقال دهد.

در دانشگاه خاتم النبیین شعبه غزنی، برای روشن نگهداشتن چراغ علم و دانش در کشور و در دیار سنایی تمام محدودیت ها را تحمل نموده و تلاش بی شائبه و شبانه روزی شان را میذول می دارند. با استفاده از فرصت همه این تلاش ها را با دیده قدر نگرسته و از محضر همه شان ابراز سپاس و امتنان می کنم.

پیام خاتم: بعد از اعلان غزنی به عنوان مرکز فرهنگی ثقافت اسلامی، آیا به نظر شما کارهای نوسازی و بازسازی رضایت بخش بوده است؟

هر چند فعال سازی نهادها و مراکز فرهنگی بخشی از تلاش ها و کوششهایی است که به بهانه مرکز ثقافت اسلامی باید انجام گیرد، اما در این میان انتظار مردم از حکومت افغانستان و مسولین امر در این ولایت این بود که از نظر بازسازی و زیبا سازی نیز غزنه را شایسته پذیرایی از میهمانان خارجی سازند که متأسفانه در این زمینه هنوز هم آنچه انتظار می رفت انجام نیافته است.

مردم غزنی انتظار دارند در فرصت باقیمانده حکومت و نهادهای اجرایی در مرکز و ولایت برای تجلیل شایسته از مقام و جایگاه تمدنی و فرهنگی غزنی، در بازسازی و زیبا سازی غزنی تلاش بیشتری را میذول داشته و حد اقل بخشی از انتظارات موجود در زمینه را مرتفع سازند.

پیام خاتم: چه کارهای باید برای مردم غزنی تا برگزاری جشنواره ۲۰۱۳ انجام شود؟

ایجاد ارتباط بین غزنی و سایر و ولایت و ولسوالی های این ولایت از دیگر ضرورت هایی است که در استانه سال تجلیل از غزنه بایسته است که انجام گیرد. ما در این ارتباط به نمایندگی از مردم غزنه رای زنی و گفتگوهای جدی با وزرای فواید عامه و مالیه داشته ایم تا از طریق ساخت و پخته کاری سرک مرکز غزنی الی گردیز، ساخت و پخته کاری سرک قرباغ الی جاغوری، گیلان الی جاغوری، غزنی الی ناهور از مسیر دره قیاق، غزنی را با اطراف وصل نموده و از اسارت و انزوا نجات بخشند. ارزومندم به بهانه مرکز ثقافت اسلامی این انتظارات و خواست ها که از خواست های بحق و چندین ساله غزنویان است برآورده گردد.



پیام خاتم: دانشگاه خاتم النبیین (ص) عنقریب دو سال است در غزنی فعالیت دارد آن چه را شما انتظار داشتید جامه عمل پوشید؟

دانشگاه خاتم النبیین که اینک وارد ششمین سال فعالیت علمی و اکادمیک خود گردیده، افتخار دارد که با دستاوردهای جدید و ارزشمند علمی هم چنان با انگیزه فزون تر و بالندگی بیشتر به تربیت کادرهای علمی و اداری امروز و فردای کشورش همت می گمارد. این مرکز معتبر و معیاری در عرصه تحصیلات علاوه بر چندین دوره تقدیم جوانان فارغ التحصیل از طبقه ذکور وانات و ارابه خدمات علمی و تحصیلی با کیفیت در مرکز کشور، حضور علمی خود را در شهر باستانی و فرهنگی غزنی با نام گزاری این شهر بعنوان مرکز ثقافت اسلامی در سال گذشته همزمان ساخت. دانشگاه خاتم النبیین افتخار دارد که با فعال سازی شعبه ولایتی خویش در غزنه باستان تصویر تازه ای از غزنه را که همانا بازنمایی سیمای تاریخی و تمدنی این دیار بود به نمایش گذارد.

هر چند هنوز جامعه ما با فقر جدی و همه جانبه در عرصه فرهنگی و دانش روبرو است، اما جای خرسندی است که برای زدودن فقر و دامنه های جهل گسترده اینک تلاش های جدی و همه جانبه در جریان است. همکاران فرهیخته و اساتید فرزانه ما

با مقام محترم ولایت غزنی الحاج موسی خان اکبرزاده!

با تشکر از مقام محترم ولایت غزنی که وقت خود را در اختیار نشریه پیام قرار دادید

.....

۱. تا هنوز چه کارهای برای سال ۲۰۱۳ انجام شده و چه کارهای در دست کار است؟

تمام پروژه های که برای غزنی تا هنوز تطبیق شده و یا در حال کار است به سه دسته می توان تقسیم کرد، پروژه های زیر بنایی، پروژه های آبدات تاریخی و پروژه های مرکز ثقافت اسلامی، در بخش پروژه های زیر بنایی ما ۷۲ کیلومتر سرک در داخل شهر قیر ریزی شده است، برق غزنی از ۵ میگا بایت به ۶ میگا بایت رسیده است، افتتاح میدان هوایی، سرسبزی داخل شهر، گلدانهای دوطرف سرک ها.

آبدات تاریخی، تا ماه عقرب که جشنواره نهایی برگزار می شود حدود ۳۲ آبدات تاریخی تکمیل می شود این یک افتخار است برای غزنی که فروپاشی و تخریب این آبداهای تاریخی جلوگیری شده است.

در بخش پروژه های ثقافت اسلامی که در حقیقت تعداد صد پروژه کارهایش

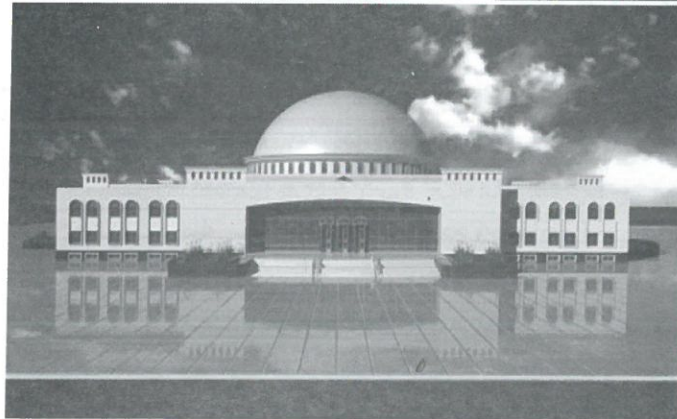
جریان دارد تا ماه عقرب که این جشنواره برگزار می شود، مرکز ثقافت اسلامی، مسجد، جشنیازيوم، استدیوم، منازل رهائشی، سرک های داخل ثقافت اسلامی، ترمیم برق، مهمانان خانه مجهز، سیستم آب رسانی، ایها بخش از پروژه های است که تا ماه عقرب که این جشنواره برگزار می شود تکمیل می شود.

۲. افتتاح مقدماتی جشنواره ۲۰۱۳ در ماه حمل چگونه بود، چه آمادگی های برای برگزاری جشنواره غزنی ۲۰۱۳ در ماه میزان دارید؟

مردم غزنی شاهد هستند که در تاریخ ۲۴ حمل ۱۳۹۲ غزنی لقب مرکز فرهنگی ثقافت اسلامی را از آن خود کرد و رسماً تاج گذاری شد، قرار بود در ماه میزان جشنواره نهایی برگزار شود اما این جشنواره به مدت یک ماه به تخییر افتاد انشاء الله در ماه عقرب برگزار خواهد شد که تمام آمادگی ها گرفته شده است، کدام شکل وجود ندارد.

۳. از فعالیت دانشگاه خاتم النبیین (ص) در غزنی عنقریب دو ساله می گذرد، خدمات تحصیلات عالی از طرف این دانشگاه برای مردم غزنی چگونه بوده است؟

ما خوشحالیم که غزنی یک بار دیگر مرکز فرهنگی جهان می شود، دانشگاه خاتم النبیین (ص) در کنار دانشگاه غزنی یک مرکز علمی خوب خواهد بود، انشاء الله غزنی دارای سه پوهنتون خواهد شد یک پوهنتون غزنی، دوم پوهنتون تخنیکي مرکز ثقافت اسلامی، سوم پوهنتون خاتم النبیین (ص) ما امید واریم که مردم غزنی با این سه پوهنتون بتواند به درجات عالی علمی برسند، علاج تمام دردهای فعلی در علم است، باید جوانان به سوی علم و دانش حرکت کنند، تا بتواند مردم و کشور را از این تاریکی ها نجات دهند.



گفتگوی نشریه «پیام خاتم»

با دکتر محبوب حسینی رئیس دانشکده طب شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

تهیه کننده: بخش فرهنگی _ تربیتی شعبه غزنی



جانب ایجاد یک شفاخانه معیاری در سطح این ولایت کاملاً احساس می شود و از طرفی ایجاد شفاخانه کدری یکی از امور و بخشهای لاینفک پوهنهی طب معالجوی می باشد.

ما امیدواریم که هر چه سریعتر مشکلات ایجاد این شفاخانه برداشته شده و ما بتوانیم یک شفاخانه کدری و معیاری که بتواند در کنار سایر ارگانها و شفاخانه های دولتی و غیر دولتی، گوشه ای از مشکلات مربوط به صحت و بهداشت مردم شریف ولایت غزنی را حل نماید. بنده معتقدم که مسئولین محترم ریاست صحت عامه، شفاخانه ملکی و سایر شفاخانه های خصوصی، داکتر صاحب ها و معاینه خانه ها، دواخانه های شهر و موسسات و پوهنتونهای خصوصی علوم طبی و قابلگی باید با حسن نیت و دوشادوش و در کنار هم و با همکاری همدیگر غزنی را ولایتی نمونه از نظر مسائل صحتی و بهداشتی بسازند.

۳. پیام خاتم: مشکلات صحتی مردم غزنی را در چه می دانید؟
جواب: مشکلات صحتی مردم غزنی ریشه در فقر و بی سوادی اکثر مردم شریف این ولایت و عدم آگاهی مردم از پیامها و موضوعات بهداشتی و صحتی و کمبود بودجه های صحتی از طرف دولت مرکزی و سازمانهای جهانی می باشد.

و همچنین با توجه به مالتی فاکتورهای بودن مسئله صحت سایر مسائل از جمله سطح اقتصادی پایین مردم و کمبود بودجه های مربوط به شاروالی و محیط زیست و سایر ارگانهای مرتبط از عوامل مهم وضعیت بد موجود صحت جامعه می باشد.

ما در قرن ۲۱ نباید شاهد آمارهای بالای بیماریهای عفونی از قبیل اسهال و مرگ و میرهای ناشی از آن باشیم. سایر آمارهای مربوط به

با تشکر از جناب دکتر محبوب حسینی از این که وقت تان را در اختیار نشریه «پیام خاتم» گذاشتید.

۱. پیام خاتم: دانشکده طب شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) در چه رشته های فعالیت دارد و تاکنون چه تعداد دانشجو مشغول فراگیری علوم طبی هستند؟
جواب: با تشکر از زحمات بی شائبه جنابعالی و با تشکر از مجله بسیار پر بار و وزین شما؛ دانشکده طب معالجوی شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) در بهار ۱۳۹۱ با دو رشته طب معالجوی و قابلگی شروع به کار نمود. در حال حاضر که ما در پایان سمستر سوم خود می باشیم، در مجموع ۱۵۰ نفر در رشته طب معالجوی در سال اول و دوم و ۴۵ نفر در رشته قابلگی ۴ ساله و ۲۷ نفر در رشته قابلگی دوساله مشغول به تحصیل می باشند.

۲. پیام خاتم: یکی از مشکلات مردم غزنی نبود یک شفاخانه مسلکی است، شما برای حل این مشکل چه تصمیمی دارید؟

جواب: مشکل نبود و یا کمبود شفاخانه های معیاری در کل افغانستان و بویژه در ولایت محروم غزنی کاملاً احساس می شود و شفاخانه ملکی ولایت و سایر شفاخانه های دیگر که در سطح شهر می باشند و به تداوی مردم شریف غزنی می پردازند، بسیار محدود بوده و جوابگوی جمعیت ولایت غزنی نمی باشند. به همین علت مردم ما جهت تداوی در بسیاری از موارد به کابل و پشاور جهت تداوی مراجعه می کنند. با توجه به این مشکلات که آمارهای مرگ و میر بخصوص آمار مرگ و میر اطفال کمتر از یک سال و نیز اطفال کمتر از ۵ سال و نیز آمار مرگ و میر مادران حین زایمان و یا به خاطر مشکلات حمل و بارداری در کل افغانستان و بخصوص در ولایت غزنی بسیار بالا و وحشتناک می باشد.

گر چه این آمارها با توجه به زحمات مسئولین محترم مربوطه و ارگانهای دولتی و خصوصی کاهش چشم گیری نسبت به حدود ده سال قبل دارد، اما با این حال آمارهای ما با جامعه جهانی و استانداردهای سازمان بهداشت جهانی WHO، فاصله بسیار دارد. بناءً با توجه به مسئولیت این



صحت همان طور که ذکر شد با استانداردهای جهانی فاصله فاحشی دارد. مردم شریف و مسلمان و مومن افغانستان و ولایت غزنی شایسته بهتر از وضعیت موجود می باشند. این مردم سابقه تاریخی درخشانی دارد پس لیاقت این را دارد تا باز درخشش خود را شروع نماید.

۴. پیام خاتم: چشم انداز آینده شما از دانشگاه خاتم النبیین دوزغزنی بخصوص دانشکده طب چه است؟

جواب: پوهنتون خاتم النبیین^(ص) با توجه به ویژگیهایی که دارد و سیر تحولی سریعی که داشته، از مراکز علمی و آکادمیک بسیار موفق کشور عزیزمان می باشد و من فکر می کنم می تواند همچنان جزء بهترین ها باشد و امید که در آینده بتواند جزء مراکز علمی و آکادمیک برتر منطقه و جهان قرار بگیرد به طوری که بتواند حتی از کشورهای دیگر جذب محصل نماید.

با توجه به سابقه علمی و فرهنگی ولایت غزنی که انسانهای فرهیخته ای در علوم مختلف و ادبیات از قبیل ابوریحان ها و سنایی ها به جامعه بشریت هدیه نموده است و با توجه به اینکه مردم شریف و مسلمان و متدین و علم دوست و فرهنگ دوست داشته و دارد باز هم می تواند گذشته پر افتخار خود را زنده نماید و باز هم شخصیت های برجسته ای را به ملت و کشور عزیزمان و به جامعه بشریت هدیه نماید. پوهنتون خاتم النبیین^(ص) شعبه غزنی افتخار دارد تا به لطف پروردگار متعال بتواند قدمهای نخست این راه پر افتخار را بر دارد.

۵. پیام خاتم: برای دانشجویان که مشغول فراگیری علوم طبی هستند چه توصیه های دارید؟

جواب: در علوم طبی از قبیل طب معالجوی و قابلگی ما با جان انسانها سرو کار داریم. خداوند جل جلاله در کتاب شریف می فرماید: (من قتل نفسا بغير نفسا او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا و من احیایها فکانما احیا الناس جمیعا) هر کس نفسی را به قتل برساند در حالی که او مرتکب قتل نشده و یا فسادی در زمین ایجاد نموده باشد مثل این است که تمام مردم را به قتل رسانده باشد و هر کسی نفسی را زنده نماید بمانند آن است که تمام مردم را زنده نماید.

بنابراین یک داکتر یا قابله و یا سایر فارغ التحصیلان علوم طبی طبق این آیه

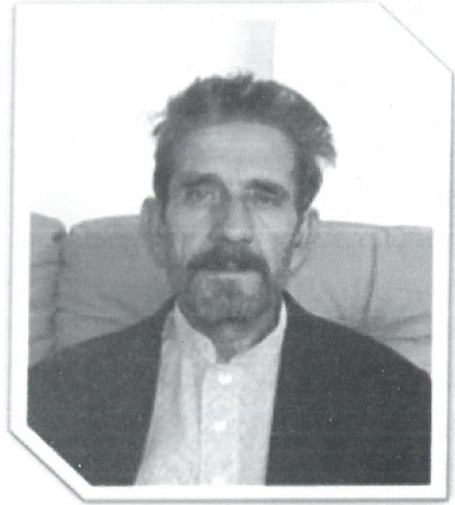
شریف با نفس انسانی و جان انسانها سروکار داشته بناءً رشته های علوم طبی را می توان یک شمشیر دو لبه در نظر گرفت. یعنی چنانچه هر یک از محصلین گرامی به خوبی در طی دوران تحصیل درسهای تئوری و عملی خود را به خوبی خوانده باشد و در دوران تحصیل سعی و تلاش نموده باشد و پس از فارغ التحصیل شدن هم با نیت پاک و در جهت رضای الهی و خدمت به خلق خدا و به دور از شائبه های اقتصادی و مقام و موقعیت به خدمت خلق و تداوی و درمان بیماران اقدام نماید و جان انسانی را نجات دهد و یا آلام و دردهای فرزندی کم نموده و به تبع تشویش و نگرانی مادری را برطرف نماید می تواند مشمول این آیه شرف واقع شود و در جهت اهداف خلقت و آیات قرآن کریم گام برداشته و به عکس چنانچه در دوران تحصیل سعی و تلاش خوبی ننماید و از بنیه عملی ضعیفی پس از فارغ التحصیلی برخوردار باشد و یا بی اثری مسئولیتی و یا به علل اقتصادی و دنیا پرستی باعث عدم نجات جان بیماری شود در حالی که او مسول نجات او می باشد در این صورت او باز مشمول این آیه شریفه قرار گرفته و خود را مستوجب عذاب الهی می نماید.

بنده به عنوان مسئول دانشکده طب و سایر اساتید محترم که در تربیت این محصلین دخیل میباشند هم در ثواب کارهایشان و هم خدائی ناکرده در کم کاریهایشان سهیم می باشیم.

بنابراین توصیه ما به تمام محصلین طب معالجوی و قابلگی و سایر رشته های علوم طبی این است که یا این راه را انتخاب ننمایند و یا اگر انتخاب نمودند با تمام قدرت، مسئولیت پذیر بوده و تمام سعی و تلاش خود را در جهت تحصیل خوب چه در دروس تئوری و چه در دروس عملی و کلینیکی بنمایند و پس از فارغ التحصیل شدن نیز به دور از خواسته ای اقتصادی و به دور از کسالت و سستی و با تمام انرژی به انجام وظایف خود و تداوی بیماران، با اخلاق حسنه و مهربانی تمام به خدمت خلق خدا بپردازند.

در پایان باز هم از شما و مجله خوبتان کمال تشکر و قدردانی دارم.

با معاونت محترم علمی دانشگاه غزنی آقای محمد رحیم نورزی!



تحصیلی تمام باشندگان غزنی به این شهر انتقال یافت، نسبت بهتر شدن وضعیت فرهنگی شهر غزنی و پذیرای مهمانان سال ۲۰۱۳ به فعالیت آغاز نموده است که تا چهره واقعی باستانی این پرورش گاه نویسندگان مشهور جهانی را معرفی نمایند.

۳. ارزیابی شما از تحصیلات عالی خصوصی در کشور چگونه است؟

جواب: بدون شک مردم افغانستان بیشتر از هر چیز نیاز به تحصیل علم و دانش دارند، وجود و فعالیت دانشگاه های خصوصی معیاری، در کشور نه تنها یک همکاری خوب برای دانشگاه های دولتی بوده بلکه دانشگاه های خصوصی در پیشرفت شکوفای فکری جوانان برای محوی بی سوادی نقش عمده را بازی می کنند.

۴. دانشگاه خاتم النبین (ص) که یکی از فعالیت های کاری وکیل منتخب مردم غزنی جناب دکتر عبدالقیوم سجادی است، تا چه حد مشکلات تحصیلات عالی را در این ولایت توانسته است برطرف نماید؟

جواب: دیرگاهی است سز زمین که یادش یک تاریخ درخشان را در اذهان آدم ها تداعی می کند در آغوش ناهنجاری ها بسر می برد، مردم که باید به عزم تحقق بخشیدن به پایتخت فرهنگی جهان اسلام امروز به عنوان یک توده ملت سر بلند از فراز های اخبار جهان سر در آورند متأسفانه در نابسامانی های امنیتی، فرهنگی و هزاران نگرانی های دیگر برخاسته از این اوضاع اند، شعبه دانشگاه خاتم النبین از آغاز فعالیتش تا کتون برای مرفوع ساختن مشکلات تحصیلات عالی در شهر غزنی نقش ارزنده را بازی نموده است و امید است که دانشگاه خاتم النبین در کنار دانشگاه غزنی به تمام درد های این مردم مرحم شوند.

۵. با توجه به اینکه جناب عالی به عنوان نماینده وزارت تحصیلات عالی در تمام برنامه های این دانشگاه شرکت داشته اید، فعالیت های یک و نیم ساله این دانشگاه را چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: از این که برای بنده از سوی رهبری دانشگاه غزنی به اساس هدایت وزارت محترم تحصیلات عالی جهت نظارت بر برگزاری کانکور آن دانشگاه وظیفه سپرده شده بود وطوری که از نزدیک شعبه غزنی دانشگاه مشاهده شد و با توجه به وضعیت موجود در این ولایت برنامه های آن دانشگاه مطابق با قوانین وزارت محترم تحصیلات عالی کشور ارزیابی نموده و از برنامه های دلسوزانه شان جهت بالابردن سویه تحصیلی دانشجویان این ولایت که خود یک دریچه شکوفایی است و بدیده مثبت می نگریم و موفقیت هر چه بیشتری شان از خداوند متعال استدعا دارم.

۶. چه گفتنی برای دانشجویان و مسئولین غزنی دارید؟

امید واریم مسئولین و دانشجویان غزنی باستان فرصتی این را دریابند که برای رشد، شکوفای و برنامه های انکشافی شهر شان تلاش نمایند.

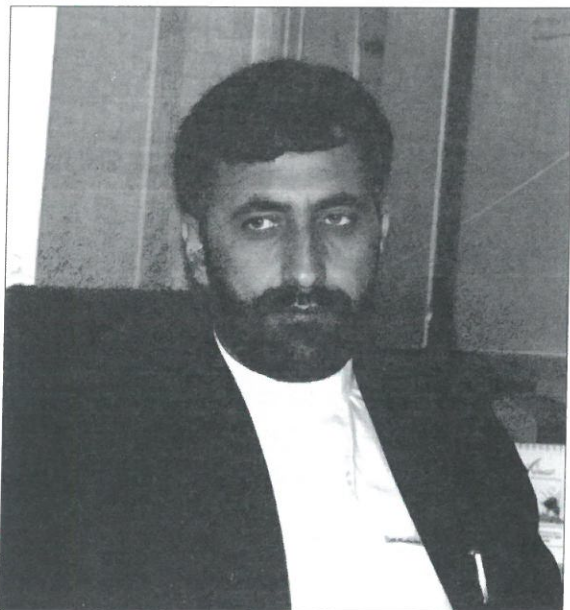
۱. وضعیت تحصیلات عالی را در غزنی چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: از این که شهر غزنی از ناهنجاری ها و نابسامانی های زمانی رنج می برد، در حال تجربه کردن سختی های روزگار و ناهمگونی های دوران می باشد، ولی بازم رشد چشم گیر خود را در عرصه تحصیلات عالی داشته است، اما با شهر های دیگر این کشور که نهاد های اکادمیک آنها سابقه زمانی زیاد داشته و در یک فضای امن قرار گرفته است، نسبتا غزنی نیز در شرایط مطلوب بسر می برد.

۲. آیا به مناسبت سال ۲۰۱۳ که غزنی به عنوان مرکز فرهنگی پایتخت تمدن جهان اسلام معرفی شده است، برای تحصیلات عالی در این ولایت کاری صورت گرفته است؟

جواب: خوشبختانه به مناسبت سال ۲۰۱۳ که غزنی به عنوان مرکز فرهنگی جهان اسلام شناخته شده بود به اساس جد و جهد و کلاهی علم دوست شهر غزنی دو دانشکده اقتصاد و شرعیات در تشکیل دانشگاه غزنی برای سال ۲۰۱۳ منظور گردید و رسماً برای سال ۱۳۹۲ دانشکده ها یاد آوری شده به فعالیت آغاز نموده و همچنان به اساس تلاش خستگی نا پذیری شبانه روز جناب دکتر عبدالقیوم سجادی وکیل منتخب مردم غزنی، شعبه دانشگاه خاتم النبین نیز جهت بالابردن سویه

با جناب محمدعابد «عابد» ریاست محترم معارف ولایت غزنی!



با تشکر از ریاست محترم معارف ولایت غزنی که وقت تان را در اختیار نشریه پیام خاتم قرار دادید.

۱. پیام خاتم: وضعیت معارف ولایت غزنی را چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: وضعیت معارف در سطح ولایت غزنی، چندان خوب نیست، معارف در این ولایت درحالت حساس قرار دارد، فعلا در کل ولایت غزنی ۳۷ باب مکتب بسته است، از وقت که ما این مسئولیت را به عهده گرفتم تلاش ها صورت گرفته است، تا از طریق بزرگان قومی و محلی در وازه های این مکاتب بسته را باز شود و متعلمین بتوانند به مکاتب بروند، شاگردان در این ولایت کتاب ندارند، متعلمین زیر خیمه ها درس می خوانند، از همه مهمتر معلمین مسلکی در این ولایت کم است حتی در بعضی از مکاتب وجود ندارد، ما تلاش داریم که این مشکلات را حل نماییم، البته این کار به وقت و زمان نیاز دارد.

۲. پیام خاتم: پالیسی شما در راستای ترقی و پیشرفت معارف در سطح ولایت غزنی چه است؟

من درقبال معارف یک پالیسی شفاف دارم، در ابتدا قرار است یک شورای حمایت از معارف از علمای اهل شیعه و اهل تسنن تاسیس کنیم و یک شورای دیگر از تجارهای ملی، تا از معارف حمایت کنند، من درشروع کار خود در این ولایت تمام مدیران معارف را از ولسوالی ها خواستم تا مشکلات معارف را از زبان آنها بشنوم و گزارش کار معارف را از ولسوالی های مربوطه خواستم، ما تلاش داریم تا با همکاری مردم محل این مشکلات را حل نماییم.

۳. پیام خاتم: نقش معارف در روند مرکزیت فرهنگی تمدن جهان اسلام چیست؟

درحقیقت معارف از فرهنگ هر کشور نمایندگی می کند، معارف در ولایت غزنی هم از مرکزیت فرهنگی تمدن جهان اسلام نمایندگی خواهد کرد، چون از طریق معارف است که فرهنگ یک ملت تبارز داده می شود.

۴. پیام خاتم: افتتاح شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) چه تاثیر بالایی معارف ولایت غزنی دارد؟

افتتاح شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین در ولایت غزنی تاثیر مستقیم روی معارف می تواند داشته باشد، متعلمین مکاتب غزنی که نمی توانند در کانکور شرکت نمایند و یا قبول پوهنتون دولتی نمی شوند، به هرصورت می تواند در این پوهنتون درس بخواند، ما از مسئولین این پوهنتون می خواهیم که پروگرام ماستری را نیز در این ولایت بیاورند تا کسانی که فارغ از پوهنتون های کشور می شوند و علاقه به ادامه تحصیل دارند، در این پوهنتون به ماستری ادامه بدهند.

به هرصورت با افتتاح شعبه غزنی این پوهنتون مسئولین این پوهنتون، در غزنی برای مردم این ولایت یک خدمت نیک انجام داد و محصلین هم باید از این فرصت استفاده کنند درس بخوانند، چون تنها از طریق معارف و تحصیلات عالی است که مشکلات این مردم قابل حل خواهد بود.

معاذیر قانونی معافیت از مجازات!

حسین حبیبی، رئیس شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

چکیده

یکی از مباحث عمده و مهم حقوق جزای عمومی، بحث معاذیر معافیت از مجازات است. همانگونه که می دانیم، معاذیر به طور کلی بستگی به خطرناکی جرم ندارد بلکه مربوط است به سیاست جزائی. معاذیر قانونی اموری است که از طرف قانونگذار پیش بینی شده است و خاصیت آن از بین بردن مجازات است.

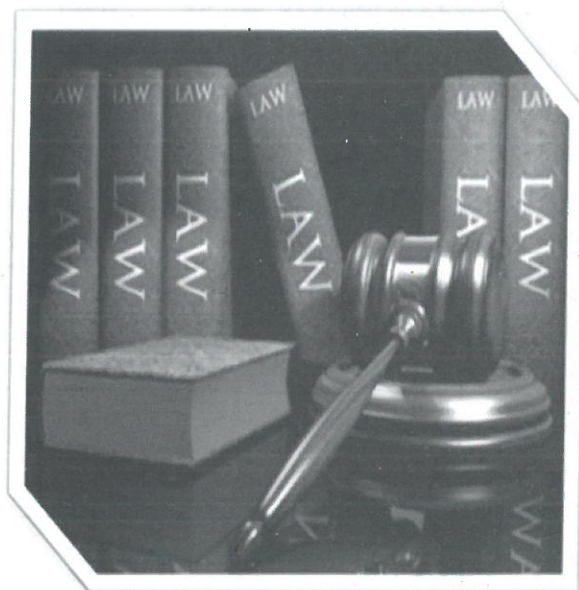
قواعد و مقررات مربوط به معافیت از مجازات در حقوق جزای افغانستان در فصل پنجم در ماده ۱۴۱ قانون جزا و ۱۰۱ قانونی اساسی پیش بینی شده است.

در معاذیر معافیت از مجازات، عمل ارتكابی جرم است (برخلاف عوامل موجهه) و مرتکب نیز شرایط عامه مسوولیت کیفری را دارد (برخلاف عوامل رافع مسوولیت کیفری) ولی قانونگذار بنا به ملاحظاتی مانند عذر همکاری، عذر توبه، عذر ندامت و مصونیت های پارلمانی، سیاسی و قضائی، صلاح دیده که فرد از مجازات معاف شود.

کلید واژه ها: معاذیر قانونی، مصونیت ها، سقوط مجازات

مقدمه

تعیین نوع و میزان مجازات با محکمه رسیدگی کننده است. قاضی محکمه اگر عمل سرزنش آمیز را با قواعد عمومی تحقق جرم منطبق دید موظف به صدور حکم محکومیت کیفری است. اما گاهی با وجود تحقق جرم، قانون گذار برای کشف باندها و شبکه های بزرگ مجرمین در اجرای سیاست



کیفری، تحت شرایطی در میزان مجازات مجرم تخفیف قائل و یا وی را به کلی از مجازات معاف داشته است.

سبب های معافیت از مجازات متعدّدند لیکن مبنای واحدی ندارند. این سبب ها به طور حصری در قانون احصاء شده اند و هر جا تأثیر بگذارند مانع از اجرای مجازات می گردند. سبب های مذکور عبارتند از: عذرهای معاف کننده، معافیت قضایی، مصونیت ها، عوامل رافع مسوولیت کیفری و عوامل موجهه جرم، در مورد عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسوولیت کیفری در قسمت های بعدی توضیحات ارائه خواهد شد و در این قسمت به بررسی معاذیر قانونی معافیت از مجازات پرداخته می شود که به دو دسته معاذیر قانونی مفافیت از مجازات و مصونیت ها تقسیم می شود:

الف) معاذیر قانونی معافیت از کیفر^۱ قانونگذار افغانستان معاذیر معاف کننده قانونی جرم را در ماده ۱۴۱ قانون جزا اشاره نموده و به محکمه اجازه داده است که در موارد محدودی، بزهدار را از کیفر معاف نماید. عذرهای معاف کننده به جرائم خاصی تعلق می گیرد و به هیچ وجه عمومیت ندارد. از آن جمله:

۱. **عذر همکاری:** همکاری کسی است که عضو دسته یا جمعیتی از بزه کاران بوده و خود در ارتکاب جرم یا طرح آن مشارکت یا معاونت داشته است ولی به دلیل هم کاری با مأموران کشف جرم و دادن اظهارات درباره هويت و مقاصد سایر بزه کاران، معاف از مجازات شناخته شده است. برای مثال می توان به بند ۲ ماده ۲۰۰ و مواد ۳۱۱ و ۵۲ قانون جزا مراجعه نمود. در بند ۲ ماده ۲۰۰ آمده است:

یک. هرگاه شخص بعد از ارتکاب جرم و قبل از تعقیب عدلی به مامورین ضبط قضائی اطلاع دهد، محکمه می تواند احوال مخففه را در مورد او رعایت کند.

دو. اگر اطلاع قبل از ارتکاب و اتمام جرم به مقام مربوط صورت بگیرد، اطلاع دهنده از مجازات معاف می گردد.

۲. **عذر ندامت:** نادم کسی است که از کرده خویش پشیمان شده و از ادامه جرم باز ایستاده است. برای چنین شخصی، در حقوق وعده معافیت از مجازات به او داده است. برای مثال در قانون بعضی از کشور ها آمده که هر یک از مرتکبین جرایم مذکور (جرایم هوایماریایی) قبل از اتمام عمل خود نادم گردد و از ادامه آن

خودداری کند از تعقیب و مجازات معاف خواهد بود...))

۳. عذر توبه: تائب به کسی گویند که از گناه بازگردد و از آن چه مرتکب شده اظهار توبه و پشیمانی کند. توبه از بنیادهای حقوق جزای اسلامی است. توبه هنگامی عذر محسوب می‌گردد که پیش از ثبوت جرم و یا دستگیری متهم باشد. مانند موارد که زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید، حد از او ساقط می‌شود. و یا در مورد سرقت حدی در صورتی حد سرقت جاری می‌شود که سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد.^۴

۴. عذر اطاعت از مافوق: اطاعت از مافوق اگر بنا بر تکلیف باشد مأمور را گناه از آثار مجرمانه عمل، معاف می‌دارد. برای مثال می‌توان به ماده ۵۶ قانون جزا اشاره نمود. در ماده فوق آمده است ارتکاب عمل جرمی در حالات آتی ایفای وظیفه شمرده می‌شود: ۱. در حالتی که بموجب تعمیم اوامر مقامات ذیصلاح ای که از اطاعت اوامر آنها بحکم قانون مکلفیت داشته باشد صدور یافته باشد.

۵. عذر تحریک: به معنای برانگیختن انسان به ارتکاب جرم است که گناه عذر محسوب و مانع اجرای مجازات می‌شود. نمونه بارز عذر برانگیختگی مانند آنکه هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تکمیل زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند که مبنای معافیت مذکور از لحاظ شخصی همان هیجان آبی و پریشانی روانی مرد از مشاهده صحنه واقعه است.

ب) مصونیت‌ها: از دیگر سبب‌هایی که بنا به مصلحت و ملاحظات سیاسی، و با هدف تداوم بنیادهای ضروری اجتماعی، مقصر را از تبعات عمل معاف می‌دارد مصونیت هاست. مصونیت امتیازی است که به موجب قانون به بعضی از اشخاص اعطا شده تا بتوانند در موقعیت اجتماعی خود بهتر ظاهر شوند.

۱. مصونیت پارلمانی: به موجب م ۱۰۱ قانون اساسی افغانستان: هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه بی که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می‌دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

یاد آوری:

الف) مصونیت نماینده از تعقیب تنها محدود به دوره نمایندگی نیست. این مصونیت پس از انقضای دوره نمایندگی نیز هم چنان دوام دارد.

ب) مصونیت پارلمانی (یا ماهوری) نمایندگان را نباید با مصونیت از تعرض اشتباه کرد. بنابراین تعقیب و توقیف آنان بر اثر ارتکاب جرم اعم از مشهود و غیر آن به استناد تساوی افراد در مقابل قانون و عدالت در صورت ارتکاب جرم بلا اشکال است. ۱۰۲ قانون اساسی افغانستان.

۲. مصونیت سیاسی: نمایندگان ساسی دولتهای بیگانه هرگاه در قلمرو حاکمیت دولت افغانستان مرتکب جرم شوند از تعقیب جزایی مصون اند. ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک در این خصوص مقامات امنیتی و قضایی دولت پذیرنده را از تعقیب مأموران سیاسی که شامل سفیران، وابستگان و مأموران اداری و خانواده‌های آن هاست منع می‌کند. یاد آوری:

الف) اثر مصونیت، عدم صلاحیت محکمه‌های افغانستان در این خصوص (ممانعت از دستگیری، بازداشت، دادرسی و محکومیت) از قواعد نظم عمومی است.

ب) مصونیت‌های گفته شده به بعضی از نمایندگان و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی به موجب موافقت نامه‌های خاص نیز اعطاء می‌گردد.

ج) مصونیت مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را از تعقیب قضایی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت (بند ۴ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین) و مواد ۱۶ و ۸ قانون جزای افغانستان.

۳. مصونیت قضایی: مصونیت قضایی شامل گفتار و اظهار نظرهای شفاهی و نوشته‌ها و اسناد و مکاتبات تمام کسانی است که در مراجع قضایی دلایلی مبنی بر حقیقت یا دفاع از خود و یا دیگری ابراز می‌دارند یا به طریقی برای آشکار شدن حقیقت، مطالبی نزد قاضی بیان می‌دارند که ممکن است جرم باشد. بنابراین گفتار، کردار و رفتار او مصون از تعقیب و مجازات است.

منابع

۱. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی ۲، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص ۲۰۰ و مساولانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۳.
۲. شامیاتی، هوشنگ، جزای عمومی ج ۲، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۲، ص ۴۳۶ و باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ص ۴۰۲ و نوریها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ، بیست و یکم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۳۸۲.
۳. ماده دو صدم ۱. هرگاه شخص بعد از ارتکاب جرم و قبل از تعقیب عدلی به مأمورین ضبط قضائی اطلاع دهد... محکمه می‌تواند احوال مخففه را در مورد او رعایت کند. ۲. اگر اطلاع قبل از ارتکاب و اتمام جرم به مقام مربوط صورت بگیرد، اطلاع دهنده از مجازات معاف می‌گردد.
۴. حرالعالمی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۳۸ و شهید ثانی، زین الدین عاملی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۹، قم، کلبه الداوری، بی تا، ص ۱۳۸.
۵. صدر، جواد، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص ۷۷ و ذوالعین، پرویز، حقوق دیپلماتیک، چاپ چهارم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹، ص ۳۲۸.

رابطه ی علم و دین از دیدگاه اسلام!

محمدجواد محدثی، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مقدمه:

علم یکی از اهداف تربیت عقلانی است که در یک تقسیم بندی کلی بر ۲ موضوع اصلی: هست ها و نیست ها از یک طرف و باید ها و نبایدها از طرف دیگر تعلق می گیرد. بر این اعتبار می توان علم را به دو قسم «نظری» و «عملی» یا «حکمت نظری» و «حکمت عملی» تقسیم نمود. و چون طبق اصطلاح رایج شناخت معلومات نظری و عملی، هر دو در قلمرو عقل نظری است، رسیدن به این دو قسم شناخت، عقل نظری را به کمال شایسته خود خواهد رساند. به عبارت دیگر حکمت نظری، مشتمل بر توصیف و تبیین حقایق عالم هستی و زیر بنای حکمت عملی است که معرفی و تبیین فضیلت ها و رذیلت ها و اعمال صالح و فاسد و توصیه به تخلق به اخلاق نیکو و انجام افعال پسندیده و پرهیز از اخلاق و اعمال پست را دربرمی گیرد.

به دلیل کثرت و تنوع دین و تاثیر گرایش های شخصی دانشمندان، بیشترین تعریف برای دین بیان شده و لذا ارائه تعریف واحد و جامع که انواع دین را تحت پوشش قرار بدهد و با تمام گرایش های دینی سازگار باشد دشوار به نظر می رسد. از سوی دیگر بدون تعیین موضوع نمی شود بحث کرد و چیزی را نفی و یا اثبات کرد. بنابراین برای روشن شدن سیر بحث، ایجاب می کند که یک تعریف هماهنگ و جامع از دین ارائه کنیم.

(دین عبارت است از مجموعه عقاید، احکام و دستورات اخلاقی که برای هدایت بشر از سوی خداوند نازل گردیده و در متون مقدس موجود می باشد. علم نیز دارای اصطلاحات مختلف است مانند: آگاهی و دانستن در مقابل جهل و نادانی، اعتقاد یقین مطابق با واقع در برابر جهل بسیط و مرکب، مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آنها در نظر گرفته شده، مراد از علم در این جا علوم تجربی است، اعم از طبیعی و انسانی. طبیعی مانند: زیست شناسی، فیزیک، شیمی، زمین شناسی، پزشکی و علوم انسانی از قبیل: علوم سیاسی حقوق روانشناسی، جامعه شناسی، مدیریت، اقتصاد و) پس از مفهوم یابی علم و دین و تعیین محل نزاع، این پرسش مطرح می شود که دین با علوم تجربی چه نوع رابطه دارد؟ آیا تضاد و تعارض دارند و نمی شود هر دو را جمع کرد و نمی شود هم دیندار بود، هم دیدگاه های علم تجربی را

پذیرفت؟ یا با هم تمایز دارند؟ یا سازش و تعامل داشته و مکمل یکدیگرند؟

انواع رابطه علم و دین

چهار دیدگاه عمده در این زمینه وجود دارد که به ترتیب ذکر می شوند:

۱- **استقلال و تمایز:** این دیدگاه معتقد است که علم و دین از یکدیگر تمایز داشته و هر کدام قلمرو مستقل دارد. زمینه برخورد و تعارض ندارند، زیرا موضوع دین خداوند است و موضوع علم، طبیعت. روش دین شهود است و روش علم تجربه. این دیدگاه از سوی گروهی از دانشمندان غربی مانند: نوارتودوکسی، اگزیتا نیالیسم، پوزیتویسم و فلسفه مبتنی بر زبان با بیان های متفاوت مطرح گردیده و تمایز الهیات و علم و استقلال قلمرو آنها مورد تاکید قرار گرفته و احتمال تعامل یا تعارض را اساساً منتفی دانسته اند.

۲- **تعارض علم و دین:** این دیدگاه قایل به تعارض علم و دین است. وقتی که متدینان اظهار نظرهای علمی خود را بر قرائت رسمی کتاب مقدس مبتنی نمودند دانشمندان جدید از فرضیات تجربی استفاده کردند که با پژوهش های بیشتر از تایید بیشتر برخوردار می شدند، تعارض آشکار میان دیدگاه های علم و دین تبارز نمود. براساس این دیدگاه قلمرو علم و دین مستقل نیست، ولی داده های علمی و دینی با هم دیگر سازگارند، بدین لحاظ جمع بین علم و دین امکان ندارد.

به عبارت دیگر این تعارض ممکن است بین گزاره های دینی و گزاره های علمی باشد یا بین پیش فرض های علم با پیش فرض های دین باشد. اشکال این دیدگاه در برداشت غلط عالمان دینی از طبیعت و تفسیر تجربی آموزه های دینی توسط دانشمندان تجربی است که باید برداشت عالمان و تفسیر دانشمندان تجربی اصلاح گردد، در آن صورت تعارض از بین خواهد رفت.

۳- **تداخل علم و دین:** دیدگاه دیگر به تداخل علم و دین قایل است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که علم و دین قلمرو یکسان دارند به گونه ای که دین را از

طرف خدا دانسته و همه علوم را داخل در قلمرو دین شمرده اند. این دیدگاه از سوی مسیحیان قرون وسطی و برخی متفکران ابراز شده است. پاره ای از دانشمندان اسلامی بر این باورند که همه علوم بشری از ظواهر آیات به دست می آید. از جمله می توان به امام محمد غزالی از اهل سنت و علامه جوادی آملی از فرهنگ شیعه اشاره کرد که با بیان های مختلف این باور را مطرح نموده اند.

۴- مکمل بودن علم و دین: برخی دانشمندان معتقد به سازگاری و تعامل مستقیم علم و دین بوده و آن دو را مکمل یکدیگر می دانند. بر اساس این دیدگاه هر چند علم و دین دارای قلمرو مستقل اند، ولی دارای عرصه های مشترک نیز می باشند. کار اصلی علم طبیعت شناسی و کار اصلی دین، خداشناسی و انسان سازی است، ولی علم راجع به مقولات دینی که مرتبط با علم است ابراز نظر می کند و دین نیز در باب مقولات علمی که مرتبط با اهداف دین می باشد اظهار نظر می کند، به گونه ای که هیچگونه برخورد و تعارض رخ نمی دهد، اینست که علم و دین مکمل یکدیگرند.

دانشمندان زیادی از این دیدگاه دفاع می کنند:

جورج شلز نیگر (۱۹۴۶) مدعی است که مفاهیم ادعا شده کلامی در خصوص جهان را استخراج کنیم و سپس آن ها را به کمک مشاهده مورد ارزیابی قرار دهیم. فلسفه پوشی و ایتهد نیز قابل به پیوند وثیق بین علم و دین است. این دیدگاه دین را صرفاً فرضیه علمی نمی داند، بلکه بر وحدت ارگانیک علم و دین تاکید می ورزد و مدعی است که میان این دو رابطه تنگاتنگ و هماهنگ وجود دارد. دو نالد مک کی (۹۸۷ و ۱۹۲۲) فیلسوف و دانشمند انگلیسی نیز رابط تنگاتنگ علم و دین را مورد تاکید قرار می دهد و رابطه علم و الهیات را رابطه ی میان دو امر مکمل می داند.

از چهار دیدگاه درباره علم و دین، دیدگاه چهارم مکمل بودن علم و دین را مطرح می کند درست به نظر می رسد. زیرا خداوند که خالق تشریح می باشد از حکمت، آگاهی و علم مطلق او بعید است چیزی بگوید که شناخت طبیعت خلاف آن را ثابت کند. چون او آفریننده طبیعت است و آفریننده بهترین شناخت را خواهد داشت. بنابراین علم صحیح برخاسته از شناخت طبیعت هیچگاه با دین برخاسته از علم الهی ناسازگار و متعارض نخواهد بود. با توجه به آنچه گفته شد، اگر احیاناً ناسازگاری میان دانشمندان و متدینان و یا میان نظرات علمی و آموزه های دینی رخ بدهد، به طور قطع این ناسازگاری بین علم و دین نیست، بلکه از خطای دانشمندان ناشی شده یا از تفسیر ناصواب متون دینی از سوی برخی عالمان دینی نشأت گرفته که در این صورت راه حل اصلی، کنار گذاشتن هیچکدام از علم و دین نیست، بلکه یافتن خطای علمی یا اصلاح تفسیر ناصواب متون دینی است.

جایگاه علم در اسلام در مقایسه با غرب

بیشترین تاکید دین مقدس اسلام بر فراگیری علم و دانش و تفکر و تعقل و تدبر است. در متون دینی همواره اهمیت علم و منزلت عالم مورد تاکید قرار گرفته و علم از جایگاه رفیع برخوردار می باشد. آیات و روایات در این باب بیش از حد وارد گردیده است. برای روشن شدن جایگاه علم در متون اسلامی و اینکه علوم تجربی نیز مورد نظر اسلام است به چند نمونه اشاره می گردد: «قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون». بگو آیا دانایان و نادانان برابرنند. «یرفع الله الذین آمنو منکم و الذین اوتوا العلم درجات: خداوند به آنانی که ایمان آورده اند و کسانی که علم و دانش دارند درجات عظیمی می بخشد».

«انما یخشی الله من عباده العلماء: مقام خشیت الهی مخصوص بندگان دانشمند خداست».

در قرآن کریم به قلم سوگند یاد شده که نشانه ی اهمیت علم و آموزش است. در اولین آیاتی که به پیامبر اسلامی نازل گردیده، از خواندن و تعلیم سخن به میان آمده و یکی از اهداف بعثت انبیاء تعلیم کتاب و حکمت دانسته شده است.

اما روایات: رسول گرامی اسلامی مسلمانان را به آموختن علم سفارش نموده و می فرماید: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه: آموختن دانش بر هر زن و مرد مسلمان واجب است». در بیان دیگر می فرمایند: «أطلبوا العلم و لو کان با الصین: در جستجوی آموختن دانش بر آید گر چه در چین باشد».

از آیات و روایات منزلت و جایگاه برجسته علم و عالم به خوبی روشن می گردد که هیچ مکتبی به اندازه ی اسلام روی علم تاکید نکرده است. آموختن علم در اسلام بر هر مرد و زن لازم است و هیچگونه محدودیت زمانی، مکانی، سنی، جنسی و طبقاتی وجود ندارد. گرچه علم به مبدا و معاد و احکام الهی در راس علوم قرار دارد و بر تمام علوم مقدم می باشد. زیرا سعادت و کمال حقیقی انسان در گرو خداشناسی و خداپرستی است.

علم در آیات مطلق مطرح گردیده، هیچگونه قید و محدودیت ندارد و می توان گفت شامل هر نوع علم از جمله علوم تجربی هم می شود. رسول اکرم (ص) فرموده: «خیر العلم ما نفع: بهترین علم آن است که فایده داشته باشد». علوم تجربی نیز نافع است و بسیاری از مشکلات مردم را برطرف می سازد در سیره ی رسول خدا (ص) آمده که بعد از جنگ بدر اسیرانی که توان فدیه دادن نداشتند هر کس به ده نفر از اطفال

مدینه خواندن و نوشتن یاد می داد، بدون دادن فدیه آزاد می گردید. این داستان گواه آشکار بر توجه اسلام و پیامبر اکرم (ص) به همه ی علوم سودمند است.

پس از بررسی رابطه ی علم و دین و جایگاه علم در اسلام لازم است به یک شبهه و پاسخ آن پرداخته شود. شبهه این است که برخی افراد ناآگاه از تاریخ و حقیقت اسلام و یا افراد آگاه از سر غرض ورزی این پرسش را مطرح می کنند که: آیا پیشرفت غرب در علم و صنعت ثمره ی کنار گذاشتن و رهایی از دین نیست؟ آیا علت عقب ماندگی جوامع اسلامی همین وابستگی به دین نیست؟

برای دست یابی به پاسخ شبهه فوق باید سیر تاریخی رابطه ی علم و دین در مسیحیت و اسلام و نقش اسلام در پیشرفت علم، به طور اجمال مورد بررسی قرار گیرد، زیرا بررسی تفصیلی به فرصت و ظرفیت بیشتر نیاز دارد که از توان این نوشتار بیرون است.

با یک نگاه گذرا به تحولات غرب این حقیقت به دست می آید که در عصر حاکمیت مطلق کلیسا در قرون وسطی علاوه بر تفسیر گزاره های دینی، نظرات علمی و فلسفی نیز حق انحصاری کلیسا بود و هیچ دانشمندی حق اظهار نظر علمی بر خلاف دیدگاه رسمی کلیسا را نداشت به گونه ای که نظر علمی مخالف نظر کلیسا مساوی با کفر و الحاد تلقی می شد.

بر پایه استبداد فکری و علمی کلیسا بود که گروهی از دانشمندان به دلیل اظهار نظر علمی مخالف کلیسا به زندان یا به اعدام محکوم گردیدند و در آتش سوزانده شدند. از سوی دیگر به علت تحریف هایی که در مسیحیت صورت گرفته، گزاره هایی در آن وجود دارد که قابل تفسیر علمی و توجیه عقلانی نمی باشد مانند: تجسید، فدیه، تثلیث. با توجه به نکات گفته شده راز و رمز تقابل مسیحیت با علم روشن می گردد که ریشه در اصل دین ندارد. بلکه متولیان کلیسا برای حفظ موقعیت و حاکمیت مطلق خود، با هر نوع نظر علمی جدید به شدت مخالفت نموده و برای جلوگیری و سرکوبی آن تلاش می کردند ولی در نهایت شکست را پذیرفته از

جامعه و سیاست کنار گذاشته شد. این است که تاریخ تمدن اروپا به عصر ایمان و عصر علم تقسیم می گردد. اما اسلام چه از لحاظ متون دینی و چه از لحاظ تاریخی هیچ گونه تعارضی با علم نداشته، بلکه از آغاز ظهور به آموختن علم دستور داده بخش عظیمی از آیات و روایات دینی به ارزش و اهمیت علم و عالم اختصاص یافته و هر علمی که مقدمه سازندگی مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و یا اجتماعی است و بدون آن اساس حیات مادی و معنوی انسان در مخاطره قرار می گیرد، تحصیل آن به صورت عینی و یا کفایی بر مردم واجب است. از نظر تاریخی نیز نقش برجسته و درخشان اسلام در شکوفایی و پیشرفت علوم مختلف روشن است و تمدن غرب وام دار خدمات علمی مسلمانان می باشد.

با توجه به آن چه گفته شد، اگر رکود و توقفی در پیشرفت جوامع اسلامی به وجود آمده ناشی از عدم پایبندی به تعالیم حیات بخش اسلام است نه تفسیر دین و وابستگی به دین. در این که دین چگونه این نقش سازنده را دارد، ماکس پلانک می گوید: علم و دین مکمل یکدیگرند و به عقیده ی من هر شخص جدی و متفکر به این امر متوجه می شود که اگر بنا باشد تمام نیروهای نفوس بشری در حال تعادل و هماهنگی با یکدیگر کار کنند، لازم است که به عنصر دین در طبیعت خود معترف باشند و در پرورش آن بکوشند.

نتیجه:

از چهار دیدگاه درباره رابطه ی علم و دین دیدگاه مکمل بودن علم و دین درست به نظر می رسد، متون دینی و حقایق تاریخی اسلام آن را تایید می کند. جایگاه علم در اسلام بسیار برجسته بوده و در حد فرایض دینی قرار دارد. در رشته های علمی محدودیت به چشم نمی خورد، تمام علوم نافع از نظر اسلام مطلوب است. پیشرفت علمی مسلمانان در تاریخ افتخار آمیز است و تمدن غرب وام دار اسلام می باشد. علت عقب ماندگی مسلمانان وابستگی به دین نیست بلکه عدم یاری نندی به تعالیم اسلام است.

منابع:

۱. محمدی ری شهری، علم و حکمت در قرآن و حدیث، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷، ج ۲
۲. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۱
۳. عبدالحسین خسرو پناه، کلام جدید، مرکز مطالعات حوزه، چاپ دوم، ۱۳۸۱
۴. مایکل پتروسون و دیگران، احمد نرافی، عقل و اعتقاد دینی، طرح نو، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۹
۵. ایان بار بور، علم و دین، بهاءالدین خرم شاهی، معراج، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۹
۶. عبدالله جوادی آملی، شریعت در آئینه معرفت، اسراء، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۱
۷. محمد غزالی، جواهر القرآن، فصل پنجم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۱
۸. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلامی، علی جواهر کلام امیر کبیر، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۲
۹. مونگمیری وات، تاثیر اسلام در اروپا، ترجمه آرژاندر، مولی، چاپ اول، ۱۳۶۱

دغدغه فرهنگی و رسالت علمای اسلام!

محمدرحیمی، استاد شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

پیامبر، پدیده علم و دانش را مورد تأکید قرار می‌دهد، بر اساس همین نگاه قابل تحلیل است که بر اساس آن، تنها شرط لازم برای عبور از تمامی نابسامانی‌ها و رسیدن به یک تمدن پایدار، ساختن زیر ساخت‌های فرهنگی و توجه به عناصر فرهنگی است. در راستای تحقق این امر، تعلیم و تربیت به عنوان یک فعالیت فرهنگی از رسالت‌های اصلی دین و از مأموریت بنیادین رسولان الهی و ائمه معصومین(ع) در عصر حضور و نیز علما و کارشناسان دینی در دوران غیبت به شمار رفته است. چرا که جامعه پذیری و فرهنگ پذیری تنها با فراگرد تعلیم و تربیت امکان پذیر است که خود، جایگاه تبلیغ را به عنوان مهمترین رسانه در نگاه دینی نشان می‌دهد. در یک نگاه دقیق، تبلیغ و ترویج ارزش‌های دینی و پاسداری از مرزهای فکری اسلامی، از وظایف اصلی انبیاء ائمه معصومین(ع) و علمای اسلام برشمرده شده است. ایجاد همبستگی اجتماعی، نظم اجتماعی، فرهنگ سازی و تمدن سازی از مهمترین رسالت‌های دینی و عالمان دین است که در سطح اجتماعی می‌بایست مهندسی، مدیریت و اجرا شود که در زیر اشاره می‌شود.

۱. دین، عالمان دینی و همبستگی اجتماعی

یکی از نیازهای اصلی جوامع انسانی، نیاز به وحدت و همبستگی اجتماعی و پرهیز از جنگ همه علیه همه است. یکی از کارویژه‌ها و رسالت اصلی دین و عالمان دینی ایجاد همبستگی اجتماعی است. علامه طباطبایی می‌فرماید «انسان از یک‌سو نیازمند به زندگی جمعی است و از سوی دیگر، به طور فطری به دنبال بهره‌کشی از غیر و استخدام دیگران در جهت منافع خود است». این دو خاصیت، سبب شده که انسان‌ها به اختلاف روی بیاورند. خداوند برای حل اختلاف و جلوگیری از نابودی جوامع انسانی، دین را فرو فرستاد و پیامبرانی را مأمور کرد تا با قوانین الهی وحدت و انسجام اجتماعی را فراهم نمایند. ابن‌خلدون نیز با اینکه عصیبت را عامل اصلی همبستگی اجتماعی دانسته، اما نقش دین در ایجاد همبستگی اجتماعی را بیشتر تأکید نموده و دین را یکی از عوامل مهم تقویت کننده عصیبت تلقی کرده است. اکثر جامعه‌شناسان باور دارند که انسجام اجتماعی در جوامع سنتی مبتنی بر ارزش‌هایی است که



ن و القلم و مایسترون

درآمد

دغدغه فرهنگی از مهمترین و بنیادی‌ترین دغدغه‌های اسلام بوده و از منظر دینی، فرهنگ و عناصر فرهنگی به عنوان زیر بنای تمام تحولات در جامعه بشری از جایگاه بالایی برخوردار است. اسلام از این منظر که خود یک فرهنگ و یک پدیده فرهنگی ساز است، نسبت به تمام زوایای زندگی بشری نگاه فرهنگی دارد. اگر فرهنگ عبارت باشد از تمامی ارزش‌ها، اعتقادات، آرمان‌ها، آداب و رسوم، باورها و الگوهای یک ملت که در روابط روزمره به‌کار می‌رود، دین همان چیزی است که در ساخت آن نقش اصلی را دارد و انبیا الهی به عنوان مجریان اصلی این جریان فرهنگی است. چرا که مراد از فرهنگ فرهنگ معنوی است که ارزش‌ها گوهر آن را تشکیل می‌دهند و هنگامی که در تار و پود جامعه و روان انسان‌ها نهادینه شدند، به عنوان یک محرک قوی راهنمای اندیشه‌ها و اعمال خواهند شد. از آنجا که دین به قول شهید مطهری خود یک خواسته طبیعی بشر بوده و در نهاد انسان جای دارد؛ ارزش‌هایش به عنوان یک محرک مناسب هدایت‌گر افکار و اعمال او خواهد شد. در واقع، دین از مجرای ارزش‌ها از انسان یک شخصیت فرهنگی می‌سازد و شخصیت فرهنگی انسان می‌تواند یکی از اصلی‌ترین عوامل تحول اجتماعی پایدار به شمار آید. چرا که فرهنگ به مثابه تأسیسات زیربنایی که تمدن متناسب با خود را تولید می‌کند، بعد نرم افزاری را در ساخت شخصیت فرد و جامعه به عهده دارد. این که خداوند در اولین سخن خود با

دین منشأ و مولد آن است. از این رو، عالمان دینی که در متون دینی به مثابه وارثان انبیا معرفی شده‌اند، این رسالت را دارند که همبستگی اجتماعی را به عنوان یک فعالیت مهم فرهنگی، ابتدا مهندسی و سپس مدیریت و اجرا نمایند.

۲. دین، عالمان دینی و نظم اجتماعی

نظم اجتماعی به معنای رفتارهای الگومند همواره مورد توجه دین اسلام بوده است. ابن سینا اصلاً کارکرد اجتماعی را برپایی و بعثت انبیاء برقراری نظم و امنیت در جامعه به وسیله تشریح قوانین الهی است. علامه طباطبایی نیز معتقد است دین تمام قوانین مورد نیاز بشر را وضع نموده و از این طریق نظم و امنیت را در جامعه برقرار می‌سازد. به عقیده ماکس وبر، فرد با قرار گرفتن در متن جامعه خویش و با درونی کردن ارزش‌ها و ایستارهای آن تمیاتی متناسب با نیازهای جامعه خویش پیدا می‌کند؛ بنابراین نظم اجتماعی ریشه در سازمان جامعه و ایستارها و ارزش‌های آن دارد. این عبارات به وضوح نشان می‌دهد که در جامعه سنتی دین مبنای ساختارهای اجتماعی و ارزش‌های حاکم بر آن بوده و این، یعنی این که دین مبنای نظم زندگی اجتماعی و عالمان دینی به عنوان مهندسان و مدیران ایجاد نظم اجتماعی است.

۳. دین، عالمان دینی و فرهنگ

فرهنگ به مثابه شیوه زندگی، یکی از مقومات حیات اجتماعی انسان است. به این معنا که تصور جامعه بدون فرهنگ ممکن نیست؛ چنان که تحقق عینی هیچ فرهنگی بدون جامعه امکان ندارد. بدون فرهنگ، انسانیت انسان به معنای واقعی کلمه زیر سوال می‌رود؛ زیرا داشتن زبان برای بیان مقاصد، احساس خودآگاهی و توانایی تفکر و تعقل به شدت به فرهنگ وابسته است. در جوامع سنتی، دین تنها عامل معنای بخش به فرهنگ بوده و فرهنگ نیز تنها قالبی است که دین به وسیله آن خود را آشکار می‌کند. در واقع، ارتباط دین و فرهنگ یک رابطه دو سویه است. چرا که ارزش‌ها به مثابه مهمترین عنصر فرهنگ در جامعه سنتی در انحصار دین بوده و دین تنها منبع تولید کننده‌ی نظام ارزشی بوده است. بنابراین، دین علاوه بر فرهنگ‌سازی، نقش مهمی را در تعیین شیوه زندگی انسان داشته است. عالمان دینی از مجرای مهندسی، مدیریت و اجرای پروژه‌های فرهنگی نقش مهمی در ترویج ارزش‌های دینی و در نهایت عناصر فرهنگی دارد.

۴. دین، عالمان دینی و تمدن

تمدن‌ها مانند هر موجود زنده‌ی مراحل سه‌گانه‌ی از زایش، پویش و افول را سپری می‌کند. تمدن مصر، یونان و تمدن کنفوسیوس در چین و سایر تمدن‌ها، در هر نقطه از زمان بعد از رویش به مراحل متفاوتی از رشد دست یافته؛ اما در رهگذر زمان، رو به افول رفته است. سوال اصلی آن است که

چه نیروی این تمدن را به وجود آورده و سبب پویش آنها شده و چه نیرو و عاملی موجب افول آنها شده است؟ در پاسخ باید گفت: دین تنها نیروی زیست است که تمدن‌ها را به وجود آورده و آنها را استوار و پویا نگه داشته است. توین‌بی در این رابطه می‌گوید: «من معتقدم که هر سبک تمدنی تجلی دین بوده و دین منبع نیروی زیستی بوده است که تمدن‌ها را به وجود آورده و آنها را زنده نگه داشته است. از نظر توین‌بی در طول تاریخ جوامع انسانی، جنگ و بی عدالتی اجتماعی به مثابه دو بیماری اجتماعی دشمن تمدن‌ها بوده و دین آن نیروی بوده که تلاش کرده هر جامعه متمدنی را در برابر دو بیماری مهلک برای مدتی منسجم نگاه دارد. به باور وی، عامل اصلی سقوط و افول تمدن‌ها تضعیف باورهای دینی افراد جامعه بوده است. چرا که بدنبال تضعیف دین، تمدن دستخوش تجزیه‌ی اجتماعی داخلی گردیده و در مقابل تهاجم خارجی شکست خورده و تمدن جدیدی مبتنی بر دین جدید جایگزین تمدن قبلی شده است. به طور مثال تمدن برگرفته از اسلام و مسیحیت بدیل تمدن فروپاشی شده فرانسه مصر و تمدن یونانی رومی می‌باشد. بنابراین روح حاکم بر تمدن‌های سنتی کاملاً ریشه در دین داشته و این دین بوده که تمدن‌ها را به وجود آورده است. شهید مطهری نیز یکی از کارکردهای دین را تمدن‌سازی بیان می‌کند و می‌گوید: یکی از کارکردهای مهم دین تمدن‌سازی و فرهنگ‌سازی است.

برآمد

عالمان دینی و روشنفکران دینمدار آگاه متناسب با رسالت دینی و با کمترین امکانات مانند گذشته می‌توانند گامهای مهم و محکمی را در عرصه‌های تحول فرهنگی بردارند. آنها با استفاده از آموزه‌های دینی و حیانی می‌توانند زیرساختهای محکمی برای همبستگی اجتماعی و انسجام ملی، نظم اجتماعی، فرهنگ پویا و تمدن اسلامی به وجود آورند. استدلال ما بر این مهم آن است که علما مهمترین رسانه جمعی یعنی کرسی منبر را بر عهده دارد که می‌تواند اثرات عمیق بر جان و روح عامه و خاصه مردم بگذارد. از این گذشته، می‌توانند از طریق برگزاری سمینارها، همایشها، مجالس سخنرانیها در مناسبتها و نوشتن مقاله و نیز جهت دهی افکار و اندیشه‌های مردم، راه را برای ورود جامعه و مردم به انسجام ملی، وحدت اسلامی، و در نهایت، تغییر ذهنیات و باورهای سنتی به باورهای مشترک دینی فراهم نمایند.

نقش امنیت در سرمایه گذاری اقتصادی

محمد اسحاق مهدوی، استاد شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

درصد را مردان و ۴۵/۴۷ درصد را زنان تشکیل می دهند، که به دلیل نبود امنیت کافی روزگار بسیار سخت و دشواری را سپری می کنند.

اقتصاد افغانستان

افغانستان به لحاظ اقتصادی یکی از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می شود که همه ناشی از نابسامانی های سیاسی است. اقتصاد افغانستان پس از تشکیل حکومت کمری رو به بهبودی نهاده است. نرخ آمار زیر خط فقر در این کشور بسیار وحشتناک است، به موجب این نرخ از هر صد افغانی ۵۵ نفر آنان زیر خط فقر زندگی می کنند و نرخ بیکاری ۴۳ درصد اعلام شده است. حدود ۸۱ درصد مردم این کشور کشاورز هستند و بقیه شامل ۱۱ درصد در صنعت (اغلب بافندگی) و ۹ درصد در خدمات مشغول به کار هستند. به موجب آمار سال ۲۰۰۴، ۱۵ میلیون نفر در این کشور کارگر هستند. نرخ تورم در این کشور در سال ۲۰۰۵، ۱۶.۳٪ و در سال ۲۰۰۶ بنا بر پیش بینی ها ۱۷٪ بوده است و افزایش تورم به دلیل گرانی مواد در جهان، همچنان ادامه دارد.

امنیت

امنیت در اصطلاح و بیشتر در فرهنگ سیاسی به مصونیت نسبی و یا مطلق کشوری در برابر یک حمله مسلحانه و یا خرابکاری سیاسی و اقتصادی، فارغ از تهدید و فقدان آن و ایجاد شرایط مساعد ملی و بین المللی جهت حفظ یا بسط ارزش های حیاتی ملی معنا شده است. ولی امنیت، مفهوم قالب بندی شده و مشخصی ندارد که بتوان آن را مستقیماً مشاهده و اندازه گیری نمود، بلکه مفهومی سهل و ممتنع دارد که برای اندازه گیری «امنیت سرمایه گذاری» مبتنی بر مشاهدات عینی اقتصادی هم چون نرخ رشد GDP، نرخ تورم، نرخ بیکاری، تراز پرداخت ها و... تاکید می گردد.

سرمایه گذاری

سرمایه گذاری به معنای «تقبل هزینه به منظور ازباید سرمایه» آمده است که اساس رشد و توسعه یک کشور را تشکیل می دهد.

امنیت سرمایه گذاری

«امنیت سرمایه گذاری» همانند «امنیت اقتصادی» دارای شرایط و مجموعه فرایندی است که به صورت بالنده و فزاینده امکان انباشت سرمایه های انسانی و سرمایه های فیزیکی را فراهم



مقدمه

کشور افغانستان چندین دهه به عنوان کانون بحران در قلب آسیا به شمار می رود به طوری که معمولاً تحقیقات نویسندگان و پژوهشگران معطوف به مسائل سیاسی و نظامی بوده و از مسئله ای مهم اقتصادی، سرمایه گذاری و توسعه، بازمانده اند. این کشور اگر چه پیش از دوران جنگ در اثر ناکارآمدی نظام سیاسی و شرایط گوناگون داخلی و خارجی در وضعیت بسیار نامطلوب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار داشت، اما سال ها جنگ و خونریزی همان رمق نیم بند زندگی را هم از مردم افغانستان گرفت و مردم را تا سرحد نابودی کامل پیش برد، هر چند مدت یک دهه از تاریخ این کشور با حکومت دموکراسی و شعار آزادی و رقابت در بازارهای تولید و تجارت می گذرد، روزنه های امید به چشم می خورد تا این سرزمین به نقطه اول و یا بیش از آن قرار گیرد.

افغانستان

افغانستان با بیش از ۶۵۲ هزار کیلومتر مربع وسعت که محصور در خشکی است، در قلب قاره آسیا قرار دارد و جزء کشورهای خاورمیانه محسوب می گردد. کشورهای مانند پاکستان، تاجیکستان، ایران، ترکمنستان، ازبکستان و چین با این کشور هم مرز می باشند و این کشور از منابع دریایی و بنادر آبی محروم می باشد. این کشور با جمعیت بیش از ۲۶ میلیون نفر که ۴۶/۹۷

می‌سازد. به عبارت دیگر؛ «امنیت سرمایه‌گذاری» به «مجموعه‌ای از شرایط، عوامل و ساختارهای اجتماعی گفته می‌شود که باعث دلگرمی، آسایش خیال، شوق و ذوق سرمایه‌گذاران به کار و فعالیت اقتصادی می‌شود که در پرتو آن سرمایه‌های سرگردان به سوی تولید و تجارت در کشور سوق می‌یابند و جهش عظیم و پایدار در سطح تولید، اشتغال، درآمد و ثروت جامعه حاصل می‌شود و فضای مناسب برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری که در آن هم سرمایه‌گذار به اهدافش برسد و هم سرمایه، کارایی لازم را پیدا کند فراهم گردد».

اهمیت امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت و استمرار آن در طول تاریخ همواره یکی از مهمترین دغدغه‌ها در حیات انسان و جامعه بشری و یکی از نعمت‌های مهم در زندگی انسان به شمار می‌آید. و از طرف دیگر اهمیت سرمایه‌گذاری به قدری روشن است که تمام کشورها، خصوصاً کشورهای در حال توسعه تلاش می‌کنند که زمینه‌های آن را در کشور خود به صورت فراهم آورند و از مزایای آن استفاده نمایند. زیرا؛ توسعه و انکشاف اقتصادی در جهت دستیابی به رفاه اقتصادی بدون آن ممکن نخواهد بود. به صورت خلاصه، اهمیت «امنیت سرمایه‌گذاری» را می‌توان در مسائل مانند توسعه پایدار؛ رفاه جامعه؛ افزایش اشتغال؛ کاهش ناهنجاری‌ها؛ رونق بازار بورس؛ جذب سرمایه‌های سرگردان؛ جلوگیری از نابسامانی‌ها در بازار خاص؛ فرصت بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی؛ دستیابی به دانش و فناوری روز؛ ارتقاء جایگاه و منزلت کشور در اقتصاد و تجارت جهانی و ... دید.

۱. پیامدهای مثبت امنیت سرمایه‌گذاری

۱. کمک به ثبات سیاسی حکومت؛
۲. جذب سرمایه‌های سرگردان داخلی؛
۳. جذب سرمایه‌های سرمایه‌گذاران خارجی؛
۴. رونق تجارت داخلی و خارجی؛
۵. تحول دانش و بینش و شکوفایی استعدادها؛

۲. پیامدهای منفی امنیت سرمایه‌گذاری

۱. خروج سرمایه از کشور؛
۲. از بین رفتن وحدت ملی و همگرایی؛
۳. بی‌اعتمادی کشورهای سرمایه‌گذار؛
۴. گسترش فساد اداری و رشوه‌خواری؛
۵. غارت منابع زیرزمینی و مواد اولیه؛

راهکارهای امنیت سرمایه‌گذاری

بدون شک برای هر مشکل چاره‌ای و برای هر چالشی راهکار خاص وجود دارد. در این نوشتار تلاش شده است با توجه به

شرایط کنونی و ظرفیت‌های موجود در افغانستان به «راهکارهای امنیت سرمایه‌گذاری» اشاره گردد، تا باشد که دولتمردان ما با تفکر در آن، کشور را از بحران ناامنی و فساد اداری نجات دهند.

۱. تدوین و اجرای قوانین خوب؛
۲. آماده‌سازی بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری؛
۳. کاهش میزان ریسک سرمایه‌گذاری؛
۴. گفت‌وگو و صلح با مخالفان و تشکیل وحدت ملی؛
۵. تقویت و تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری؛
۶. حمایت همه‌جانبه از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و تامین امنیت آنان؛
۷. تقویت بخش نظارتی و کنترل اوضاع اقتصادی؛
۸. تربیت و پرورش نیروهای متخصص در زمینه‌های متعدد اقتصادی؛
۹. تدوین و اصلاح قانون کار در راستای تشویق سرمایه‌گذاران؛
۱۰. حمایت دستگاه قضایی از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛
۱۱. ایجاد سازمان بیمه برای تامین خسارات احتمالی و جبران خسارت؛
۱۲. ایجاد فرهنگ سرمایه‌گذاری در میان اقشار و اقوام مختلف کشور؛

جمع‌بندی

در این نوشتار با توجه به ضرورت شناخت افغانستان و اقتصاد این کشور به منظور تبیین «امنیت سرمایه‌گذاری» در ابتدا به صورت فشرده موقعیت جغرافیایی و جمعیتی این کشور بیان گردید و سپس اقتصاد این کشور بر اساس متغیرهای مهم مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه امنیت، سرمایه‌گذاری و امنیت سرمایه‌گذاری، تعریف و به صورت بسیار مختصر آثار و پیامدهای آن بیان گردید. در پایان به راهکارهای فرارو به این امید که دولت مردان ما به مسئله امنیت سرمایه‌گذاری توجه جدی نموده و زمینه آن را در کشور فراهم سازند اشاره گردید. به امید آن روزی که کشور ما از جمله کشورهای توسعه یافته قرار گرفته و مردم عزیز و خونگرم شان از امکانات مادی و معنوی موجود بهره‌مند گردند و به مسائل مهم بهداشت و سلامت، تغذیه، تحصیلات، سرمایه‌گذاری و ... دست یابند. دولت مردان این کشور می‌توانند در سایه‌ی تعالیم عالی‌ی اسلام، با همراهی و پشتیبانی مردم آسیب‌ها و چالش‌های امنیت سرمایه‌گذاری را بر طرف و با جدیت و تلاش مضاعف، برای ملت و مردم نجیب و رنج دیده شان، خدمتگذار دلسوز و صادق باشند.

غزنی ۲۰۱۳ چراغی فرا راه آینده، یا حسرتی برای گذشته؟

سید محمدعلی رضوی، استاد شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

مرغزار شیر مردان کهن
آن شکوه وفال وفر، افسانه ایست

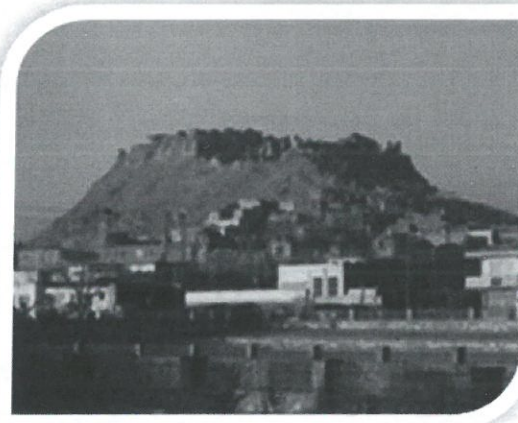
آه غزنی آن حریم علم و فن
آن دیار و کاخ کو، ویرانه ایست

(اقبال لاهوری)

هر قومی و مردمی آویخته شود، اما باز گویی و باز خوانی این افتخارات در صورتی که چراغی فرا راه نسل ما و عصر ما قرار نگیرد، بیهوده و پوچ خواهد بود؛ زیرا اگر نتوانیم از این گذشته غرور انگیز نصیبی برای فردای نسل خود داشته باشیم صرف افتخار به آن نه هیچ از درد های ما را درمان نخواهد کرد، بلکه انجام یک عمل احمقانه و چندش آوری خواهد بود که ما را از اندیشیدن در مورد فردا باز می دارد، چگونه می توانیم به تمدنی افتخار کنیم که در ساختن آن هیچ سهمی نداریم؟! و در بنای آن هیچ رنجی را بجان نخریده ایم. به کسی می توان آفرین گفت که از شکست ها پیروزی بسازد. و در پیشرفت و ترقی سهمی را متحمل شود. ماکه امروز نه تنها نیازمند اقتدار و عظمت گذشته، بلکه محتاج گذران زندگی امروز خود هستیم، چگونه می توانیم از اندیشیدن در مورد فردا خود را بی نیاز بدانیم و دلخوش به افتخارات گذشته سرمست غرور از شور آفرینی ها و شرر انگیزی های آنها باشیم؟

بنابر این بد نیست که صادقانه و در این مورد تأمل کنیم که چگونه می توانیم فردای نا معلوم خود را به گذشته ی غرور انگیز متصل نموده و از این گذشته با عظمت چراغی راهی برای روشنی مسیر آینده خود و نسل فردا فراهم سازیم. و هم‌منظور بر دست اندر کاران امور کشور است که سرنوشت دیروز و امروز را به مقایسه گرفته و از کنار هم گذاشتن آنها طرحی برای فردای مردم ارائه کنند، وگرنه تجلیل صرف از گذشته همان اندازه نفرت انگیز و بی معنا خواهد بود که نگوشتش و انکار آن.

به امید فردای بهتر و زندگی مسؤلانه تر برای تمام مردم سرزمینم.



نامگذاری شهر تاریخی غزنی در سال ۲۰۱۳ به نام پایتخت فرهنگی جهان اسلام موجی از شادی و سرور را در میان مردم این خطه باستانی بوجود آورد، زیرا مردمی که در گذشته از پیشینه ای ارزشمند علمی، فرهنگی و سیاسی بر خوردار بوده است، مدت ها بود که خود را میان انبوهی از مشکلات اقتصادی و نا امنی و اختلاف سیاسی ساکنانش فراموش شده می پنداشت، دیگر نه سخنی از غرور و عظمت شاهانش به میان می آمد و نه کسی خیر از شعر و شاعرانش می گرفت. نامگذاری ۲۰۱۳ به نام غزنی؛ پایتخت فرهنگی جهان اسلام نگاهها را دوباره به سمت غزنی و گذشته پربارش بر گرداند، و پیشینه پربار غزنی بار دیگر بصورت جدی مورد توجه رسانه ها، مطبوعات و حتی مردم عادی کشور قرار گرفت. صفحات نشریات پر شد از عکس های از آثار باستانی، ویرانه ونیمه ویرانه ای که از گذشته به یادگار مانده، مقامات کشوری و لشکری نام های پادشاهان و سلاطین پیشین حاکم بر غزنی را در هر مناسبت و حتی مناسبت زمزمه نمودند. درست است که داشتن پیشینه ای با عظمت و داشتن گذشته مقتدر افتخاری است که هر جامعه و ملتی نمی تواند از آن بهره مند باشد شهکار های ادبی هنری و اقتدار تاریخی مدالی نیست که به رایگان بر سینه

غزنی، ۲۰۱۳



در یک نگاه!

خوانندگان محترم:

آنچه از نظراتان می‌گذرد، دیدگاه اساتید و کارشناسان دانشگاه خاتم النبیین (ص) است که در باره غزنی ۲۰۱۳ اظهار نموده اند:

دکتر عبدالقیوم سجادی، رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص) و نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان: در رابطه با غزنی ۲۰۱۳ انتظار مردم از حکومت افغانستان و مسئولین امر در ولایت این بود که از نظر بازسازی و زیبا سازی غزنه را شایسته پذیرایی از میهمانان خارجی سازند که متأسفانه در این زمینه آنچه انتظار می‌رفت انجام نیافته است.

مردم غزنی هنوز انتظار دارند در فرصت باقیمانده حکومت و نهادهای اجرایی در مرکز و ولایت برای تجلیل شایسته از مقام و جایگاه تمدنی و فرهنگی غزنی، در بازسازی و زیبا سازی غزنی تلاش بیشتری را مبذول داشته و حد اقل بخشی از انتظارات موجود در این زمینه را مرتفع سازند.

سید محمدجواد محدثی، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص): جشن سال ۲۰۱۳ شهر غزنی مهر تایید گذاشتن بر تمدن گرایی، فرهیختگی، تفکر و تعقل و آرمانی اندیشیدن مردمان این مرز و بوم می‌باشد، که در گذشته‌های دور و نزدیک مهد پرورش انسانهای آزاد اندیش، هنرمند، صاحبان فکر و قلم بوده است.

حال نیز بر مسئولین، متنفذین، روشنفکران، صاحبان رسانه و قلم بدستان، این شهر و دیار است، که این فرصت طلایی را غنیمت شمرده و در راستای ایجاد هویت مشترک و همگرایی ملی، سعی و تلاش ورزیده و با سردادن یک شعار و باور که افغانستان خانه‌ی همه‌ی مردمان این سرزمین است بار دیگر بر افتخارات این شهر باستانی، فرهنگی و تمدنی بیافزایند.

محمد اسحاق مهدوی، استاد و معاون مالی_اداری شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص): غزنی در سال ۲۰۱۳ با فرصت‌ها و تهدیدهای زیاد مواجه است، که انتظار می‌رود «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» بر داشته‌های تاریخی خود، در حال حاضر از ویژگی‌ها و مزایای خاص مانند برخورداری از مکاتب فعال، پوهنتون‌های پویا، فرهنگ عالی و ادارات عاری از فساد، آبادانی کوچه و خیابان و توجه به زیر بناها و ظرفیت‌های اقتصادی و انکشافی، نیز برخوردار باشد.

محمد ضیاء حسینی، استاد و آمریت فرهنگی_تربیتی شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص): سال دوهزار و سیصد و اعیاء دوباره تمدن فراموش شده غزنی است، فرصت که باید میراث‌های کهن باستانی غزنی که امروز سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی این لقب را «پایتخت فرهنگی تمدن جهان اسلام» به خاطر آنها به غزنی داده است، انتظار می‌رود در این سال تمام گنجینه‌های باستانی این ولایت که در حال از بین رفتن است دو باره مرمت و بازسازی گردد.

محمد رحیمی، استاد شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص):

سال ۲۰۱۳ فرصت طلایی برای هماهنگی فهم‌ها و اراده‌ها است.

محمد جمعه نظری، استاد شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص):

سال ۲۰۱۳ سال کاوش گنجینه فرهنگی و احیاء مجدد تاریخ پرافتخار و بازخوانی پرونده فراموش شده غزنی باستان و به خوانش گرفتن حوادث نهفته در آن، به منظور آگاه سازی جهان از مجد و عظمت آن می‌باشد.

محمد علی رضوی، استاد شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص):

غزنی ۲۰۱۳ تجلیل از یک گذشته طلایی است که می‌تواند کشور را به یک آینده آرمانی سوق دهد.

سید امان الله تابش، مدیر عمومی امور محصلان و دانشجوی دوره ماستری علوم سیاسی:

سال ۲۰۱۳ چشم انداز برای علم و پیشرفت در آینده، یا حسرت به گذشته

سنت های شریعت سستیزا!

محمد عزیز "عمرانی" دانشجوی سال دوم دانشکده فقه و حقوق

مقدمه

شناخت الگویی برتر می باشد تا یک الگویی مناسب با فطرت انسانی را انتخاب کند.

خداوند در قرآن همواره الگوهای برتر را برای عالم بشریت معرفی نموده چنانچه در آیه ۱۲۱ سوره احزاب پیامبر خاتم را بهترین الگو معرفی نموده است. رسول گرامی اسلام در گفتار و کردار بهترین الگو برای زندگی سالم فردی و اجتماعی است. مسلمانان و از جمله جامعه ما اگر به دستورات پیامبر در اداره زندگی فردی و اجتماعی اقتدا نمایند، می توانند زندگی سالم، آرام و با امنیتی داشته باشند. به همین دلیل، یگانه مشکل جامعه ما آن است که با علم و آگاهی نتوانسته از سنتهای نبوی در حوزه زندگی الگوگیری نمایند. به راستی! اگر مردم در روابط خود با خودشان، خدای شان، با جامعه و محیط اطراف و در تمام شئونات زندگی به رسول خدا اقتدا کنند؛ به این معنی که هم در امور ازدواج؛ وهم در زمینه کار و تلاش، و هم در مهمانیها و هم در رفت و آمدها و هم... سنت نبوی را الگو قرار دهند، می توانند زندگی مرفه و آرامی داشته باشند.

سنت های شریعت سستیزو پیامدهای آن
اما کسانی هستند بجای اینکه با معرفت الگو پذیر باشند از تخیل و توهمات خود الگو گیری می کنند و همواره از سنت های خرافاتی گذشتگان خود پیروی میکنند. حتی که بضررشان واقع گردد. به عنوان نمونه در قسمت

سنت ها و رسوم موجود در جامعه آشوب زده ما از نظر کمی و کیفی به گونه ای است که زندگی فردی و اجتماعی مردم را به شدت به انحراف کشانده و سالهاست که مردم از آن رنج می برند. سنتهایی که هم با فرهنگ اسلامی تعارض دارد و هم با سطح زندگی و فرهنگ ملی. در حال که عقل سلیم حکم می کند که رسومات و آداب زندگی باید متناسب با دستورات شرع و نیز، همسو با سطح در آمد باشد. چنان چه شاعر می گوید:

که از خاک تیر و بشر آفرید

ز روحش در و جوهر جان دمید.

امروزه در کشور ما بجای سنت های نیک و پسندیده، فرهنگ ابتدال و بیگانه جایگزین شده است، سنت های غلط که رسوم و عنعنات اسلامی را زیر پوشش قرار داده است، این سنت های شریعت سستیز پدیده های مغرض و شوم در جوامع اسلامی امروزی تبدیل شده کوشش کنیم تا دیگر سنت ها و رسم و رواج های نا پسند را نسبت به احکام دین ترجیح ندهیم.

پیامبر اکرم به عنوان الگوی زندگی

از آنجایی که بشر از ابتدایی خلقت بر اساس فطرت و حس جستجوگری خود بدنال الگوگیری و الگوپذیری است، همواره کوشش می کند در امور فردی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و... یک الگویی سالم و کامل را دریافت نماید؛ اما این الگوپذیری در اصل نیازمند معرفت و علم کافی برای

**بیاید بهای گرانبهای وقت را
بدانیم
و از ثانیه های عمرمان
استفاده کامل ببریم
و با سنت های خرافاتی و
شریعت ستیز مبارزه کرده و
سنت های نبوی و قرآنی را
که واقعا اسوه حسنه است
در جوامع خود آن را نهادینه
سازیم
که این مسله بدون فهم علوم
دینی و عمل به آن مقدور
نیست.**

تزوید دختر و پسر که از شئون دینی است؛ اما درگیر سنت های خرافاتی و ناپسند شده و بحران های اقتصادی خانواده ها و بخصوص جوانان را به بار می آورد. وقتی که پیرسیم به کدام عنوان این قدر مصارف بی جا! می گویند چون قبیله یا قوم ما این کار را انجام داده است. ما مجبوریم و اگر از دید عام بنگریم تمام بد بختی امروزی جهان اسلام از این سنت های خرافاتی و دین ستیز است که بگفته سید جمال الدین از آموزه های اصیل دینی اسلام دور شده ایم. دقیقا همان کار اعراب جاهلیت را که قرآن کریم در (آیه ۹۵/ صافات) مخاطب قرار داده می گوید شما چیزی را می سازید و دست ساخته خود را عبادت می کنید.

اما دقیقا همان مسئله اعراب جاهلیت، امروز بصورت دیگری حکم فرما است. یکعده کاری را انجام میدهند و متباقی به آن گیر می مانند.

عوامل بروز سنتهای غلط در جامعه ما و راه برون رفت اما باید بدانیم که عوامل این سنت های رائج شریعت ستیز چی می باشد؟

یکی از پیشوایان دینی ما می فرماید هیچ بنده ایمانش را تکمیل نکرده مگر اینکه سه خصلت در او موجود باشد اول فهم عمیق از دین. دوم صبر و شکیبایی در برابر ناملایمات و مشکلات. سوم پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک در امور زندگی.

یعنی دقیقا همان نیاز اصلی و میرم جامعه در خصلت اول بیان شده است که فهم عمیق و درست از دین می باشد. امروز تعداد زیادی از ... بعنوان یک مسلمان فهم درست و

کافی از دین و آموزه های دینی ندارند و برای بقاء موفق و منصب خود همواره به مصلحت های روز عمل میکنند و یا گاهی اصل قاعده را می دانند و به علت نفس ناپاک شان عمل نمی کنند.

پس تنها راه حل این مسله که چرا معیار برتری پول؟ چرا معیار برتری داشتن بلند منزل؟ چرا معیار برتری در کشورهای اروپایی بودن؟ چرا معیار برتری زر، زور و زیور؟ چرا، چرا و چرا؟

چرا معیار برتری تدین نباشد؟ چرا معیار برتری علم، اخلاق اسلامی، و در کل به گفته قرآن چرا معیار برتری تقوا نباشد؟

نتیجه گیری:

چنانچه عالمان فرموده اند: دین بدون علم و علم بدون دین هیچ به درد نمی خورد. و در باب «وقت» شاعر می فرماید:

گر گوهری از کف برون تافت.
رسایه "وقت" می توان یافت.
گر "وقت" رود ز دست انسان.
با هیچ گهر خرید ن—توان.

پس بیاید بهای وقت را بدانیم و از ثانیه های عمرمان استفاده کنیم و با سنت های خرافاتی و شریعت ستیز مبارزه کرده و سنت های نبوی و قرآنی را که واقعا اسوه حسنه است در جوامع خود آن را نهادینه سازیم که این مسله بدون فهم علوم دینی و عمل به آن مقدور نیست.

منابع

۱. قرآن کریم. ۲. چهل حدیث امام رضا (ع).
۳. کتاب رمز موفقیت دیل کارنگی، جمیز آلن و الاویلر.

یکی از پیشوایان دینی

می فرمایند:

**هیچ بنده ایمانش را تکمیل نکرده مگر
اینکه سه خصلت در او موجود باشد
اول فهم عمیق از دین.
دوم صبر و شکیبایی در برابر ناملایمات و
مشکلات.
سوم پندار نیک، کردار نیک و گفتار
نیک در امور زندگی.**

درنگی

بر غزنی ۲۰۱۳!

کمال الدین "عظیمی" دانشجوی سال اول دانشکده فقه و حقوق

مقدمه

تاریخ مجموعه تجارب انسانها در قرون و اعصار مختلف را پیش روی مطالعه کنندگان می گذارد. اهمیت تاریخ وقتی روشن می گردد که بدانیم بیشتر حوادثی که در زندگی امروز واقع می شود در گذشته نمونه یا نمونه های از آن تحقق یافته است. امیرمؤمنان علی «ع» می فرماید: «ای بندگان خدا! روزگار در مورد بازماندگان همانگونه جریان می کند که درباره گذشتگان جریان داشت»^۱.

عوامل شکست ها و ناکامی ها، پیروزی ها و کامیابی ها، شکوفایی و انقراض تمدن ها و حکومت ها، فرجام ستم و عدل، آثار اتحاد کلمه، حرکت و تلاش، نقش علم و آگاهی و عواقب دردناک جهل و سستی و تفرقه، همه در آینه تاریخ منعکس است.

نکته بسیار مهم آن است که امام علی (ع) در سخنان شریف خویش تنها به نقل حوادث تاریخی اکتفا نکرده بلکه به قوانین کلی حاکم بر جوامع نیز اشاره می کند. قوانینی که از بودن ها و شدن ها، تغییر و تحولات تاریخی پیشرفت و سقوط جامعه ها که بازتاب قهری رفتار اختیاری آن ها است پرده برمی دارد. این نوشته تلاش دارد نگاهی به گذشته غزنی و وضعیت امروز داشته باشد.

شکل متفاوتی از معارف تاریخی

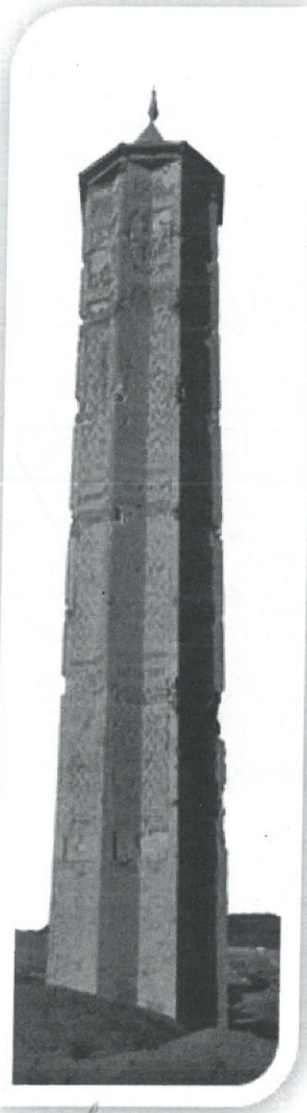
معارف تاریخی به دو صورت وجود دارد.

الف: تدوینی در قرآن، کتاب ها و متون تاریخی معتبر

ب: تکوینی در طبیعت به شکل آثار تاریخی به جای مانده از اقوام پیشین و حاکمان گذشته.^۲

بنابراین بخشی از تاریخ شاخه ای از کتاب و بخشی از آن شاخه ای از طبیعت است و اهمیت بسیار این دو شاخه ای از کتاب و طبیعت، باعث شده است که دانشمندان و قلم به دستان، تاریخ را در قالب یک منبع مستقل معرفت پذیرفته و اوقات شان را صرف بررسی این موضوع نمایند.

چراکه تأثیر تاریخ در گذر زمان نه تنها در یک فرد که در ملتها و نژادها



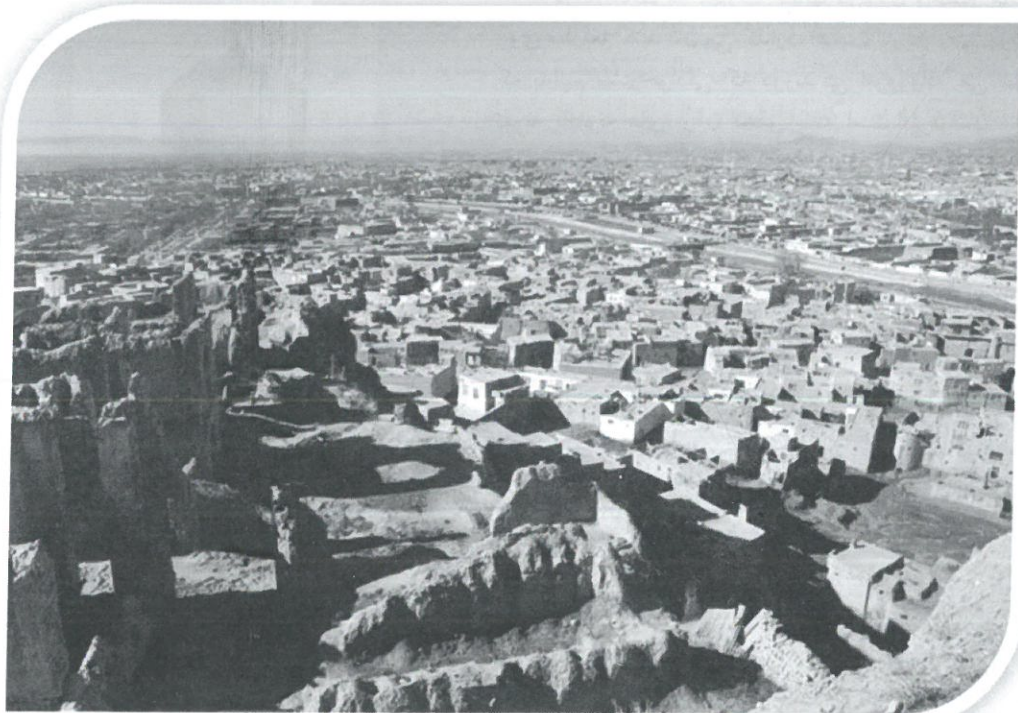
واضح و روشن است. تاریخ کتاب قطور و پر بار است که برای پی بردن به عمق معنی زندگی فردی و جمعی و ایجابات آن و اخذ تصمیم منطقی و معقول و اقدام سنجیده نسخه های کمیاب و سخن های فراوان دارد. انسان با مطالعه ای تاریخ به بسیاری از رموز، سنن و قوانین هستی پی می برد «لقد کان فی قصصهم عبرت لا ولی الالباب»^۳ ترجمه: همانا در حکایت آنان برای صاحبان عقل عبرت کامل خواهد بود.

غزنه و معارف تاریخی

بانگهی به تاریخ غزنه باستان درمی یابیم که این خطه باستانی هم در شاخه ای تدوین از لابلای کتاب ها و متون تاریخی و روایت های کتبی شکوه تاریخی اش به چشم می خورد و هم در شاخه ای تکوین که آبدات و آثار تاریخی اش نشانگر مجد و عظمت تاریخی و مدنیت دیرینه این مرزوبوم است. هرچند که اکثریت آثار و آبدات تاریخی، باستانی و تمدنی این شهر تبدیل به ویرانه گردیده و خاموش و فراموش مانده است!

غزنه و کارنامه مثبت غزنویان

اما آنچه که ولایت غزنی را در محراق توجه کشورهای اسلامی به ویژه سازمان (آیسیکو) قرار داده است که به عنوان پایتخت فرهنگی و تمدنی جهان اسلام معرفی گردد؛ تاریخ پرافتخار این خطه باستانی است که قسمت مهم آن مربوط است به کارنامه درخشان و مثبت غزنویان که از آن جمله می توان نمونه های زیر را برشمرد. الف: خدمات اسلامی غزنویان و بسط و گسترش آن در کشورهای اسلامی. ب: احیای تاریخ به دست دانشمندان، نخبگان و علمای آن عصر از جمله نقطه آغاز فردوسی از دوره ماقبل تاریخ و انعکاس



اندیشه و تفکر ملی در شاهنامه.

ج: سیاست های وحدت آفرین و ملت ساز: استفاده از فرصت ها و به کارگیری عاقلانه موقعیت ها و مکان های تجمع عمومی مثل جشن نوروز و سایر تجمعات را می توان از جمله راهکارهای میهنی لازم جهت دستیابی به وحدت طلبی در کارنامه غزنویان برشمرد.

د: در ضمن توجه ویژه ای سلطان محمود غزنوی و سلسله دانش پرور و فرهنگ دوست "تگین" به نخبگان و نویسندگان، شاعران و سخن سریان رامی توان بر شکوه تاریخی غزنه افزود.

دربار غزنویان در آسیا پرورشگاه شعرا و علما و ارباب فن بود. علما و نویسندگان معروف: البیرونی، ابن سینا، ابوالفتح بستی، ثعالبی، بونصر مشکان، ابوالفضل بیهقی، ابومنصور موفقی هروی و.. از شعرا عنصری، عسجدی منوچهرسنایی،

مسعود سعد سلمان، اسدی طوسی، ناصر خسرو، سید حسن غزنوی، مختاری غزنوی مشاهیر این عصر اند.^۴
در میان کارنامه های درخشان غزنویان اعمال سیاست های وحدت بخش و ملت ساز آنان می تواند راهگشای خیلی
از مشکلات مردم این عصر و زمان ما باشد.

اسلام، امت و وحدت اراده ها

وحدت امت همواره یکی از آرمانهای دینی پیامبران توحیدی قلمداد می شده و بر این بنیان یکی از محورهای مهم دعوت
پیامبر خاتم "ص" نیز پی ریزی شاکله های پیدایش آن بوده است. تحلیل رویدادهای تاریخ اسلام گویای آن است که
در جهت تلاش های سیاسی و فرهنگی حضرت برای تحقق این هدف راهبردهای ارزشی نیز کار آیی خاص داشته اند تا
آنجا که باشناخت دقیق ظرفیت های اجتماعی حاکم بر جامعه ابزارهای برگزیده شده تا زمینه پذیرش و گرایش همگانی
رابطه سوی ایجاد وحدت امت متمایل گرداند.

طرح پیمان نامه ملی مدینه بهترین راه برای ایجاد یک وحدت عمومی و القای روحیه همبستگی دینی بود و در همین راستا
پیمان ویژه مسلمین و راهکارهای مذهبی برای پیوند روح برادری به حساب می آمد.

اگر یک سفری کلی به تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام داشته باشیم درمی یابیم؛ تاروی که اراده هادر جوامع اسلامی یکی
بود و دانشمندان رسالت شان را به خوبی درک کرده و آنرا در عمل پیاده می کردند وضعیت چگونه بود؟ و امروز که
شعار باعمل یکی نیست و پای اراده های جمعی ما لنگ است در چه وضعیت به سر می بریم؟

آنچه که فرهنگ و تمدن اسلامی را در سطح دنیا با مشکلات جدی روبرو کرد و عظمت دیرینه تاریخی و تمدنی دنیای
اسلام را در تمام عرصه ها از دست این مکتب انسان ساز گرفت درست زمانی بود که جوامع اسلامی در داخل مواجه شد
با تمایلات تجزیه طلبی و تعصب گرایی، اگر ما تاریخ رانه به عنوان یک سرگرمی؛ بلکه بستری برای بررسی رابطه واقعی
مسائل تاریخی و اعمال انسان هادر گذشته بدانیم و مسایل تاریخی را توجیها ت موهوم و باطلی چون بخت و اتفاق
یا سرنوشت اجباری به تحلیل نگیریم؛ امروز این سؤال برای ما مهم شاید به وجود بیاید که "روزگاری دنیا از غزنه اداره شده
پیام علم و دانش، عشق و عرفان از این نقطه به سایر نقاط دنیا نشر می شد اما امروز چرا دنیا از اداره غزنی عاجز مانده است؟

غزنه و رسالت امروز عالمان دینی و نخبگان علمی

بر کسی پوشیده نیست که امروز غزنه در یک تاریکی مطلق قرار دارد. شاید بی مناسبت نباشد اگر غزنی امروز را به دوران
قرون وسطی اروپا تشبیه شود. همان گونه که اروپا با یک رنسانس علمی توانست خود را از تاریکی جهل و تحجر رهایی
بخشد، بر عالمان دینی، روشنفکران، نخبگان ملی و تمام آحاد کشور است که تلاش کنند غزنی به معنای اعم کلمه را از
این وضعیت نابسامان خارج ساخته و دین خود را نسبت به کشور و متفکران گذشته غزنی ادا نمایند. و سعی کنند رنسانس
علمی را در این خطه ایجاد نمایند. تا بتوانند خیزش علمی و نشاط علمی را در کشور به راه اندازند. طبیعی است که جهل
مایه فلاکت ماست و بازگشت دوباره به آن، راه درمان آن خواهد بود. بدین ترتیب می رسیم به اینجا که یکی از ضروری
ترین راههای پیریزی وحدت دینی در امت بزرگ اسلامی هماهنگی اراده ها و تمایلات ارزشی جوامع بر بنیاد همانند سازی
ابزارهای ذیل است:

۱- راهبردهای ملی و مذهبی

۲- میهنی

۳- اجتماعی و فردی

بناء آنچه اکنون به عنوان رسالت علما، دانشمندان، فرهنگیان و دانشجویان غزنه باستان قلمداد می شود و مسئولیت ما را
در این برهه حساس تاریخی بیش از پیش جدی ترمی سازد پیوند دادن اراده های ملی در قالب برنامه های فرهنگی
از راه همانند سازی ابزارهای یاد شده است. سیمینارها میزگردها و نشست های علمی باید تبدیل به فرصت شود
مدارس دینی، دانشگاه ها، مراکز تحصیلات عالی و مکاتب، با محور قرار دادن آموزه های قرآنی "این کتاب جاویدان"
بهترین بستری است برای احیای دوباره تاریخ تمدن و فرهنگ انسانی و اسلامی!

نوشت ها:

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، بخش نامه ها، نامه ۳۱

۲- محمد و اسعی، علم و عالم "مجموعه از چشم انداز امام علی ع" به سفارش کانون اندیشه جوان، ناشر مؤسسه فرهنگی
دانش و اندیشه معاصر

۳- قرآن کریم، سوره یوسف آیه ۱۱۱

۴- عبدالحی حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان، صفحه ۲۱۴، ناشر انتشارات نشراتی دانش سال چاپ زمستان ۱۳۸۹

۵- ر:ک: کارنامه اسلام عبدالحسین زرین کوب

مهتاب تا چه وقت پشت ابر می ماند؟

فاطمه احمدی پاینده پور، دانشجوی سال اول دانشکده اقتصاد و مدیریت

روزی بهلول در قبرستان بغداد کله های مرده ها را تکان می داد، گاهی پر از خاک میکرد و سپس خالی می نمود. شخصی از او پرسید: بهلول! با این سرهای مردگان چه می کنی؟ گفت: می خواهم ثروتمندان را از فقیران و حاکمان را از زیر دستان جدا کنم. لکن میبندم همه یکسان هستند.

وقتی آسمان لباس سیاه خود را بر تن می کند و تاریکی همه جا را فرا می گیرد وقتی ستاره ها در پهنه آسمان قیرگون خودخواهانه مانند توت های زر می درخشند و به طرف مردم روی زمین چشمک میزنند. وقتی اسبهای آهنی در طویله های خود آرام می گیرند. وقتی شبها به جای مهربانی خورشید صدها خورشید فانی می درخشند، مهتاب ظالمانه پشت ابر پنهان می شود تا کسی را نبیند و صدای آه کسی را نشنود آهی که سالهاست از گیتار فقر به صدا در می آید و آهی است که چون از عمق دل بشنوی، وجودت را به لرزه وامی دارد، آهی که مانند آتش همه جا را میسوزاند اما یاس و ناامیدی آنرا خاموش می سازد.

این آه از دهانی ست که میخواهد حرف بزند، فریاد سر دهد اما نمی تواند؛ بغضی سنگین راه گلویش را گرفته است، بغضی که از غمها جمع شده و نمی تواند پراکنده گردد. آه، آه مادری است که در باتلاق فقر گیر مانده است، باتلاقی هر چه بیشتر او را به طرف بدبختی ها می کشاند. مادری که در چنگال فقر گیر مانده است، اما کسی نیست او را رها سازد.

مادری ست که نمی تواند با دست خالی به چشم یتیمانش نگاه کند، به چشمانی که اشک پر آب شده اند اما نمی توانند سرازیر شوند. یتیمانی که چشم به در دوخته اند تا به صدا در آید اما هرگز به صدا در نیامد. دری که سالهاست بر روی پاشنه خود نمی چرخد، شاید پاشنه در مانند آنها فرسوده شده یا در هم با آنها سر ناسازگاری دارد؟ اما چرا مهتاب؟ چرا مهتاب نور نقره ای فام خود را دریغ میدارد؟ یا این ابر است که نمیگذارد نور مهتاب گسسته گردد از وجودش؟ یا مقصر ابر است؟

مرگ آنها را به آغوش می کشد اما زمین آنها را در دل خاکی خود نمی پذیرد. مدت ها است پشت در امید دق الباب شده اند. امشب تنها امیدشان به مهتاب بود که شاید خانه شان را روشن سازد، اما مهتاب هم مثل آدم های سنگدل پشت ابر پنهان شد. امیدشان به صدای در بود که شاید به صدا در آید اما هرگز کسی آن در را باز نکرد. امشب مهتاب چقدر خودخواه شده و امروزه مردم چقدر سنگدل.

آیا مهتاب نمی داند که نور روشنی او از آفتاب است؟

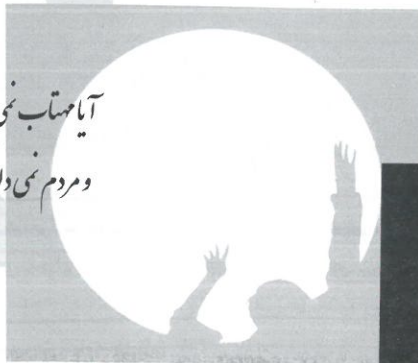
و مردم نمی داند که ثروت آنها نعمتی است از خداوند؟

مهتاب تا چه وقت پشت ابر می ماند؟

تا چه وقت چشم به راه دست خیری؟

تا چه وقت گوش به صدای در؟

تا چه وقت؟



هویت و فرهنگ ملی!

میرزا حسین "نیکزاد" دانشجوی سال اول دانشکده اقتصاد و مدیریت

عادات، رسوم و عیناتی هر قوم و قبیله با ارزش است، اما بحث ملی به نحوی مباحث محلی کم رنگ شده و درحاشیه قرار می‌گیرند. افراد یک جامعه زمانی می‌توانند بدون نگرانی خاطر به حیات اجتماعی شان ادامه دهند که معیارهای متعارف و شناخته شده ای حقوقی سیاسی اجتماعی و فرهنگی بین المللی را در روابط ملی شان رعایت نمایند. عوامل و مبنای هویت و فرهنگ ملی هر کشور طبعاً مسیر های پرفراز و فرودی را طی نموده است. روابط انسانها درهر اجتماعی براساس معیارهای خاصی شکل می‌گیرد. دین، مذهب، زبان، نژاد، قوم، قبیله می‌توانند تاثیر روی فکر و ذهن و نگرش افراد یک جامعه داشته باشند.

افغانستان و هویت ملی

افغانستان کشوری است که هویت ملی به عنوان یک حلقه مفقوده همواره مورد توجه بوده است. در این کشور آنچه در گذشته بوده، هویت‌های خرد قومی و قبیله ای مسلط بوده است. در حال که افغانستان نیز می‌تواند با حفظ هویت های خرد، یک هویت کلان را برای همگرایی و وحدت ملی تعریف کند و خود را از واگرایی ویران کننده نجات دهد.



مقدمه

واقعیت این است که اصطلاحاتی چون هویت ملی، فرهنگ ملی و... بارمعنای زیبا برای هر ملت دارد به شرط این که این هویت و فرهنگ درقدم اول ملی باشد و درقدم بعدی ساخته و پرداخته همان ملتی باشد که درمحدوده جغرافیایی تعیین شده ای زندگی میکنند با هویت مشترک و فرهنگ مشترک، البته این نوشته شامل سنن و آداب و عادات قومی و قبیله ای نمی‌شود، زیرا بحث ما ملی است، نه محلی آداب.

براین اساس، در افغانستان نیز اگر تفاوت و تمایزی دیده می شود در نوع نگرش انسانهاست نه در خلقتی آنها. وقتی همه سازنده ای واحدی داشته باشند جز تفاوت و تمایزهای که احيانا از بعضی از اندیشه ها و تفکرها تراوش میکنند تمام تفاوتها و تمایزهای ظاهری منتفی میگردد. چیزی که باید ملاک سنجش و ارزشیابی قرار بگیرد این است که انسانها زاینده ای شرایط هستند. هویت و فرهنگ خود را خودی انسانها می سازند. شرایط و محیط و زمان پدیده های هستند که تاثیر مستقیم و جدی بر شکل گیری هویت و فرهنگ جوامع داشته و این هویت و فرهنگ است که شخصیت انسانهای یک جامعه را می سازد. دین، مذهب، نژاد، قوم، زبان و دیگر پدیده ها هستند که در شکل گیری هویت و فرهنگ یک جامعه نقش اساسی دارند. حال این هویت و فرهنگ می توانند ملی باشند و یا در بعضی موارد نیز محلی. فاجعه و عقب گرایی در یک جامعه زمانی صورت میگیرد و روابط انسانهای آن جامعه به هم می خورد که هویت و فرهنگ ملی آن جامعه انقدر تنزل پیدا کند که جایش را به هویت و فرهنگ محلی بدهد.

چگونه به هویت ملی برسیم؟

اساساً هویت ملی و فرهنگ ملی بر مبنای حسن تفاهم و در سایه ای دموکراسی شکل میگیرد نه بر مبنای سؤی تفاهم و نظام دیکتاتوری. برای خارج شدن از این وضع موجود باید موجودیت تمام انسانهای افغانستان به عنوان شهروندان در یک جامعه حفظ و احترام شده. افراد باید بر اساس معیار تخصص و تعهد آنها برای رهبر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... برگزیده شوند. این گزینش ها زمانی میتواند مثمر ثمر واقع شوند که تخصص و تعهد افراد برگزیده در خدمت و باروری و هویت ملی و فرهنگ ملی قرار بگیرند. عواملی که میتوانند هویت ملی و فرهنگ ملی را در یک جامعه بسازند در کل به دو صورت شکل میگیرند.

۱- تقویت ریشه های هویت ملی و فرهنگ ملی: زیر بنا یا ریشه های هویت ملی و فرهنگ ملی را تاریخ ملی مسازد. افغانستان با وجود تنوع پدیده

های نژادی، قومی، زبانی، مذهبی و... مردم آن تاریخ مشترک دارند. تاریخ هر کشوری زیر بنا ترین پایه های شکل گیری و پیدایش هویت و فرهنگ آن کشوری باشد. تاریخ ملی زمانی می تواند به کمک هویت ملی و فرهنگ ملی بیاید و به آن بال و پر دهد که تمامی انسانهای افغانستانی بپذیرند که هویت ملی و فرهنگ ملی آنهاست که شخصیت انسانی ملی و فراملی آنها را شکل میدهد و همین تاریخ ملی است که به انسانهای یک جامعه هویت و فرهنگ می بخشد.

۲- باور ساختن شاخه های هویت ملی و فرهنگ ملی: هویت ملی و فرهنگ ملی زاینده و ثمره ای تاریخ ملی می باشد که در هر مقطع زمانی احتیاج به انسانهای فرهیخته، فرهنگی و فرهنگ دوست داشته تا با افکار و ذهنیت روشن، پویا و متعالی وقت شان را صرف ساختن هویت ملی و فرهنگ ملی نمایند. و همین باور ساختن شاخه های هویت ملی و فرهنگ ملی میباشد که شخصیت ملی انسانهای آن جامعه را شکل میدهد و میسازد.

تاریخ ملی زمانی می تواند به کمک هویت ملی و فرهنگ ملی بیاید و به آن بال و پر دهد که تمام انسانهای افغانستانی بپذیرند که هویت ملی و فرهنگ ملی آنهاست که شخصیت انسانی ملی و فراملی آنها را شکل می دهد و همین تاریخ ملی است که به انسانهای یک جامعه هویت و فرهنگ میبخشد.

نتیجه:

هویت ملی، وحدت ملی و منافع ملی در هر کشور و جامعه ای، ارتباط عمیقی با شخصیت و اعتبار جامعه و در نهایت، رشد و شکوفایی آن دارد. جوامعی که به میزانی از هویت ملی دست یافته، دارای همگرایی و اعتبار هستند. اما در مقابل، جوامعی که هویت ملی در آن، مفقود بوده، به تبع، با واگرایی، عقب ماندگی و بی اعتباری مواجه بوده است.

آرامش

و سکون!

خوانندگان محترم آنچه را می خوانید
داستان آرامش روحی یکی از
دانشجویان است که با آمدن
دانشگاه خاتم النبیین به غزنی برای این
دانشجو حاصل شده است

سید عبدالقادر گیلانی محصل سال اول دانشکده اقتصاد

در این اواخر اتفاق های عجیبی برآیم واقع می شد که از آن رنج میبردم. تلاش می کردم تا سکون و آرامش پیدا کنم، نتیجه مثبت در پی نداشتم، بلکه باعث رنج بردنم می شد. می خواستم که از راه های مختلف برآیم سکون و آرامش پیدا شود، مگر نتیجه نمیداد. با تبدیل تمام وسایل اطاقم خواستم آرامش بیابم، با خریدن لباسهای جدید مدرن عصری باز هم نتیجه منفی بود. با کاشتن گل‌های قشنگ خواستم تا ساحه زندگی ام را مقبول و دوستداشتنی سازم، مگر نتیجه خوب نداد. هر کار که کردم ولی ثمره خاصی نداشتم،

روزی دوستم پیشنهاد کرد، بیا علم بیاموز تا آرامش روحی و معنوی نصیب شود. من دو روز بعد تلاوت قرآن عظیم الشان را شروع کردم کم کم آرامش روحی و امیدواریهای برآیم پیدا شد. و روزها بعضی اوقات مطالعه می کردم، تا این که پوهنتون خاتم النبیین^ص به غزنی آمد، تمام تقسیم اوقات روز خود را آماده نمودم و حالا آرامش روحی و قلبی که می خواستم نصیب شد. حدیث شریف سرور کائنات^ص است هر آنچه چیزی را که می خواهید، برای رسیدنش تلاش کنید. و آیه قرآن عظم الشان است که تنها با ذکر خدا قلبها آرام می گیرد.

قلم

حافظ علوم و راز دار بشر!

عبدالعزيز (محسنی) محصل سال دوم علوم سیاسی

(ن والقلم وما یسطرون) آنچه در قرآن به آن سوگند یاد شده است ظاهرش یک موضوع کوچکی است، یک قطعه نی و یا چیزی شبیه آن و کمی ماده سیاه رنگ و سپس سطوری که بر صفحه کاغذ ناچیز رقم زده می شود.

اما در واقع این همان چیزی است که سر چشمه پیدایش تمام تمدن های انسانی و پشرفت و تکامل علوم و بیداری اندیشه ها و افکار و شکل گرفتن مذهب ها و سر چشمه هدایت و آگاهی بشر است تا آنجا که دوران زندگی بشر را به دو دوران تقسیم میکند، دوران تاریخی و دوران قبل از تاریخ و دوران تاریخ بشر از زمانی شروع میشود که "خط" اختراع شد و انسان توانست ماجرای زندگی خود را به صفحات نقش کند. و یا به تعبیر دیگر، دورانی که انسان دست به قلم گردید و از او «میسطرون» یادگار ماند. عظمت این سوگند هنگامی آشکار تر میشود که توجه داشته باشیم آن روزی که آیات نازل گشت نویسنده و ارباب قلمی در محیط "مکه" وجود نداشت و اگر کسانی مختصر سواد خواندن و نوشتن را داشتند تعداد آنها در کل سرزمین مکه که مرکز عبادی سیاسی و اقتصادی حجاز بود به نقل از تاریخ به بیست نفر نمی رسید. آری! سوگند به قلم یاد کردن در چنان محیطی عظمت خاصی دارد و جالب اینکه: در نخستین آیاتی که در جبل النور و غار «حرا» بر قلب پاک پیامبر (ص) نازل شد نیز به مقام والای «قلم» اشاره شده. آنجا که می فرماید بخوان به نام پروردگارت که مخلوقات را آفرید و انسان را از خون بسته ی ایجاد کرد. بخوان به نام پروردگار بزرگت هم او که انسان را به وسیله «قلم» تعلیم داد و آنچه را نمی دانست به او آموخت.

گردش نیش قلم بر صفحه کاغذ؛ سرنوشت بشر را رقم می زند. لذا پیروزی و شکست جوامع انسانی به نوک قلم ها بسته است. قلم حافظ علوم و دانش ها پاسدار افکار اندیشمندان، حلقه اتصال فکری علماء و پیل ارتباطی گذشته و آینده بشر است؛ و حتی ارتباط آسمان و زمین نیز از طریق

لوح و قلم حاصل شده است.

«قلم» انسان های را که جدا از هم، از نظر زمان و مکان، زندگی می کنند به یکدیگر پیوند میدهد، گوئی همه متفکران بشر را در تمام طول تاریخ، و در تمام صفحه روی زمین در یک کتابخانه بزرگ جمع می بینی.

«قلم» راز دار بشر، خزانه دار علوم و جمع آوری کننده تجربیات و اعصار است. و اگر قرآن به آن سوگند یاد می کند به همین دلیل است: زیرا همیشه سوگند به یک امر بسیار عظیم و پر ارزش یاد میشود.

بعضی از اندیشمندان گفته اند: بیان دو گونه است بیان زبان و بیان قلم. بیان زبان را گذشت زمان کهنه می سازد و از بین میرد، ولی بیان قلم تا ابد باقی است.

و نیز گفته اند: پایه امور دین و دنیا برد و چیز است (قلم و شمشیر) و شمشیر زیر پوشش قلم قرار دارد. این تعبیر اشاره لطیفی است به تراشیدن قلم و بوسیله چاقو، و قرار گرفتن تیغ های تیز در خدمت قلم از آغاز کار. (آن روزیکه جنگجویان قهرمان به شمشیر های خود سوگند یاد کنند و آن را اسباب بزرگی و افتخار بشمرند برای قلم نویسندگان همین افتخار و سر بلندی در تمام دوران جهان بس که خداوند سوگند به قلم یا دکرده است. «نه به شمشیر»)

با حدیث بسیار پر معنایی از پیامبر گرامی اسلام (ص) به این گفتار پایان می دهیم سه صدا است که حجاب ها را پاره میکند و به پیشگاه با عظمت خدا (ج) می رساند. صدای گردش قلم دانشمندان به هنگام نوشتن؛ صدای قدم های مجاهدان در میدان جهاد؛ و صدای چرخ نخ ریزی زنان پاکدامن. البته تمام آنچه گفته شد. در باره قلم های است که در سیر حق و عدالت و در صراط مستقیم گردش می کند. اما قلم های مسموم و گمراه کننده بلا؛ و عظیم ترین خطر برای جوامع انسانی محسوب میشود.

جهانی شدن چیست؟

بصیراحمد «شریفی» دانشجوی سال دوم دانشکده علوم سیاسی

مختلف جهان. افزایش وابستگی و درهم تنیدگی جهانی. فرآیند غربی کردن و همگون سازی جهان، ادغام همه جنبه های اقتصادی در گستره جهانی، پهناورتر شدن گستره تاثیرگذاری و تاثیر پذیری کنش های اجتماعی و کاهش هزینه های تحمیل شده توسط فضا و زمان تعریف شده است. برای روشن شدن بهتر معنای جهانی شدن نظریات برخی از اندیشمندان را در مورد جهانی شدن مطرح می سازیم.

نظریات بعضی دانشمندان در مورد جهانی شدن:

گرچه بحث جهانی شدن و برداشت و نظریات صاحب نظران در مورد آن یک بحث بسیار وسیع است که در ابعاد مختلف تاثیرات جهانی شدن (در عرصه تاثیرات آن بر حاکمیت ملی، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و اجتماع) کتابهای زیادی نوشته شده است ولی در یک نگاه کلی برداشت تعداد از نویسندگان به این موضوع قرارذیل بیان می شود.

۱- **رابرت سون:** (جهانی شدن مفهوم است معطوف به فشرده گی جهان و تشدید و افزایش آگاهی از آن مانند یک کل). او مانند دیگران عناصر ویژه گی بخش جهانی شدن رافشرده گی، همگونی، درهم تنیده گی و وابستگی متقابل در سطح جهانی میداند و نقطه تفکیک برداشت رابرت سون از جهانی شدن بادیگران، در تاکید وی بر عنصر آگاهی میباشد. (۱)

۲- **اسکیلیر:** جهانی شدن عبارت است از افزایش و گسترش روابط و کنش های فراملی در گستره جهانی.

اسکیلیر میافزاید (این فرآیند بواسطه شکل گیری شبکه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی که در برگیرنده شرکت های فراملی، و یک فرهنگ ایدئولوژی مصرف گرایی است تداوم میابد و پرشتاب تر میشود. (۲)

۳- **هاروی:** تجربه انسان از زمان و فضا بسیار متغیر و روان شده و این یعنی جهانی شدن. (۳)

۴- **گیدنز:** گیدنز هم مانند هاروی فرآیند جهانی شدن را محصول برهم خوردن نظم سنتی فضا و زمان خوانده ولی او بر جنبه



مقدمه:

جهانی شدن یا جهانی سازی پدیده ای است که زندگی انسان های معاصر را تحت تاثیر قرار داده و به عنوان یک موضوع تازه ضرورت دارد نسبت به آن آگاهی اجمالی داشته باشیم. این نوشتار تلاش می کند پدیده جهانی شدن را به طور اجمال معرفی کند.

جهانی شدن یک پدیده است که همزمان با فرآیند نوسازی آغاز شده و گستره آن، جهانی شدن اقتصاد، وابستگی متقابل میان واحدهای ملی و شکل گیری آگاهی از تعلق به جهان واحد را در برمیگیرد. همه پیوند های فردی اجتماعی روی زمین نیز مشمول فرآیند جهانی شدن است. این فرآیند باعث وحدت جامعه جهانی شده و سعی دارد گستره محیط اجتماعی و ملی فرد را جهانی سازد.

گرچه هیچ تفسیر و برداشت شفاف، منسجم و مناسب در باره چگونگی کار کرد جهانی شدن و اینکه جهانی شدن چه گونه می تواند عملکرد بهتری داشته باشد نداریم، ولی دانشمندان و صاحب نظران در عرصه های مختلف (فرهنگ، سیاست، اقتصاد و...) تعاریف مختلف را ارائه نموده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

جهانی شدن به معنای فشرده گی جهان. وابسته تر شدن بخش های

های فرهنگی واجتماعی جهانی شدن تاکید بیشتر دارد. (۴)

۵- **یان کلارک**: یان کلارک در کتاب خود تحت عنوان (جهانی شدن ونظریه روابط بین الملل) می نویسد: (از آنجاییکه هیچ بعدی از زندگی که بتوان آنرا به عنوان تجسم ومصداق واقعی جهانی شدن معرفی کرد و هیچ تعریفی بی طرفانه ای که خالی از هرگونه قضاوت هنجاری قابل ارائه باشد وجود ندارد، ارائه یک دیدگاه مبنی بر اجماع نظر در مورد موضوع مجادله برانگیز جهانی شدن غیر ممکن ننماید).

این در حالی است که باوجود اختلاف نظر در باره جهانی شدن این مفهوم به توصیف طیفی از تحولات درعرض یک میدان اجتماعی گسترده می پردازد. هرچند میزان دقیق بروز این تحولات همچنان قابل مجادله باقی میماند ولی حداقل باید پذیرفت که جهانی شدن از توان بالقوه برای متزلزل ساختن چهارچوب های تحلیلی موجود برخوردار است.

یان کلارک به ادامه میونسد (ماجهانی شدن را به عنوان یک فرآیند چند بعدی در نظر گرفته، نه به تائید مکاتب فکری افراطی یا Hyper globalist پرداخته و نه متمایل به مکاتب فکری شدیداً ضد جهان محوری هستیم.

نتیجه گیری:

درکل میتوان گفت که پدیده جهانی شدن هم طرفداران وهم مخالفان خود را در تمام اقشار داشته است. آنانکه نظر به جهانی شدن خوش بین هستند جهانی شدن را به عنوان بهترین نقطه امیدی برای تنگ ساختن شکاف موجود در زمینه مادی به منظور گسترش آزادی از مصرف گرایی ورهائی ازدست فشار فرهنگ های محلی در نظر میگیرند. ولی بسیاری بدون تردید فکر میکنند که جهانی شدن ممکن است از لحاظ اقتصادی مطلوب بوده و رونق روز افزون اقتصادی را از منظر دورانی آن افزایش دهد. اما از لحاظ اجتماعی واثیرات آن بالای حاکمیت ملی یک امر نامطلوب است و موجب تضعیف حمایت از فرهنگ بومی و متداول میشود.

نظرسنجی های عمومی نشان داده است که اکثریت عظیمی از جمعیت جهان حتی در کشورهای که بطور سنتی دوست امریکا بوده اند، فکر میکنند که انتشار اندیشه ها و آداب و رسوم امریکائی طرح خوبی نیست. مثلاً در انگلستان ۵۰٪، در ایتالیا ۵۸٪، در آلمان ۶۴٪، و در فرانسه ۷۱٪ چنین فکر میکنند و فقط در جاپان کمتر از همه (۳۵٪) مردم نسبت به اندیشه و آداب امریکا منفی فکر میکنند. (۵)

بدینان جهانی شدن به این باور اند که جهانی شدن با دامن زدن به قطعی سازی یا تقسیم بندی جهانیان به برندگان و بازندگان، باعث

تضعیف وید بختی وفلاکت بازندگان میشود. حکومت ها بصورت مسلسل یکی تحت تاثیر دیگری قرار میگیرند و با لآخره به یک نظام سیاسی اجتماعی وفرهنگی واحد وابسته خواهند شد. از همین سبب است که کشورهای جهان سوم در حراس اند که این روند باعث تحت تاثیر قرار گرفتن حاکمیت، فرهنگ و مقدرات این کشورها خواهد شد.

به هر حال امروز جهانی شدن به یک حقیقت غیر قابل انکار تبدیل شده است که تصور واقدام برای جلوگیری ازان یک امر محال است ولی آنچه که باید به آن دقت وتوجه بیشتر صورت بگیرد اینست که چگونه میتوان در جریان وقوع این فرآیند حاکمیت ملی، نظام اجتماعی وفرهنگی خود را از تاثیرات ناگوار آن حفظ نمود و آنچه کشورهای جهان سوم را نسبت به این موضوع حساس نموده است اینست که آنان جهان غرب را بر روند جهانی شدن مسلط میدانند. از نظر آنان جهانی شدن مثال طرح ساختمان امریکائی است که بدون مشارکت آنان و به رغم اعتراضات ایشان در حال بنا شدن است.

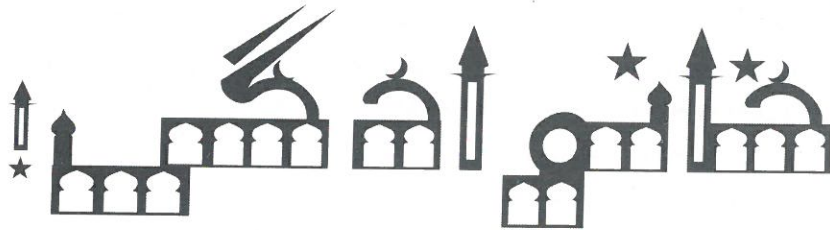
پس روند عملی جهانی شدن دردست امریکا است بناء بیشتر کشورهای که از هر موضوع در داخل یا خارج این روند به جایگاه امریکا در راس کار نگاه میکنند، ازین نظر هم عقیده اند که آنچه رابه عنوان سلطه امریکا بر جهانی شدن میبینند دوست ندارند و این به این علت است که امریکائی ها از روند جهانی شدن منفعت زیادی میبرند. چون الگوی جهانی مبتنی بر الگوی امریکائی است بناء امریکائی ها ازین امتیاز برخوردارند که تجربه بازی کردن در یک بازی بسیار مشابه را دارند. امریکاهی ها مجبور نیستند خود را زیاد تغییر دهند، در حالیکه بقیه ای کشورهای دنیا باید برای سازگار شدن با جهانی شدن کاملاً تغییر کنند. بناء این کشورها جهانی شدن را یک امر رکیک، نامطلوب و مردود میدانند.

منابع:

- جهانی شدن فرهنگ وهویت نوشته احمد گل محمدی صفحه ۵۲
- (جهانی شدن فرهنگ وهویت نوشته احمد گل محمدی صفحه ۵۹
- Harvey ۱۹۸۹: صفحه ۲۴۰
- Giddens ۱۹۹۸: صفحه ۳۱-۳۰
- برنده گان وبازندگان جهانی شدن نوشته لستر تارو ترجمه مسعود کرباسیان صفحه ۱۳۳

عوامل تاثیر گذار،

در تحکیم روابط



ضامن علی عظیمی، دانشجوی دانشکده فقه و حقوق

مقدمه

خانواده، کوچک ترین واحد اجتماع انسانی است که حد اقل از ترکیب متعالی والدین و فرزندان شکل و عینیت پیدا می کند. صحت و سلامت جسمی و روانی این واحد کوچک، همانند اجتماعات بزرگ و توسعه یافته بشری، محتاج نظم و انضباط خاص و به عبارت بهتر اصول و قوانینی از پیش پذیرفته شده دینی و مدنی است.

استحکام پایه های فامیلی و بنیان های خانوادگی، گرمی و دلپذیری محیط خانواده، اعتماد و احترام متقابل بین اعضای آن، یقیناً معلول رعایت اصول و تعهد در قبال مقررات متذکره است که از جمله ضوابط و قوانین که از آنها بعنوان عوامل تاثیر گذار در روابط سالم و معقول خانوادگی یاد می کنیم، بعضی در حوزه کوچک خانواده قابل بحث و بررسی است و برخی دیگر مطمئناً فرا خانوادگی بوده و از حوزه پهناور اجتماع و دنیای بیرون چه بسا ناخود آگاه بر اعضای یک فامیل تلقین و تحمیل می شود و این صورت دیگر و مصداق همان اصلی است که آموزگاران بزرگ اخلاق و طیبیان روحی و روانی بشر، مطرح می کنند که: پایه ها و یا ارکان تربیت انسان عبارتند از: وراثت، محیط و نظام تعلیم و تربیه.

عوامل تاثیر گذار بر شکل گیری شخصیت انسان و نقش آن بر سلامت خانواده، اگر دقت و توجه کافی مبذول گردد، مجموع ارکان و عوامل موثر در تربیت و شکل گیری شخصیت انسان، می تواند فامیلی و خانوادگی باشد و هم فرا فامیلی و بیرون از محیط خانواده. با این توضیح که اصل وراثت در یک تسلسل می تواند از گذشته های طولانی و دور و نسل های گذشته در حوزه یک فامیل نفوذ کند و هم میتواند از چار چوب خانواده مورد بحث ما، گام به گام به نسل ها و خانواده های آینده، تاثیر گذار باشد.

و همچنان محیط نیز به معنی عام کلمه، فامیلی و فراتر از آن را در بر می گیرد. نظام تعلیم و تربیه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تاثیر تعلیم و تربیت از اولین معلم و آموزگار یعنی پدر و مادر آغاز گردیده و تا سطح مکاتب و بالاتر از آن، توسعه می یابد.

می توانیم بگونه دیگری این اصل را ارزیابی نماییم و آن اینکه: اصولاً انسان، طبیعتاً موجودیست تاثیر گذار و نیز شدیداً تاثیر پذیر، هر فرد انسان (بما هو انسان) می تواند بر فرد فرد انسان ها تاثیر کند و از فرد فرد آنها متاثر گردد.

این جاست که نقش اخلاق انسانی، اصول رفتار بشری، تعلیم و تربیه سالم، سلامت و بی آلاشی فردی و اجتماعی، نوع بر خورد متقابل انسان، کمیت و کیفیت روابط اجتماعی، اصول و مقررات حاکم بر یک جامعه، برجسته و رو نما می گردد.

یعنی نباید فراموش کرد و غفلت ورزید که طرف تربیت یک مادر و مخاطب گفتار یک پدر، در محیط کوچک یک خانواده، تنها کود کانی نیستند که از آنها زاده شده اند و متعلق به آنها اند، بلکه نوع رفتار و گفتار، کنش ها و واکنش های آنان، به مثابه پیامی است که

تدریجاً برای فرد فرد جامعه قرائت و تفسیر می گردد و هم این تنها تعداد داخله ای یک صنف در مکتب نیست که از گفتار و کردار، نحوه عملکرد یک آموزگار می آموزد و روحاً شکل می گیرد، بلکه منش و طرز برخورد یک معلم، آثار مثبت و یا منفی تعلیم و تربیه او، تازوایای جان و افکار یکا یک آحاد و افراد جامعه انسانی، تسری می یابد و به مرور زمان در اندیشه و کردار جامعه نهادینه می گردد. پس اگر گفته اند که: دانشمندان و اصلاح گران بزرگ تاریخ، متعلق به همه تاریخ و همه بشریت اند و در صحت فکری و روحی جوامع بعد از خود شریک و سهم اند. سخنی است عاقلانه و منطقی ولی نا کافی، چه اینکه شرارت پیشگان و مفسدان تاریخ نیز متعلق به همه جوامع و ملت ها است که فامیل بزرگ و توسعه یافته ای امروز انسانی به نحوی و به گونه ای، میراثدار فساد و بد کاری آنان محسوب می شود.

برگردیم به محور اصلی این گفتار که: عوامل مؤثر در تحکیم روابط فامیلی بود، هدف، ارزیابی و اثبات این اصل است که استواری و پایداری، ارتباط بین همی یک خانواده و ماندگاری وفا و پیمان فامیلی و خانوادگی، به علل و عوامل متعدد و گوناگونی بر می گردد که از وراثت، نظام تعلیم و تربیه و محیط آغاز گردیده و تا دستورات و اصول مذهبی و اسلامی به پیش می رود.

بی مهری به اصول دینی و پیامدهای آن

با دریغ و تأسف باید گفت که: در بحث روابط خانوادگی و اجتماعی کمتر به مقررات دینی و اصول اعتقادی و معنوی توجه صورت می گیرد و این در حالیست که دین همواره نقش اولی و برجسته ای را در استحکام پایه های خانوادگی و تربیت انسان بازی نموده است، آیا جز این است که تهداب گذار ساختمان خانواده در اسلام، عقد و پیمان دینی و الهی است؟ آیا گرمی و طراوت فضای حاکم بر خانواده جز با جوهر معنویت و رعایت اصول مذهبی و ایدئولوژیک، مقدور و میسر خواهد بود؟!

آیا شفافیت روابط بین همی اعضای یک فامیل و اجتماع، جز در شعاع و پرتو نزاکت ها امکان پذیر است؟ آیا ضمانت اجرائی دیگری برای ماندگاری و ثبات، وفا و عاطفه بین زن و شوهر، جز پای بندی به اصول و مبانی ارائه شده از سوی دین، وجود دارد؟

و بالاخره آیا سعادت و رستگاری، نجات و نجابت فامیلی، تربیت و سلامت خانوادگی، جز در حوزه تعلیم حیات بخش اسلام و رعایت تقوی و خدا ترسی، ممکن و مقدور خواهد بود؟ پس با قاطعیت می توان ادعا کرد که اسلام با بهترین وجه ممکن، حقوق و وجایب فردی و خانوادگی را ترسیم نموده که فقط با رعایت آن حقوق متقابل و مکلفیت ها می توانیم خانواده سالم، جامعه ایده آل و حیات طیبه انسانی داشته و رستگاری دو جهان را کمایی نمائیم که به گفته مولانای لاهور: گر تو می خواهی مسلمان زیستن / نیست ممکن جز به قرآن زیستن

محیط، سازنده هویت اجتماعی:

پوشه: تو بر روی زمین فرد واحد نیستی، بلکه جزئی از کل و اندکی از بسیار هستی. تو را به زمین از آن نهاده اند که با دیگر آفریدگان هم آهنگ شوی و در بساط نمایش آفرینش، به نوبت خویش، به بازی پردازی.

چنانچه تذکر رفت، اجتماع، از کوچکترین واحد خود یعنی خانواده، شکل می یابد، بناء آغاز شکل گیری هویت اجتماعی، خانواده است. با این تفاوت که فضای اجتماع از گستردگی و ظرفیت بیشتری برخوردار است. یک کودک تا در محیط محدود خانواده زیست دارد، معمولاً خود خواه، تحمل نا پذیر، سخت گیر، بهانه جو و اهل لجاجت است. اما به مجرد پرواز در فضای باز و آزاد بیرون و جو فرا فامیلی، وجوه روحی و شخصیتی دیگری پیدا می کند. او با برخورد و معاشرت با افراد گوناگون و دارای خصلت ها و پیشه های گوناگون، درس تلاش و کوشش، اشتغال و کاریابی، اعتماد به نفس و حس مالکیت و بالاخره روحیه مدارا و نועدوستی یافته و سعی خواهد کرد تا در رقابت تنگاتنگ با دیگران قرار گیرد. مانند دیگران شغل شایسته کسب کند، درآمد مناسب داشته باشد، از حیثیت و نفوذ اجتماعی برخوردار باشد. در این مرحله تنها خانواده نیست که بصورت انحصاری جریان تربیت او را کنترل نماید که رسوم و عتعات، شعارها و شعورها، فرهنگ و آداب اجتماعی، به صورت گسترده و سیل آسا، جوان را متأثر می سازد. یعنی رکن دیگری تربیت که عبارت است از (محیط) نقش و اثر خود را در تشکیل شخصیت و هویت جوان برجسته می سازد. تجربه و دانش روانی به وضوح نشان می دهد که نقش محیط به عنوان یکی از ارکان تربیت انسان، بسی جدی و عمیق است. زیرا در همین مرحله است که یک جوان با جوانان دیگری، میثاق رفاقت و دوستی می بندد و این پیوند و صمیمیت عاطفی که نوعی اعتماد متقابل را بوجود می آورد، راز های درونی و منویات قلبی آنان را بر ملا می سازد. وانگهی با این تمهیدات، زمینه تأثیر گذاری و تأثیر پذیری از یکدیگر، فراهم می گردد.

لذا، جبران خلیل جبران، نامی ترین متفکر و نویسنده عربی، این چنین توصیه می کند. همدیگر را دوست بدارید، اما محبت را به زنجیر نکشید، بگذارید، محبت دریای موجی باشد در میان کرانه های نفوس شما، تا هر کس جام دوستی های خود را از آن لبریز کند، اما محتاط باشید که هیچگاه همگی از یک کاسه ننوشید.

تازه این پایان کار تلقی نمی شود، چه اینکه توسعه اجتماعی و فرهنگی روزگار ما که صد ها نوع تشکل و نهاد های اجتماعی، علمی و فرهنگی را در پی داشته، جوان به شکل مستقیم یا غیر مستقیم با این نهاد ها و ارگان ها (کورس، انجمن فرهنگی، نمایندگی سیاسی، مکتب، سمینار و...) بی ارتباط نیست.

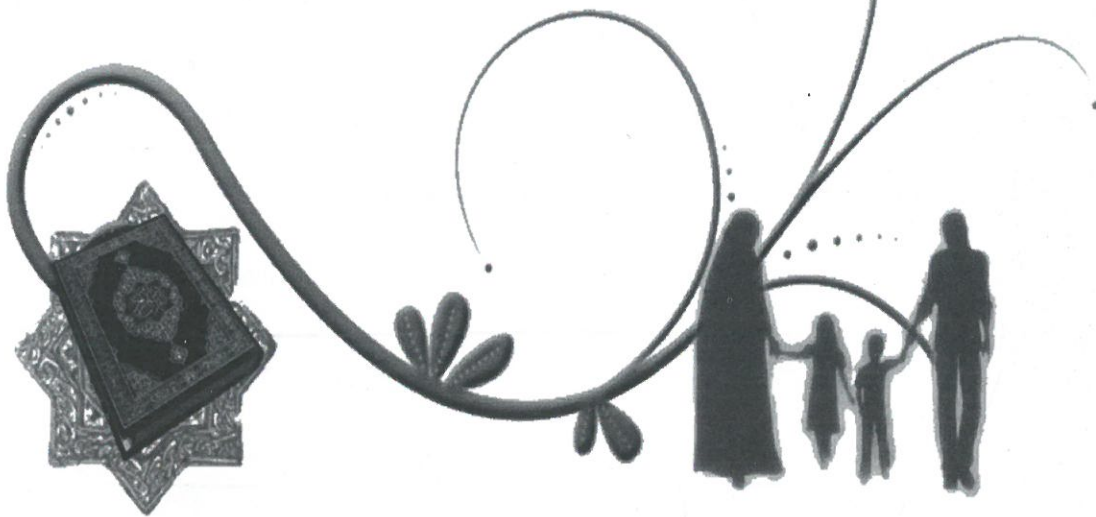
گوستاولوبون، یکی از متفکران غربی می گوید: مردم در قلمرو احساسات، خیلی زود تر با یکدیگر آشنا و صمیمی می شوند، تا در منطقه نفوذ عقل و منطق.

و همچنان خلیل جبران، قاعده زیبا و آموزنده ای را مطرح می کند و آن اینکه: با هم سرود بخوانید، به شادی و سرور برخیزید و همه با نشاط و خرم باشید. اما استقلال ذاتی و درونی خود را حفظ کنید.

مجامع و نهاد ها نیز که با پالیسی های گوناگون و طرز تفکرات مختلف پا به عرصه فعالیت می گذارند و هر کدام از سرچشمه خاصی فکری و اقتصادی آب می خورند. جوان را شدیداً دچار دغدغه و تردید، حیرت و سردرگمی، هوس و خود باختگی می سازد. این جاست که اهمیت هویت اجتماعی نمودار گردیده و اهمیت تفکر و عقلانیت بالا می رود. جوان باید با اندیشه و خرد ورزی کامل با قضایا، آراء و اندیشه ها، عرضه ها و فراورده های فرهنگی برخورد کند. تا از یک طرف در برابر دست داشته های سالم و معقولی که دست اجتماع به او پیشکش می کند. تردید و تعصب نورزد و در جهت سعادت و موفقیت خود از آن بهره بگیرد و از سوی دیگر، خویشتن باوری اجتماعی، شخصیت و خودی اصیل انسانی خود را از دست ندهد. نوع رابطه خود با اجتماع را بگونه تنظیم و کنترل نماید که بصورت منطقی و مثبت، مصدر افاده و استفاده محیط و اجتماع خود گردد.

فرجام سخن

علاوه بر منابع قرآنی و روایی، تاریخ ادبیات ما نیز، سرشار از نصابی و سروده های ارشادی است که ما را از آفات اجتماعی و اثر پذیری از اخلاق ناسالم محیطی بر حذر می دارد: ابوالمجد، حکیم سنایی، برای مصاحبت ها و معاشرت های اجتماعی اهمیت والا داده و از پیوند های ناسالم و انحطاط بر حذر داشته است. در واقع، قرآن و روایات تنها منبع و کاملترین خاستگاه برای فهم سبک زندگی سالم می باشد. تا جایی که خانواده ها و به طور کلی، محیط زندگی انسانها را هدایت و رهبری می کند. به امید آن که تمام ابعاد زندگی ما قرآنی و روایی باشد و نظام خانواده ما بر اساس آموزه های دینی استوار شود، زندگی سرشار از سلامت را برای همه ارزو می کنیم.



دموکراسی

چیست؟

محمدشرف "دانشگر" محصل سال اول دانشکده اقتصاد

مقدمه

دموکراسی کلمه است که اکثریت مردم به آن آشنایی دارد، ولی تاکنون هم مفهوم است که ازجانب دیکتاتورها، رژیمهای حکومتی گروه های واحد، ورهبران که از طریق کودتاه نظامی به قدرت راه یافته اند، جهت کسب حمایه مردمی از طریق تحریف مفهوم دموکراسی، مورد سؤی تفاهم و سؤاستفاده قرار گرفته است. مفکوره دموکراتیک از طریق تاریخچه طولانی و سیر پر آشوب، نیرومندتر و شایع تر گردیده است، همچنان دولت های دموکراتیک با وجود مواجه شدن باچالش ها، در سراسر جهان بالاخره راه به سوی پیشرفت یافته است.

تعریف دموکراسی: دموکراسی از کلمه یونانی دیموس یا مردم، مشتق گردیده است که اساساً به مفهوم دولت است که قدرت اصلی در اختیار مردم قرار دارد. در بعضی ساختارهای اجتماعی، دموکراسی مستقیماً از طرف مردم تمثیل میگردد، چنانچه در جوامع بزرگ، دموکراسی از طریق نمایندگان منتخب مردم در عمل پیاده میگردد. دموکراسی یعنی حکومتی مردم از طریق مردم بالای مردم میباشد آزادی و دموکراسی مفاهیم اند که معمولاً بصورت قابل تعویض بکار برده می شود ولی این دو کلمه مترادف خواننده نمی شود. دموکراسی در حقیقت مجموعه از نظریات و اصول متعلق به آزادی می باشد، ولی چنین مفهوم شامل بعضی تجارب و طرز العمل های نیز می باشد که در سیر طولانی و پر آشوب تاریخ شکل یافته است. دموکراسی نهادینه سازی آزادی را گویند. بالاخره مردم که در یک جامعه دموکراتیک زندگی می نمایند باید منحث آخرین محافظین آزادی خویش خدمت و مبارزه نمایند و باید راه و روش های فردی خویش را در مقابل خواسته های که در اعلامیه جهانی سازمان ملل متحد مشخص گردیده فراموش نمایند "احترام گذاشتن به عزت نفس و رعایت مساوات حقوق تمام بشریت، زیربنای آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل میدهد"

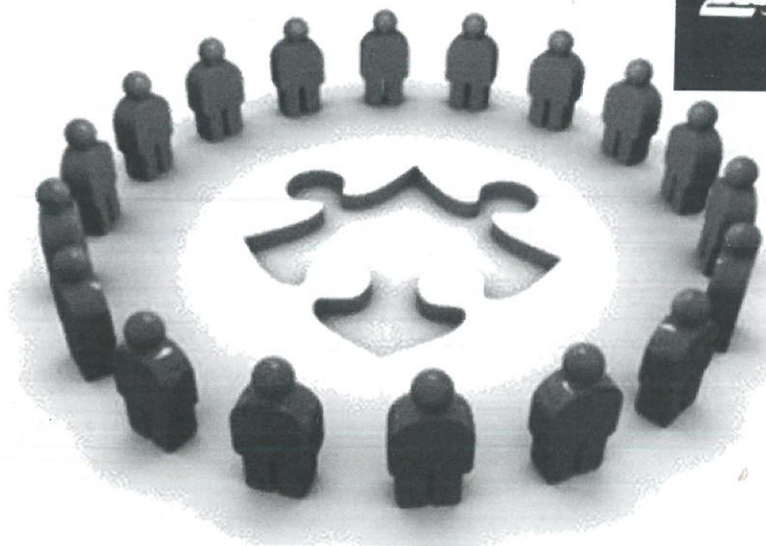
پیشینه دموکراسی در اسلام و غرب

تعریف مختصر و معنای دقیقی بود از مفهومی کلمه دموکراسی که متأسفانه جوامع غربی در طول

سالها جنگ ، خشونت، تبعیضهای نژادی و... بعد سالها فرو رفتن در جهل و نادانی در قرون وسطی بعد از بوجود آمدن رنسانس یا نهضت بیداری غرب از خرافات و تاریکی جهل در قرون معاصر به مفهوم کلمه دموکراسی پی برده و اهمیت انسان و انسانیت را پی برده و معنای انسان یعنی اشرف مخلوقات که چند قرن پیش نمی شود فهمیدند و بعداً چیزهای به نام حقوق بشر و حقوق اقلیت و اکثریت را سردادند؛ حال آنکه اسلام سالها بلکه قرنهای قبل ندای کرامت انسانی، حقوق بشر و انسان اشرف مخلوقات را سرداد که جوامع غرب در تنگنای ظلم حاکمان و قدرت مندان شان قرار داشتند امروز از نام دموکراسی و حقوق بشر برای رفع نیازمندیهای سیاسی و دست یابی به اهداف آشکار و پنهان شان استفاده سئ میکنند دیموکراسی، عدالت اجتماعی، آزادی، حق هر جنبنده روی زمین است که خداوند "ج" برای مخلوقات اش اعطا فرموده است و هیچ انسانی حق سلب آزادی انسانی دیگری را بدون موجب ندارد. و تمامی اینها چیزهای نیست که سیاسیون و حاکمان به ما داده باشند در طول تاریخ بشریت اگر مطالعه نمایم هیچ نظام پایداری نمانده است مگر اینکه آزادی و عدالت را در جوامع شان نادیده نگرفته باشند چنانچه که گفته اند: با خدادادگان ستیزه مکن که خداداد را خداداد است. تاهر زمانیکه آورنده یک دموکراسی و آزادی جوامع غربی باشند وان هم به خاطر برآورده کردن اهداف پید او پنهان خودشان باشند در هر کشوری و به خصوص کشورهای مسلمان. دامن اسلام از ان کشورها برچیده شده و جامعه بسوی غرب زدگی به پیش خواهد رفت.

ضرورت دموکراسی دینی

پس تازمانی که دموکراسی خودمان را به مفهوم اسلامی ان برپا نکنیم و برای پویایی ان تلاش نکنیم نه فرهنگ وارداتی، نه دیموکراسی وارداتی و... باعث مرهم گزاری بالای زخمهای هر روز رو به توسعه ما نخواهد بود. به قول شاعر «خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت» لازم به ذکر است که هر ملت در هر مقطع از زمان نیازمند بیدارگران است که جامعه را از سقوط به دامهای از قبل گذاشته شده دشمنان انسانیت و اسلامیت نجات بدهند پس چه خوب است که ما جوانان پیشگامان همچون حرکات سودمند شویم و جامعه را از ان برهانیم ! به امید روزی که همه باهم دموکراسی و آزادی های خدادادی به مفهوم اسلامی را نهادینه



دموکراسی در افغانستان!

مزیت‌ها و نواقص

محمد نسیم باهنر، دانشجوی سال دوم دانشکده علوم سیاسی

مقدمه:

افغانستان کشوری است که در مدت زمان حیات سیاسی خویش دو نوع نظام سیاسی را تجربه نموده است که نوع اول آن شاهی بوده و همواره با فرد محوری، قوم‌گرایی، تضادهای داخلی و رقابت‌های منفی همراه بوده است و بلکه بالاتر به گواهی تاریخ زمامداران جابر و حکام خون‌آشام در این برهه از زمان برای حذف اقلیت‌های قومی از جغرافیای سیاست و بقای شان بر اریکه قدرت جویبار خون را بر انداخته و تا سرحد نسل‌کشی به پیش می‌روند و نوع دوم آنرا که نظام جمهوری است و در دهه پنجاه و در زمان داود خان پدیدار می‌شود که بعد از مدت زمان کوتاه با دو پدیده شوم و عالم‌سوز کمونیزم و تروریزم بین‌المللی در تقابل قرار گرفته چهره عوض می‌کند و سرانجام با اتفاق یازدهم سپتامبر و روری کار آمدن حکومت انتقالی کرسی جمهوریت حیلت مجدد یافته که این بار غوغای دموکراسی را نیز به همراه داشته است به گونه‌ای که از هر گوشه و کنار مرز بوم و از هر تریبون تبلیغاتی همه روزه به گوش می‌رسد و بالاتر اینکه همه مردم بدون اینکه بدانند دموکراسی یعنی چه از دموکراسی سخن می‌گویند لذا آنچه به عنوان پرسش مطرح می‌شود این است که ما چگونه می‌توانیم از دموکراسی استفاده عقلانی داشته باشیم؟ و هم‌چنان این واژه علوم انسانی چگونه می‌تواند به عنوان میکا نیزم پاسخگویی برای اداره نظم عمومی مورد توجه قرار گیرد؟ که در اینجا تلاش ما بر این است که پاسخ واقعی به پرسش فوق را مورد تحقیق و کنکاش قرار داده و بیابیم ام‌قبل از آن به مفاهیم کلیدی این بحث غرض روشنی بیشتر پرداخته می‌شود.

الف: تعریف دموکراسی. ب: مزیت‌های دموکراسی. ج: نواقص دموکراسی. د: نتیجه

الف: تعریف دموکراسی:

در مورد دموکراسی مانند سایر واژه‌های علوم انسانی تعریف جامع و مانع وجود ندارد از اینرو تعاریف متعدد از دموکراسی صورت گرفته است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود

۱- دموکراسی حکومت ملی، حکومت مردم بر مردم، طرز حکومت که اختیار مملکت و تعیین هیئت دولت در دست نماینده‌گان است که مردم انتخاب می‌کند (۱)

۲- آبراهام لینکن (۲): دموکراسی حکومت مردم، توسط مردم، برای مردم یا به جمله دیگر توسط همه برای همه از تعاریف فوق چنین بر می‌آید که دموکراسی نوع از حکومت است که نقش همه افراد ساکن در یک کشور و یک ملت در آن به وضوح دیده می‌شود و هر فرد می‌تواند در تعیین رییس دولت و یا نماینده‌گان تأثیر حضور داشته باشد و بر اساس رای مردم است که دولت مقبولیت می‌یابد و از سوی دیگر فرد که بر اساس گزینش مردم در راس هرم قدرت قرار می‌گیرد خود را در برابر ملت مسئول و پاسخگو دانسته و برای رضایت خاطر شهروندان نهایت تلاش به خرج می‌دهد و هم‌چنان تأثیر حضور نماینده‌گان مردم به عنوان ناظر بر عمل کرد قوه اجراییه یا هیئت دولت بیانگر حکومت مردم بر مردم خواهد بود

ب: مزیت های دموکراسی:

دموکراسی واژه است که در ابتدا در یونان باستان مطرح و با گذشت زمان گسترش ملموس و محسوس یافته و محبوبیت چشم گیری پیدا کرده است آنچه موجب گسترش و اعتلای آن گردیده است موارد چند است که ذیلا بدان اشاره می شود

۱- کارآیی حکومت (۳): یکی از مهم ترین معیار های توانمندی و یا ضعف حکومت کارآمد بودن آن است به درستی گفته اند انتخابات عمومی، کنتورل عمومی و مسولیت عمومی کارآیی دموکراسی را بیشتر از سایر حکومت ها تضمین می کند که نقطه عطف در دموکراسی همین ویژه گئی است چون حکومت برآمده از آرای ملت است خود را در برابر ملت مسول و پاسخ گو می پندارد و این امر موجب کارآیی حکومت گردیده و او را به ادای مسولیت شان وادار می کند چنانچه در ماده ۶۳ قانون اساسی افغانستان در مورد سوگند رییس جمهور آمده است بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم، قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم، از استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاہ پروردگار متعال و پشتیبانی ملت مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم بکار برم

۲- تامین آزادی های فردی:

دموکراسی تنها شکل از حکومت است که آزادی های فردی را تا مین و به واسطه قانون اساسی حقوق شهروندان را تضمین میکند چنانچه ماده ۲۴ قانون اساسی افغانستان حکم نموده است آزادی و کرامت انسان از تعرض مسوم است دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد جان استوارتمیل (۴) بر همین پایه از دموکراسی جانب داری کرد آزادی عقیده و بیان، مطبوعات و اجتماعات و برخی از حقوق مدنی مهم تضمین شده مردم است که در این قسمت دولت افغانستان در مقایسه با گذشته های نه چندان دور بزرگترین دست آورد را داشته است که گسترش فعالیت های رسانه ی بیانگر این مدعا است.

۳- تامین برابری (۵) دموکراسی خواهان برابری در هر دو زمینه اقتصادی و سیاسی است در عرصه اقتصادی زمینه برابری فرصت ها و امنیت و در عرصه سیاسی حق رای و اعتراض بدون در نظر داشت امتیازات ویژه برای اشخاص ویژه چنانچه در فصل دوم ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان اینگونه آمده است هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است اتباع افغانستان هم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشد.

ج: نواقص دموکراسی:

با تمام ویژه گئی های مثبت که در نوع نظام دموکراسی وجود دارد خالی از کم و کاستی نیست که من باب نمونه به چند مورد اشاره می گردد:

۱- حکمرانی جهالت:

ارسطو پدر علم سیاست دموکراسی را به عنوان حکمرانی مردم جاهل محکوم کرد و افلاطون معلم او آنرا حکم رانی جهالت نامید. لیکن دموکراسی را اینگونه توصیف میکند حکوکت فقیرترین، جاهلترین و ناشایسته ترین که لزوما بسیار زیاد هم هستند و در دموکراسی رای هارا می شمارند بدون اینکه وزن کنند که با توجه به نظریات فوق و شرایط کنونی افغانستان می توان مدعی شد که یکی از مشکلات جدی در نظام دموکراسی سو استفاده از برابری است چون نظام دموکراسی همه را به عنوان انسان برابر می داند بر این اساس همه حق کاندید بودن و کاندید شدن را پیدا می کند که در این قسمت معیار مشخص برای گزینش وجود ندارد چنانچه تجربه نشان داده است که انسانها و انسان نماهای که توانایی خواندن و نوشتن را هم ندارند خود را کاندید و از آدرس مردم بر اساس قضاوت های کورکورانه قومی، حزبی، سمتی و یا حکم بر اساس زدو بند های پولی بدون در نظر داشت تعهد، تخصص و تجربه انتخاب می شوند که بیانگر این مدعا و کیلی است که مدال سکوت را در دور قبلی پارلمان از آن خود نمود.

۲- مطلوبیت ثروت:

اغلب دموکراسی های جدید سرمایه داری اند و رای مردم کالای قابل فروش بیش نیست اغلب سیاست مداران ابزار منا

سبب در دست ثروت مندان هستند به قول بریس بر اثر زیان بار قدرت پول در سیاست اشاره نموده است و تاکید می کند که پول از کار قوه مجریه و قوه مقننه جلو گیری نموده دموکراسی را فاسد می گرداند مارکسیست ها دموکراسی امریکارا پرستش دلار می داند آنچه که در کشور افغانستان نا گفته پیداست همین فرهنگ پول سالاری و ارباب رعیتی است که از دیر زمان در این کشور حاکم بوده و حال به گونه دیگر با چهره جدید عرض اندام نموده است و هم چنان با توجه به ادارات فاسد دولت و مقدم بودن روابط بر ضوابط در قسمت تقرر و توظیف کار مندان لیاقت سالاری به مثابه سرآب می ماند که تشنگان وادی هر گز به آن دست نخواهند یافت.

۳- هزینه زیاد حکومت:

گفته اند دموکراسی پر هزینه ترین شکل حکومت است که این موجب دو مشکل اساسی دیگر می تواند قرار گیرد نخست این که ممکن است شخصیت های علمی اما کم پول در انزوا قرار گیرند و بر عکس سر ما به داران بی سواد بر اساس زدو بند ها پولی در راس امورات سیاسی و اجتماعی مردم که خود نگران کننده است و مشکل دوم که زائیده این نقیصه می توان بر شمرد سو استفاده از بیت المال است که ممکن است شخصیت های کلیدی با استفاده از موقعیت خود برای کمپاین و مصارف انتخاباتی دست به غارت بیت المال برده و موجب اتفاقات تلخ چون اتفاق کابل بانک گردند.

۵: نتیجه:

مدارک تاریخی افغانستان بیانگر واقعیت های تلخ است که مردم این سر زمین طی چندین دهه به صورت عینی طعم تلخ آنرا چشیده اند و خود ستیزی ها و دشمن گریزهای ناکام گذشته های نه چندان دور اربابان قدرت را به چشم سر دیده اند و از سوی دیگر مداخلات دشمنان قسم خورده و اجانب در کمین نشسته مردم افغانستان را گذشت زمان به خود بی روشن ساخته است لذا مردم افغانستان به خود آمده اند و بر این باور اند که اگر نمی توان بهشت را بدست آورد ابلهانه است اگر برای نجات از جهنم نکوشید بنا بر آن با تجربیات تلخ تاریخی غرض رهایی و برون رفت از سیاست های ناکام گذشته دموکراسی را به عنوان میکانیزم پاسخ گوی نیازمندی های شان بر تائید اند که در ذیل غرض استفاده معقول از این میکانیزم به چند نکته اشاره می شود.

۱- بلند بردن سطح آگاهی مردم: به این معنا که مسولان امور و نخبه گان سیاسی مسولیت دارند تا پیرامون این واژه از طریق مختلف یعنی رسانه های تصویری، صوتی، چاپی و بلند گو های تبلیغاتی با تحلیل علمی پر زهن عامه مردم روشنی انداخته و مردم را با معنای علمی آن آشنا سازد در غیر آن چیزی که معمول شده و آن عبارت از معنا های سلیقه ای این واژه است یا به عبارت بهتر و روشن تر هر کس خواست کاری بدی را هم انجام دهد از واژه دموکراسی بهره می گیرد به گونه مثال اگر کسی لباس بدن نمایی به تن می کند و به باد انتقاد گرفته می شود از دموکراسی استمداد می طلبد در حال که کاملاً غیر عقلانی بوده و در تضاد با معنای علمی این واژه است

۲- ترویج و گسترش همگرایی ملی: مشکلات موجود در افغانستان حاصل واگرایی های تاریخی و تنگ قطبی اندیشیدن اربابان قدرت در عرصه سیاست است که پیامد های منفی آن بر همگان هویدا است و امروز باید با استفاده عقلانی و خردمندانه از وضعیت موجود و از میکانیزم دموکراسی که همه شهروندان را برابر می داند برای نهادینه ساختن فرهنگ همگرایی ملی تلاش نهایی خود را به خرج داده و به عنوان یک ملت واحد استقلالیت خود را حفظ باید کرد و روزه راهای پیموده شده قبلی را تجربه اثبات نموده است که بن بست است

منابع:

۱- عالم، عبدالرحمن بنیادهای علم سیاست نشرنی تهران ۱۳۸۸

۲- دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، انتشارات موسسه تحصیلات عالی ابن سینا ۱۳۸۹ کابل

دغزنی دځینو سیمو دخلکو فولکوریک د و دونه!

اسدالله جلالزی / دانشجوی دانشکده علوم سیاسی



دخلکو کلتوريه رښتنيې توگه دهغه ملت دژوندانه د بيلابيلو اړخونو او حالاتو بيانوونکي او ژوند پايه گڼل کيږي، همدا فولکلور دی چې د ټولني دوکړو د فکري بدلون او ټولنيزي ودې ښکارندويي کوي، مخکې له دې چې د فولکلوري څيزونو په هکله څه وليکو، لازمه ده چې د فولکلور د کلمې په هکله رڼا واچوو.

دغه کليمه د لومړي ځل لپاره په نولسمه پېړۍ کې دانگليستان پېژندل شوي تاريخ ليکونکي اوبشپړنډونکي ((ويليام جي توماس)) په (۱۸۶۳م) کال کې وکاروه، له نوروسرچينو څخه داسې څرگنديږي چې (۱۸۸۵م) کال کې (امبروازرتن) هم دغه اصطلاح کارولې، د فولکلور لومړنی ټولنه په (۱۸۷۸م) کال جوړه شوه. همدا ډول په (۱۸۸۶) کال کې په فرانسه کې دملوزين په نوم لومړنی فولکلوري مجله خپره شوه او په (۱۸۸۶م) کال کې د فولکلور نړيواله کنگره جوړه شوه، د فولکلور د کليمې په باب له ټولې تاريخچې، څخه به تير شو او دلته به د فولکلور د کليمې دلغوی مانا او تعريف په باب د پوهانو نظريې له دوو ټورو (فولک) او (لور) څخه جوړه شوي ده، چې (فولک) د پيرگنو، او (لور) د پوهې په ماناده، له همدې امله ورته دخلکو، د دودونو انگرېنو رسمونو، رواجونو، ادبياتو، کيسو او وگرڼيزو تصنيفونو د علم په توگه گڼل کيږي، د (سن تيو) د تعريف له مخې فولکلور په پرمختللو او تمدنونو هيوادونو کې د عامو خلکو ژوند او ادبيات تر مطالعه لاندې نيسي، خود عامو ادبياتو په مقابل کې رسمي او استادانه کلتور هم موجود دی چې د همدې رسمي او استادانه کلتور اصلي سرچيني همدا عاميانه کلتور جوړوي، زموږ په هيواد کې د معاصر ادب له غورځيدوسره په يوه مهال د فولکلور په هکله ليکنې وشوې چې همدې ليکنو د رسمي کلتور په بشپړيدو کې هم د پام وړ ونډه درلوده که موږ د فولکلور د توري لپاره په خپله ژبه کې د فولکلورته ورته مفهوم اوماناته يې نږدې توري کاروو مجبور يوچې ورته دخلکو دخبر تياوو، ټولگه، پرگنيز معلومات ولسي پوهه، ولسي کلتور، دعوامو پوهه او داسې نور توري کارولای شو. (سي اس برن) د فولکلور څه شی دی، تر سرليک لاندې مقاله کې ليکي، فولکلور په حقيقت کې داومي انسان دنړۍ ليد او ارواح پېژندنې، ديني، فلسفي، پوهې، ټولنيزو بنسټونو جشنونو او مراسمو، شعرونو او ترانو، عاميانه انگرېنو او شفاهي ادبياتو يو ډول دی، که چېرته موږ د فولکلور په باب خپلې ليکنې ته پسې دوام ورکړو زما په اند چې دا اوږد بحث به پای ته ونه رسېږي ځکه چې په حقيقت کې د ادب تومنه له همدې بډايه زېرمې څخه بشپړه شوبده، د فولکلور لغوي مانا ته په پام سره په دغه کليمې کې هغه پوهه نغښتې ده چې د يوې ټولني دوديز اړخونه تر څيړنې لاندې نيسي، نوله همدې کبله هم نشو کولای چې په دغې لنډه ليکنه کې د يوې ټولني ټول دوديز اړخونه وڅيړو، هره ټولنه بيلابيل، رسمونه رواجونه، دودونه او عنعنات لري موږ پدې ليکنه کې دغزني دځينو سيمو دخلکو په دودونو او رواجونو د سره وغږيږو.

دخلکو گروهنې اوانگرېني دانگړوونوپه هکله گروهنې پوپوه وايي: ((انگرېني هغه جملې او پديدې دي چې په هغو کې د علت او معلول ترمنځ کومه علمي اړيکه موجوده نه وي. او زياتره منفي، غير منطقي اونا مطلوبه وي همداراز په بل ځای کې وايي، انگرېني هغه عقيدې دي چې په منطقي دلايلو عيني واقعيتونو علمي معلوماتو او اسنادو باندې ولاړې نه وي او بې

له دې چې عيني، حقيقي، منطقي او علمي اساس اوبنست ولري، دې وهم، دار، وېرې او خطر سره مل وي ځينې وخت ورسره دخوښې احساس هم پيدا کيږي که څه هم انگرېني کومه حقيقي، عيني منطقي او علمي اساس نه لري خو بيا هم دې پاتوگروپه منځ کې ورته په درنه سترگه کتل کيږي.

هره ټولنه او هر قوم بيلابيل خصوصيات او ځانگړنوپه پېژندلوسره يې تر منځ کله ناکله بېرزيات توپير اوبيل والی هم پيدا کيږي او کله ناکله بېرزيات توپير اوبيل والی هم پيدا کيږي او کله ناکله پيداسي هم پيښه وي چې دغه خصوصيات او ځانگړني د ډيرو ليرو پر تو سيمو ځک هم سره نږدې کوي.

په هر حال مور په فولکلور څيړي کوو، او دهغه څه په اړوند غږيږو کوم چې په ټولنه اوقام کې د بېر درنښت او قدرود دی که رښتيا او يو فولکلور ديوه قام د ژوند، کړو وړو، عقايدو، منلو او نامنلو افکارو په هکله انځور باسي او هغه ځليدونکي اوصافه هينداره ده چې د قام هر څه پکې ليدلای شو، زما په اند هر ملت اوقام د ژوند په هکله د معلوماتو د حاصلولو لپاره لازمه ده چې د قام فولکلوري ادب وڅيړل او وکتل شي ځکه د معلوماتو د حاصلولو لپاره لازمه ده چې د قام فولکلوري ادب وڅيړل او وکتل شي ځکه فولکلور هغه رښتني تاريخ دی کوم چې دخلکوله عقايدو، کړو، وړو او افکارو څخه بحث کوي، که چېرته موږ غواړو چې ديو قام له فولکلور څخه بشپړ معلومات ولرو موږ بايد دخلکلوري فولکلوري ادب، تاريخي مطالعه او څيړنې ته اهميت ورکړو او هم ورته زيات کار وکړو او ځان پرې وپوهوو ځکه پوهان وايي که تاريخ موږ ته ديوه ملت وجود راپه گوته کوي خو فولکلور بيا دهغه ملت له روح سره موږ اشنا کوي که چېرته موږ نن دخلکلور رسم اورواج دودونو او کړنو انگرېنو تاريخ نه په خيږ سره وگورو وينو چې يدغو پاڼو کې ډيرون هر څه ترسترگو کيږي اودا راته جوتيږي چې په تېروخت کې د ټولنيز ژوندانه طريقه څه ډول وه همدا تاريخي باڼې موږ دوي له هر څه څخه خپرولاي شي ديوه قام فولکلور دهغه قام دکړکېښ تهذيب تمدن، کړو وړو، ناستې ولاړې کړونولنده اولنده داچې د ژوند د ټولو اړخونو بشپړ ترجماني کوي او هغه څه چې په يوه ټولنه کې منل شوي ورته درناوی ولرو او هغه چې نه يې دي منلي موږ يې هم غندنه وکړو نوموږ به په اسانۍ سره دهغه ملت په زړه کې خاي ونيسو داځکه که چېرته زموږ دکلتوري، دوديز تاريخ پانوته څه ضرر اوزيان رسېږي په

کله کله دانسان دوجودیوه برخه وغورځي چې له هغې جملې نه دمنډ دغونډې غورځېدل هم دې هرکله چې دمنډ غونډه وغورځي نوبیاوایې چې نن دفلانی یافلانی دمنډ غونډه غورځي.

له خسر خېلو به یې څوک راشي:

زموږ په سیمه کې چې کله په دېوال باندې کاغی وچپېږي نوبیا وایې چې دبنوزېری وکره ،نوي خبره راوړه اوزموږ دڅونډې مېلمانه درسره راوله،خو په ځینونوروسیمو کې بیا چې کله کارگه هم په دېوال وچپېږي، همداسې انگېري چې کارگه هم دښه ،زېری راوړي.

دماشوم لخوا دکور جار وکېدل:

هرکله چې کوم ماشوم جاروپه لاس کې واخلي ،دڅونډې غولې اویاهم که دسرای یا انگر منځ جارو کوي نوبیا دکور غري په خپلوکې سره وایې چې نن مېلمانه راځي.

دسفر اوساږپه اړه ځینې انگېري:

په مساپرسي اوبه شیندل:

کله چې یوڅوک اویا دکور کوم غری دسفرکولونیت وکړي،دخدای پامانی په وخت کې دکور نورغري په هغه پسې رنې اوصافی اوبه شیندي چې داوبوشیندل په حقیقت کې داسې انگېري شوي گویا دمساپرپه مخه به رنایې اوبه لاره کې به یې احتمالي موجود څنډونه اوستونزي دلوی خدای په مرسته له مخې لیري شي اودلاری تور نمونه به یې په رنایې بدل شي،داوبوشیندلوکار معمولاً دکور دښځینه غریولخوا ترسره کېږي.

دبوتویاکیبویه بل سپړیدل:

کله چې په کورکې دچابوتونه یوپه بل سربره شي نودکورغري اویاهغه لیدونکی کس په زوره وایې دخیر یې کړي دفلانی کې یوپه بل سپړي دي چېرته به په سفرو لارشي ځکه کې یې یوپه بل سپړي دي.

دلأس دورغوي تخنیدل:

کله ناکله دلأسونوروغوي و تخنیري،په دغه حالت کې ځینې خپل ورغوي مچوي اووایې پېسي په لاس راځي ،البته دپیسوموندل دښې لاس په تخنیدلوپورې تړي او که دچا کپن لاس ورغوی و تخنیري فکرکوي پېسي به راڅخه ولاړشي.

هله کالی جیه اغوندي:

که چېرته کوم ماشوم خپل کالی جیه واغوندي نودکورغري وایې،هله کالی جیه اغوستي، دخپل پلار شتمني ډېروي اوداسې انگېري چې دکالیوجیه اغوستل دپیسودلاسته راوړلو یودلیل دی.

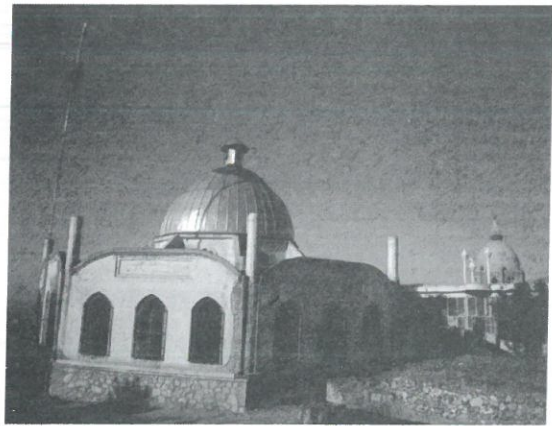
دکینې سترگې رپیدل په خلکو کې داسې انگېرل شوي دي کله چې دچاکینه ورپېږي نوبیا وایې خدای دې خیرکړي ،کینه سترگه مې ورپېده څه غم اوڅپگان بېش نه شي یعنی دکینې سترگې رپیدل ښه نه بولي ، نو ددې لپاره چې له غم څخه ځان وژغوري نودصدقې اونذرانې په ډول لږ اودېرڅه یوه غریب ته ورکوي او وایې چې صدقه بلا په مخ وهي.

کله چې سېي انگولی:

دېروخت داسې پېښه وي چې په کورونوکې سېي دښې یا دورځي لخوا دخپلویپه ځای انگولي یعنی دغه انگولل له غپیدو سره په څرگنده توپیر لري ،په دغه وخت کې هم دکور خاوندسېي انگولل ښه نه انگېري اودغم اوڅپگان نښه یې گڼي ،ځینې خولاداعفیده لري چې دسېي انگولل دخاوند سرخوري،ځینې وخت چې لېوه وویني هم داکارکوي.

په چاپوړی دقدم ښه کېدل اویاندکېدل:

دغه موضوع هم په دېروخلکو کې داسې انگېرل شوي ده کله چې دچاکورته کومه نوي ناوې راوړل شي نودهغې پل په کور پورې په ښو اوبدونگېري که چېرته دناوې له راتگ څخه وروسته په کورکې کوم غم پېښ شي



حقیقت کې دازیان دیوه ملت په حقیقي تاریخ باندې دروندگزار دی نوموړ ټولته لازمه ده چې دخپل کلتور اوفولکلورساتلولپاره هڅه وکړوهوکی هغه څه چې ټولني ته زیان رسوي هغه بایدلایسي قوي کړو وده ورته ورکړواو وېي خلوو بلکې نوروته یې هم ور ولیردوو ترڅوندزې په لوي کور کې زموږ کلتوري اوفولکلوري تاریخ نړیوال هم وگوري ،اوهغه څه چې ټولني ته زیان بېښوي هغه باید وغورځوو لکه په بدوکی دښځو ورکول په اوروني کې دهلهک اوانجلی کوژده نه کول اونورڅکه ناوړه رسمونه اودودونه زموږ دژوندون خورې مشورې په ترڅورابدلوي ولي په خپل لاس دژوندانه په خوروباندې زهرگډوو.

دازموږ ټولو دنده ده ،په ځانگړي ډول زموږ درانه مشران سپین زېري، ځوانان،اوانداجې هرڅوک بایددناوړه اوبې ځایه دودونوپه وړاندې ودریږي.

محترم لوستونکو اوس به هم دغزنی دځینو سیمودخلکودباورونو اوفولکلورڅخه به لومړی درته دانگېرناواکړنوبلگې درته وړاندې کړو.

۱- لومړی دمیلنودراتگ په باب ځینې انگېري.

کړنې اوانگېرنې

پښې مخ مینځی میلمه راځي:

هرکله چې پېښې په دمخې کزمه پښه په خپل مخ تېروي دکورمېرمنې وایې پورته شی کارونه موسمیال کړی چې میلمه راځي پدی توگه دکار داجراکولولپاره ولاړیږي، خپل سرای جاروکوي اودکورونوکارونه ترسره کوي.

هلهک دیشویه منځ کې گوري:

۲- کله چې هلهک دپښوپه منځ کې پداسی حال کې شاوخوا ته گوري چې لکه دخلوربول په څېر ولاړ وي، پدغه وخت کې هم دکور غري وایې نن ورځ مېلمه راځي نوځکه هلهک لاري څاريز

۳- دگیلاسونویاییلوکتارکیدل:

کله چې دچابویایلی په یوه منظمه لیکه کې راشي اودقطارپه خپله کړي نوبیاویل کیري چې مېلمانه راځي همداراز که چېرته په پباله دچابودشمې ځلی جگ ودریږي په هغه حالت کې داسې وایې چې میلمه راځي.

داوروغورځیدل:

هغه مهال چې دکورمېرمنه اوړه لمدوي اود اوړو داخېلوپه مهال داوړو کومه لمده ټوټه له کشرې،سنگ ډوله(دېرین) ظرف څخه وغورځیري نودکور مېرمن وایې نن ورځ مېلمانه راځي.

یلویه مخ راتلل:

دپورنی یوي برخې ته پلو وایې ،داچې پښتنی مېرمنی له پورنی سره تل سروکار لري له همدې کبله په انگېرنوکې هم دپورنی په باب خبرې کیري او چې کله د یوي مېرمنی پورنی په مخ راشي بیا وایې چې مېلمانه راځي.

دمنډ دغونډې غورځېدنه:

اودکورخاوندانوته کوم مالي ياخاني تاوان ور واوري نودکورغري وايي دناوي قدم شوم وو پل يي راپورې په بڼونه شو، همدارنگه که چيرته په کور کې بنايي رامنځ ته شي اوباهم مالي گټه وشي نو بيا دناوي پل په پورې بڼه انگېري دياووني ور ده چې کله کله په پښتني سيموکي دماشوم له پيدا کېدوسره هم داخبره کيږي.

په مازيگر کې ددعاوايانسپراکول:

داپېښې په خلکو کې داسې انگېرل شوي چې دمازيگر په وخت دوعا اوسپراژر قبليږي که څوک چاته په دغه وخت کې بڼپراکوي نو بڼه يې نه بولي، همدا ډول دمازيگر په وخت کې دنويوکاليو اغوستل، په هېنداره کې کتل، دنوکانوږي کول، رياتي اوبې خايه خبرې هم خلک بدي انگېري اوپه مازيگر مهال دښپراکول خولا په پښتونلښو کې هم شته لکه څرنگه چې په يوه لنډي کې وايي:

دچرگي اذان کول:

په اکثر وپښتون سيموکي خلک چې دچرگي اذان واوري يايي تر غورشي، نو بيا دغه انگېرته سمه نه بولي اوداسې فکرکوي چې دکورخاوند ياغري به له کومي پېښې سره مخ شوی وي، خو هغه چرگه هم له اذان وروسته سم دلاسه حلالوي.

دسترگي دپاسه، وروکي دکي:

کله چې دچادسترگي دپاسه يو وروکي دکي ياخاشه ونښلي، نو بيا دغه انگېرته ورته وايي: دښوږې، په سترگه دي خاشه نښتي ده، زموږ خلک دځاشي نښليل ديوه زيږي علامه گني اوداسې انگېري چې يوڅه خوبه واوري.

ديوچادسفر په وخت کې دکوتي جاروکول:

کله چې دکور کوم غري په سفرکي، نوپه هغه ورځ دکورمېرېښې دورځي تردېره ان چې ټوله ورځ کوټه يا دکور انگرته جارو کوي، دوی داسې فکرکوي چې په مساپروسي دکور جاروکيدل هغه له ستونزو سره مخامخ کوي

لاس ترزني لاندې ايښودل:

کله چې څوک خپل ښي لاس ترزني لاندې ونيسي، نو دخلکو په نظر بڼه نه وي او ډيره بده يي انگېري. داسې فکر چې دغه ترزني لاندې دلاس ايښودل دځفگان، غمجنې اوپريشاني علت بولي. که چيرته په کورکي کوم ماشوم هلك وي که نجلی چې خپل لاس ترزني لاندې کيږدي، نو دکور لويان غري ورته په قهر يږي چې لاس ترزني لاندې مه پرده

دغي انگېرني په هکله دپښتو ادب په لنډيو کې هم يادونه شوي لکه چې په يوه لنډي کې وايي:

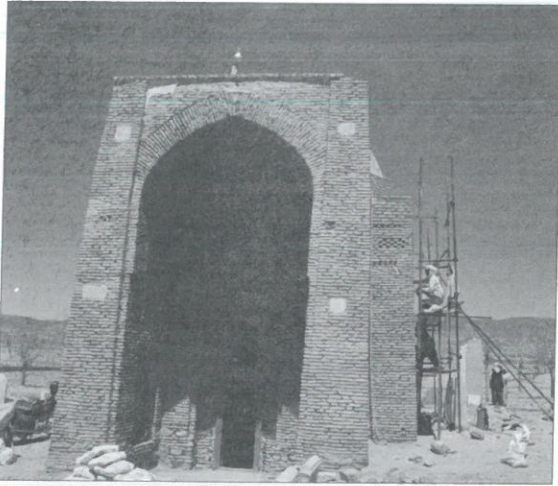
لاس دي ترزني لاندې مه پرده ستا به عادت وي مابه ورك كړي له وطنه

مور په دغه لنډه ليکنه کې دانگېرناو کړنوڅو بېلگي وړاندې کړي، ددغو ټولو انگېرناو کړنوڅېرته اوراتولونه خوراکار، زيار او وخت ته اړتيا لري. اوس به دپښتو په فولکلور ريك ادب کې دځينو اصطلاحاتو ياگړنو په باب څه وليکو اودغه لړۍ به اوږده کړو.

اصطلاحات ياگړني:

دغزني په خلکو کې په تېره بيا دشلگر په خلکو کې يوه اصطلاح ده چې وايي:

چېرې شلگر چېرې دزرملي ډاگونه. دغه اصطلاح په دوه حالتو کې دشلگر په خلکو کې کاورل کيږي، يودا چې که څوک خپله لور، ياخور داوسني زرمته په سيمه کې کوژده يواوه کړي، نو بيا دنجلی پلار يا ورورته دانور خلک وايي چې مورخوپه دي نه يوخفه چې تا ولی په زرمته کې خور پالور واده کړه، خو خفه پدي يوچې ښکلی سمسور اوږدي شلگر دي پريښود او زرمته ته ولاړي، دوهم حالت هم که څوک له چارسره ديوڅه شي دورکولو وعده وکړي اودهغه سري چې



څه تری غواړي بڼه يقين ونه شي نو بيا وايي چې چېرې شلگر، چېرې دزرملي ډاگونه، يعني داچې زه له ټولو خلکو راغلم اولکه دزرمته په څېر په تش ډاگ ولگيدم.

چې بيا بل يو په شمسي کې شپه ونکړي

وايي پخو اوختونو کې دژمي موسمونه هم داسې نه وو لکه دا اوس واوري په ډيري کيدي او خلک به له سختو کړاونو سره مخ ول، په ژمي مهال دشلگر ډيري جوماتونه دکليوالو له لوري په دغره په بوټو باندي توديدل، چې دا تاوده جوماتونه به بيا دهغوو مساپرو له پاره بڼه خايونه ولوکوم چې له نورو سيمو څخه به يا دسوال اوبسپني دټولولو، او باهم کور په کور دسودا دخرڅولو له پاره راتلل، وايي: چې يوه ورځ يومساپر او ورسره زوی يي دواړه ناوخته ماخستن په شمسي کې يوه جومات ته ولاړل، گوري چې جومات سور او دوی دواړه ارشول چې شپه په همدې ساره جومات کې تيره کړي، دواړو سخت ساره شوي و، سهار وختي يي له دغه جوماته بل کلي ته حرکت وکړ، او په جومات کې ورڅخه لکړه او عينکي دواړه يي پاته شوي و. په لاره کې زوی ورته وويل پلاره زه به ورشم او رابه يي ورم پلار يي په خواب کې ورته وويل راځه راځه پريږده ناپوه هغه مې دنورو مساپرو له پاره دنښي په توگه پريښودې. چې بيا بل يو په شمسي کې شپه ونکړي، دا پېښه اوس په شلگر کې په يوه اصطلاح اوبښي او خلک يي په خپلو کې وايي په تيره بيا هغه وخت چې دجومات دتودولو په سر دکليوالو په منځ کې څه لانجه رامنځ ته شي. نور بيا

شب شعر دور تر از چشم اقیانوس!

خوانندگان محترم آن چه را می خوانید، شب شعر دور تر از چشم اقیانوس است که به پاس از شاعر معاصر کشور جناب قنبر علی تابش، در دانشگاه خاتم النبیین (ص) با حضور شعراء، نویسندگان، شخصیت های سیاسی و اجتماعی کشور برگزار شده است.



مختلف در مورد هویت و حفظ آن در دنیای مدرن امروز، ایراد کرده و مطرح ساخت .

۴- قرائت شعر پرتو نادری: برنامه بعدی که توسط مجری برنامه سکندر حسینی اعلام می شود قرائت شعری است توسط شاعر و پژوهشگر معروف کشور جناب پرتو نادری. آقای پرتو نادری که می گوید مه از طریق روزنامه و نشریات ایران و هم چنین سایت های ادبی و شعری با جناب قنبر علی تابش آشنا شدم؛ امشب را یکی از شب های خوبی می داند که این آشنایی جنبه عینی به خود می گیرد؛ سپس جناب پرتو نادری شعری از سروده های خویش می خواند و آن را تقدیم می کند به جناب قنبر علی تابش .

۵- تحلیل و نقد ادبی لطیف پدرام: برنامه بعدی توسط کارگردانان برنامه اعلام می شود. جناب عبداللطیف پدرام چهره سیاسی و علمی کشور و در عین حال شاعر و ناقد حوزه ادب و شعر به پشت استیژ حضور پیدا می کند. ایشان هم ضمن ابراز خوشحالی و توصیف لحظه های آشنایی که اینک حاصل شده و قبلا از طریق رسانه ها و نشریات به وجود آمده بود؛ برنامه خود را در دو بخش شعر شناسی در فلسفه غرب و ارزیابی کارهای ادبی و شعری تابش دنبال می



شب شعر دور تر از چشم اقیانوس با حضور بزرگان شعر و ادب پارسی در دانشگاه خاتم النبیین (ص) برگزار شد . این نشست علمی که با نام ادبی شب شعر دور تر از چشم اقیانوس دایر شده پاس داشتی بود از تلاش های شاعر توانایی کشور جناب قنبر علی تابش و هم چنین تقدیمی بود از سوی دانشگاه خاتم النبیین (ص) به جناب تابش. این نشست در شب هفدهم ماه مبارک رمضان در حیاط دانشگاه برگزار گردیده و میزبان قدوم شاعران، پژوهشگران و ناقدان ادبی مقیم کابل بود

در این نشست اندیشه ورانی مهمی به ارایه شعر، نقد و ارزیابی شعر و کارهای ادبی شاعر پرآوازه کشور جناب قنبر علی تابش پرداختند

۱- مجریان و برنامه گردانان این شب شعر، شعرای جوان آقایان سنکدر حسینی و غلام حضرت باران بودند که در ابتدای امر جناب سکندری ضمن قرائت شعری از قنبر علی تابش تحت عنوان دور تر از چشم اقیانوس و ضمن خیر مقدم گویی به مهمانان برنامه از قاری محترم قرآن جناب یعقوبی دعوت به عمل آورد تا برنامه شب شعر را با نام و یاد قرآن کریم متبرک بسازد

۲- قرائت شعر خاطره یکتا: سپس شاعر جوان جناب غلام حضرت باران و دانشجوی فارغ التحصیل رشته حقوق این دانشگاه؛ ضمن قرائت شعری از قنبر علی تابش (وطنم دوباره اینک تو شانه های پامیر/ بتکان ستاره ها زا که سحر شود فراگیر)؛ از خانم خاطره یکتا شاعر و دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه خاتم النبیین (ص) دعوت کرد که شعر شان را قرائت کند. خانم خاطره یکتا در ابتدا به قرائت شعری از آقای تابش تحت عنوان: خنیاگری (آری دوباره غرق غزل می کنم تو را/ در طاق کعبه برده هبل می کنم تو را) پرداخته و سپس شعری از سروده های خویش را به آقای تابش تقدیم کرد

۳- سخنرانی داکتر سجادی: برنامه بعدی توسط آقای داکتر عبدالقیوم سجادی اجرا شد. داکتر سجادی ضمن خیر مقدم گویی به همه ای مهمانان عزیز که به مناسبت امشب در این بزم شرکت کرده اند و نیز خیر مقدم گویی بمناسبت تشریف آوری جناب قنبر علی تابش شاعر عزیز کشور، به افغانستان؛ سخنانی کوتاهی را در مورد زبان شناسی و دیدگاه های



خدمت آقای تابش و مهمانان ارایه می کنم. سپس جناب استاد رفعت موارد عینی این ادعای خود را برای حضار بر می شمارد.

۸- سخنرانی و قرائت شعر تابش: در پایان محفل جناب قنبر علی تابش به جایگاه تشریف می آورد. جناب قنبر علی تابش که تصمیم ارایه ای یک تحلیل مفصل راجع به راهکارهای بیرون رفت از وضعیت فعلی شعر و شاعری در کشور به سمت وضعیت ایده آل در اشعار شعرای کشور را داشت که در واقع کارهای بوده که قبلاً به صورت علمی و تحقیقی با تکیه به اشعاری از شعرای کشور انجام شده بود؛ صرف نظر کرده و به دلیل ضیق وقت و کمبود زمان؛ به ابراز احساسات خود و تشکر و قدردانی از مهربانی های شعرا و نویسندگان ادبی کابل و نیز مهمان نوازی های این شهر و دیار؛ شعری را از خودش به خوانش گرفته و آن را تقدیم می کند به حضاران مجلس .
شعری که جناب قنبر علی تابش آن را به قرائت گرفت شعری از مجموعه شعری خودش به نام دل خونین انار است: این شعر را با هم می خوانیم :

یا اینکه شعله هست و شرر هست، شعر نیست .
این گونه خاضعانه که سرهست، شعر نیست .
هرچند خسته هست و پکر هست، شعر نیست .
از دست خویش دست به سرهست، شعر نیست .
افسوس دور، دور قمر هست، شعر نیست .
تنهایی بلند شجر هست، شعر نیست
باور نمی کنی که شکر هست، شعر نیست؟
این تکه خاطرات سفر هست، شعر نیست
پروانه های زنده مگر هست شعر؟ نیست
صلح من و سلام تو زرهست، شعر نیست
آری تغزل تو که پرهست، شعر نیست
تنها بدان که چیز دیگر هست، شعر نیست

اینها که پاره های جگر هست، شعر نیست
این واژه ها که خاک قدم ها شده تو را
مردی که لابلای غزل راه می رود
مردی که ابر بسته به پلک و به کلک خود
قمری شده است مرد، غزلخوان چشم یار
این شاخه در غروب که آتش گرفته است
بیتی که در گلوی شما گیر کرده است
مهمان چشم های توام این نبشته را
پروانه ها به گرد رخت بال می زند
در این زمانه ای که پراز جنگ و زرگری است
پرواز کرده ام ز قفس چند روز هست
توصیف گیسوان تو پیچیده تر شده

کند. محترم لطیف پدرام مطالب زیبا و علمی و هم چنین نکته های دقیقی را در مورد کارهای ادبی و شعری تابش برای حضار ارایه می کند که مورد توجه و تحسین حضار در محفل قرار می گیرد.
۶- نقد و ارزیابی مجیب مهرداد: برنامه بعدی توسط مجری اعلام می شود. اینبار شاعر جوان و دردمند کشور جناب مجیب مهرداد به جایگاه تشریف می آورد. ایشان هم ضمن نحوه آشنایی خود با تابش از طریق روزنامه های ایران در زمانی که ایشان در ایران در دانشگاه می خوانده و بعد کتاب شعری تابش را به دست می آورد و تا اینکه در برنامه شعری «قند پارسی» رسماً با هم آشنا می شود؛ ارزیابی و نقد خود از کارهای انجام شده توسط تابش را برای حضار به تحلیل و بررسی می گیرد .

۷- نقد و ارزیابی احمد ضیا رفعت: برنامه بعدی توسط احمدضیا رفعت اجرا می شود. احمدضیا رفعت شاعر، نویسنده و تحلیل گر حوزه ادب و شعر است و در عین حال استاد دانشگاه کابل می باشد. آقای رفعت هم مثل همزمان قبلی خود اما دقیق تر و خاصتر روی شعر های تابش پرداخته و ضمن بررسی جنبه های فراوان مثبت آن چند موردی را نقد می کند. ایشان یاد آور می شود که در شعر پارسی و دری اتقان و استحکام شعری به گونه ای است که نمی توانی کلمه ای را در درون شعر و ساختار شعری شاعر جابجا بکنی. اگر این تغییر را انجام بدهی شعر ناقص می شود. اما در میان اشعار بزرگانی حوزه ادب فارسی و دری گاهی بر می خوریم به اشعاری که چنین اتقانی ندارد. مثلاً صائب با اینکه از بزرگان مکتب ادبی هند است اشعاری دارد که در بعضی موارد چنین مشکلی را دارد حالا امشب هم با اجازه آقای تابش، چند موردی را با بررسی گذرای که همین امروز این چند کتاب شعری را در اختیارم قرار گرفت

تجلیل از دانشجویان برتر سال تحصیلی ۱۳۹۱ و کانکور سال تحصیلی ۱۳۹۲

شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)



فرشته فائض
سوم نمره عمومی



هاجر حیدر زاده
دوم نمره عمومی



فرزانه قاسمی
اول نمره عمومی

دانشجویان ممتاز
سال تحصیلی
۱۳۹۱

شعبه غزنی



بصیره مبارز
محبب ترین دانشجو
دانشکده طب معالجوی



سید ساعد موسوی
نمره اول دانشکده
طب معالجوی



نجیب الله سروری
نمره اول دانشکده
علوم سیاسی



محمد آصف حسین زاده
نمره اول دانشکده
اقتصاد و مدیریت



سید نظم سیرت
نمره اول دانشکده
فقه و حقوق



زهره حیدری
نمره اول دیپارتمنت
قابلگی



محمد عارف امیری
سوم نمره کانکور



غلام مصطفی روحانی
دوم نمره کانکور



نسیمه صفری
اول نمره کانکور

نفرات برتر
کانکور ۱۳۹۲
شعبه غزنی

خدایا چی زیباست دریاد تو بودن!

خدایا!

چه لذت بخش است گذر نسیم یاد تو بر دلها و چه زیباست پرواز پرندۀ خاطره تو بر قلبها و چه شیرین است پیمودن اندیشه در جاده ی غیب ها بسوی تو. چه روح می بخشد گام زدن در مسیر عرفان تو و چه جان می دهد ایمان به غیب تو. خدای من! محبوب من! چه خوش است طعم عشق تو. چه شوق آفرین است نگاه دوستانه تو! چه تکان دهنده است توجه مهرآمیز تو. چه شیرین است زندگی سایه لطف تو! چه لذت بخش است گرمای دست نوازش تو.

خدای من!

چه آرامش هیجان انگیز می بخشد بر در خانه ی محبت تو. محبوبم!

نه تنها از خویش مران که در کنارم گیر و دامنت را پناه جاودانه من ساز.

مرا از نزدیکترین عارفان و شایسته ترین بندگان و راستگوترین معلمان و خالص ترین عبادت کنندگان و مخلص ترین رو آوردگان قرار ده. ای خلاق بزرگبها و ای آفریننده عظمت ها! ای عظیم! ای جلیل! ای بخشنده کرم و ای کرامت محض! ای دست گیرنده و به مقصد رساننده!

تو را ســـــوگند به رحمت و نعمت بی منتهایت که اجابت کن!

ای مهربانتر بخشنندگان!

الـــــهی به برکت صدیقان درگاه تو و به برکت پاکان درگاه تو که حاجت جمیع

مومنین را بر آورده بگردانی

و آنچه امید میداریم به عافیت و دوستکامی برسانی و پیش از مرگ توبه نصح کرامت نمایی و ختم کارها به کلمه شهادت فرمایی

یا آله العالمین و خیر الناصرین بفضلک

و کرمک یا اکرم الاکرمین و یا ارحم الراحمین و

صلی الله علی محمد و آله اجمعین

فرشته فایض دانشجوی سال دوم دانشکده طب

یادمان باشد!

من می توانم خوب، بد، خائن، وفادار، فرشته خـــــو یا شیطان صفت باشم،

من می توانم تو را دوست داشته یا از تو متنفر باشم،

من می توانم سکوت کنم، نادان و یا دانا باشم،

چرا که من یک انسانم، و این ها صفات انسانی است.

و تو هم به یاد داشته باش: من نباید چیزی باشم که تو

می خواهی، من را خودم از خودم ساختم،

تو هم به یاد داشـــــسته باش

منی که من از خود ساختم، آمال من است،

تویی که تو از من می ســـــازی آرزوهایت و یا

کمبودهایت هستند.

لیاقت انسان ها کیفیت زندگی را تعیین می کند نه آرزوهایشان

و من متعهد نیستم که چیزی باشم که تو می خواهی

و تو هم می توانی انتخاب کنی که من را می خواهی یا نه

ولی نمی توانی انتخاب کنی که از من چه می خواهی.

می توانی دوستم داشته باشی همین گونه که هستم، و من هم.

می توانی از من متنفر باشی بی هیچ دلیلی و من هم،

چـــــرا که ما هر دو انسانیم.

این جهان مملو از انسان هاست،

پس این جهان می تواند هر لحظه مالک احساسی جدید باشد.

تو نمی توانی بـــــرایم به قضاوت بنشینی و حکمی صادر

کنی و من هم،

قضاوت و صدور حکم بر عهـــــده نیروی ماورایی

خداوندگار است.

دوستانم مرا همین گونه پیدا می کنند و می ستایند،

حسودان از من متنفرند ولی باز می ستایند،

دشمنانم کمر به نابودیم بسته اند و همچنان می ستایندم،

چرا که من اگر قابل ستایش نباشم نه دوستی خواهم داشت،

نه حسودی و نه دشمنی و نه حتی رقیبی،

من قابل ستایشم، و تو هم

یادت باشد اگر چشمت به این دست نوشته افتاده خاطر بیاوری

که آنهایی که هر روز می بینی و مراوده می کنی همه انسان

هستند و دارای خصوصیات یک انسان، با نقابی متفاوت، اما

همگی جایز الخطا.

اگر انسان ها را از پشت نقاب های متفاوتشان شناختی، نامت را

انسانی باهوش بگذار.

فرزانه قاسمی، دانشجوی سال دوم دانشکده اقتصاد



آشنایی با اداره امور محصلان!

پوهنتون خاتم النبیین (ص) در راستای رسالت آموزشی خود در عرصه های علمی و آموزشی در سال ۱۳۹۱ فعالیت های خود را با ریاست استاد خادم حسین حبیبی در پایتخت فرهنگ و تمدن اسلامی، شهر غزنه باستان آغاز نموده و با استقبال وسیع مردم فرهنگ دوست و تمدن پرور غزنی مواجه شد. پوهنتون سعی دارد تا برنامه های خود را مطابق با استاندارد های بین المللی با کیفیت بالا طراحی کرده، و بر آن است که به عنوان الگوی برتر پوهنتون های کشور عمل کند. این شعبه در رشته های فقه و حقوق، اقتصاد و مدیریت، طب و قابلیت به تعداد (۸۲۰) نفر اعم از ذکور و اناث دانشجو دارد. که در تایم های روزانه، نیمه روز و شبانه مشغول تحصیل اند. بنابراین وظیفه ایجاب می نماید که اینجانب سید امان الله تابش مدیر عمومی امور محصلان، در یک جمع بندی کلی عملکرد این اداره را تاکنون در محورهای ذیل طبقه بندی نمایم:

مدیریت عمومی امور محصلان

مدیریت عمومی امور محصلان در ساختار تشکیلات اداری دانشگاه خاتم النبیین (ص) زیر نظر معاونت علمی - تدریسی فعالیت دارد این بخش در واقع اولین دروازه ورودی و خروجی برای دانشجویان به پوهنتون محسوب میشود. تمامی دانشجویان در طی دوران تحصیل به دانشکده ها معرفی و فعالیت های آموزش آنان به وزارت تحصیلات عالی کشور و معاونت علمی - تدریسی در داخل پوهنتون گزارش می شود.

۱) اجرا کردن قوانین و ضوابط آموزشی

۱. تدوین بخشنامه ها، شیوه نامه ها و دستور العمل های اجرایی مقررات برگزاری امتحانات، اعلام و ثبت نمرات، انتخاب واحد، حذف و اضافه، حد نصاب تشکیل صنف، شرایط علمی اساتید مدعو.
۲. نظارت مستمر و زمانبندی شده بر فعالیت آموزشی دانشکده ها و

ارائه گزارش اشکالات آموزشی شامل: تعداد کلاسهای زیر حد نصاب، تعداد مورد انتخاب واحد خارج از موعد مقرر، میزان تغییر در برنامه های کلاس پس از انتخاب واحد و...

۳. تهیه تقویم دانشگاهی و به موازات آن تهیه برنامه زمان بندی خدمات آموزشی

۲) سرعت بخشیدن به خدمات آموزشی در اداره امور محصلان

۱. تهیه چک لیست بررسی پرونده دانشجویان قبل از صدور گواهی..

۲. مطالعه و تجزیه و تحلیل مراحل انجام کار و بدنبال آن ساده سازی مراحل و حذف مراحل غیر ضروری.

۳. تجزیه و تحلیل فرمها و طراحی مجدد و تکمیل فرمها جهت تسهیل در انجام امور

۴. پیشنهاد طراحی فرمها در کامپیوتر بصورتی که اطلاعات دانشجویان از نرم افزار آموزشی به فرمها منتقل شود. هم اکنون با بهره گیری از این فرمها مرحله تایپ بسیاری از مکاتبات اداری حذف شده است و گواهی اشتغال به تحصیل، گواهی موقت فراغت از تحصیل و تاییدیه تحصیلی بدون نیاز به تایپ تهیه می شود.

۳) حفظ و نگهداری سوابق تحصیلی دانشجویان

۱. انجام تغییر در سوابق تحصیلی دانشجویان کلیه دانشکده ها در اداره امور محصلان توسط تنها یک کارشناس (جهت رعایت اصول امنیتی) بر اساس رای شورای آموزشی و کمیسیون موارد خاص با رعایت مقررات آموزشی.

۲. انجام متمرکز ثبت نام و ورود اطلاعات دانشجو در کامپیوتر

۳. ایجاد بانک نمرات جمع آوری نمرات از دانشکده ها و بایگانی در اداره امور محصلان و بازبینی کلیه نمرات ثبت شده توسط کارشناسان در طول سمستر با نسخه اصلی.

اداره امور محصلان برنامه ریزی های شان را مطابق با نورم های جدید و به روز تنظیم می نماید، تا برای دانشجویان نهایت عزیزالقدر تسهیلات بیشتر ایجاد شود. این اداره تلاش دارد مشکلات دانشجویان را بررسی و برای حل آن اقدام و یا به مقامات ذیربط گزارش نماید. به امید اینکه اداره امور محصلان بتواند در امورات اداری آموزشی شان بیش از پیش خدمات شایسته به دانشجویان ارائه نماید. و برای تمامی دانشجویان عزیز توفیق روز افزون استدعا دارد.

برگزاری امتحانات پایانی سمستر اول سال تحصیلی ۱۳۹۲ شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)



صبح روز پنجشنبه ۱۳۹۲/۴/۲۷ امتحانات پایانی سمستر اول سال تحصیلی ۱۳۹۲ شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین آغاز شد، درمحل که به همین مناسبت در ساختمان شماره (۲) سالن کتابخانه دایر گردیده بود ریاست شعبه غزنی دانشگاه، روسای دانشکده ها، اساتید این دانشگاه حضور داشتند.

بعد از تلاوت آیات از کلام نوربخش وحی توسط یکی از دانشجویان، استاد حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) طی سخنان در مورد عظمت ماه مبارک رمضان، وضعیت تحصیل در دانشگاه خاتم النبیین، قدرانی از چهره های شاخص این دانشگاه، و تذکرات از قوانین و مقررات امتحان برای دانشجویان دادند.

رئیس شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) بخش اول سخنانش را در مورد عظمت این ماه اختصاص دادند وی سه نکته را نسبت به ماه رمضان مهم دانستند: اول این ماه متعلق به خداوند است؛ دوم نزول قرآن در این ماه صورت گرفته است، یعنی این ماه بهار قرآن است؛ سوم سرنوشت یکساله انسانها در این ماه رقم می خورد.

استاد حبیبی در ادامه سخنانش افزود اینکه سمستر اول از سال دوم فعالیت این دانشگاه را در ولایت باستانی غزنی سپری می کنیم، دانشگاه خاتم النبیین در این یک سال اخیر شاهد موفقیت های چشمگیر بوده است، امتیاز تبدیلی این مرکز علمی از موسسه تحصیلات عالی به پوهنتون خاتم النبیین (ص)، جواز شروع ماستری در این دانشگاه، امتیاز ارزیابی این پوهنتون از طرف وزارت

تحصیلات عالی به عنوان یکی از دانشگاه های برتر کشور، نکاتی هستند که همه مردم شاهد آن می باشند.

رئیس شعبه غزنی این دانشگاه اضافه نمود تمام این برتری ها و امتیازات مدیون شخصیت های علمی و اکادمیک می باشد که در راس این دانشگاه قرار دارند، حضرت آیت الله العظمی محسنی نینانگذار این مرکز علمی، چهره که محبوبیت خاص بین تمام مردم افغانستان دارد. در کنار وی استاد فرزانه، شخصیت علمی و چهره اکادمیک کشور دکتر عبدالقیوم سجادی قرار دارد، علاوه بر این، زحمات اساتید فرهیخته و گرامی نیز یکی از راه های موفقیت این دانشگاه می باشد. استاد حبیبی با ذکر قوانین و مقررات در باره امتحانات سخنانش را خاتمه داد، آنچه از بین تذکرات ریاست شعبه غزنی دانشگاه برجسته به نظر می رسید، نمره قبولی در این دانشگاه بود، وی نمره قبولی را برای هر درس در این دانشگاه ۶۰ نمره اعلان کرد.

قابل ذکر است که امتحانات پایانی سمستر اول سال تحصیلی ۱۳۹۲ دانشجویان دانشگاه خاتم النبیین شعبه غزنی روز پنج شنبه تاریخ ۱۳۹۲/۴/۲۷ آغاز و تا تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱۵ ادامه دارد.

آمرت فرهنگی_ ترتیبی

جمعی زیاد از دستاداران ورزش اشتراک نمودند.

استاد حسین حبیبی ریاست این دانشگاه در این محفل گفت: دین مقدس اسلام اهمیت خاص به ورزش قایل است، ورزش های مثل سوارکاری و تیراندازی قدامت تاریخی داشته و بین مسلمین رایج بوده است.

بناءً ما باید ورزش را در زندگی خود به عنوان یک اصل بدانیم که به سلامتی جسم و روح انسان کمک می کند. رئیس شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) افزود: ورزش فواید فردی و اجتماعی دارد، مسایل چون تامین نیازهای غریزی انسان، تقویت روح، تقویت اعضای جسمی، فرار از تنبلی، پیشگیری و درمان از بیماری و... را می توان به عنوان برخی از فواید فردی ورزش ذکر کرد. استاد حبیبی اضافه نمود علاوه بر فواید فردی ورزش، دوستی و صمیمیت بین افراد جامعه، زمینه رقابت سالم بین جوانان، توجه به قانون و اطاعت از آن، توجه به حقوق دیگران و... را می توان برخی از فواید اجتماعی ورزش دانست.

در این مسابقه تعداد ۱۰ تیم از دانشکده های این دانشگاه به رقابت پرداختند که در نتیجه تیم والیبال طب معالجی ۹۱۱ مقام اول، تیم اقتصاد ۹۱۲ مقام دوم، و تیم اقتصاد ۹۱۱ مقام سوم را از آن خود کردند. در پایان این بازی ها به تیم های برتر این مسابقات از سوی ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) «جام پیروزی» و از سوی ریاست المپیک غزنی مدال های اول، دوم و سوم اهدا شد.

آمریت فرهنگی شعبه غزنی

تیم های برتر مسابقات والیبال دانشگاه خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی



مقام اول: طب ۱۵۱۱



مقام دوم: اقتصاد ۱۳۹۱۲



مقام سوم: اقتصاد ۱۳۹۱۱



مسابقات ورزشی «جام صلح و دوستی» شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)

مسابقات ورزشی والیبال «جام صلح و دوستی» به مناسبت سال ۲۰۱۳ که غزنی به عنوان مرکز فرهنگی تمدن جهان اسلام معرفی شده است، از سوی شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) برگزار شد. در این مسابقه تعداد ۱۰ تیم از دانشکده های اقتصاد و مدیریت، حقوق و علوم سیاسی، طب معالجی و ادبیات زبان انگلیسی شرکت نمودند.

بازی های فینال این مسابقه در سالن سرپوشیده ورزشی المپیک غزنی برگزار شد، ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) جناب استاد حبیبی، ریاست المپیک غزنی، اساتید و دانشجویان این دانشگاه و



لیسه عالی نور غزنه



برگزار شده بود. واز میان آنها ۴۲ تن توانست موفق به خلعت رسانی در این لیسه گردند. و همچنان برای بلند بردن سطح علمی و تعلیمی شاگردان لیسه نامبرده فعالیت های ذیل صورت گرفته است.

۱. تدریس در دو شیفت قبل از ظهر (شاگردان ذکور) و بعد از ظهر (شاگردان اناث).
 ۲. دارای صنف جداگانه کامپیوتر با تدریس معیاری (نظری و عملی) توسط استاد مجرب و مسلکی از صنف سوم الی دوازدهم.
 ۳. لابراتوار مجهز مضامین ساینسی (فزیک، کیمیا و بیولوژی) جهت کاربرد عملی و تجربی برای دانش آموزان
 ۴. کتابخانه همراه با سالن مطالعه و کتب قابل استفاده برای دانش آموزان لیسه.
 ۵. صنوف پاک و منظم و معیاری.
- این لیسه توانست با معیاری سازی و برنامه های ارتقا ظرفیت علمی بیش از ۱۴۰ دانش آموز جدید الشمول صنف اول و بیش از ۱۵۲ دانش آموز از صنف دوم الی صنف دوازدهم را در این لیسه جذب نماید.



دوره تعلیمی دوره زیا و به یاد ماندنی است. کسانیکه این دوره ای از زندگی را سپری کرده باشند. بخوبی این زیبایی ها را درک کرده می توانند و به نقش کلیدی علم و معرفت در ساختار جامعه پی خواهد برد. آری نای کهن خراسان قدیم و افغانستان امروز با سابقه درخشان علمی، فرهنگی و تاریخی که دارد و نیز مهد پرورش شخصیت های علمی و مسلکی در سطح منطقه و جهان بوده است.

بخصوص ولایت غزنی که بخاطر همان گذشته دربار تاریخی شان، اوج شگوفایی فرهنگ گران مایه شان به عنوان پایتخت فرهنگی تمدن اسلامی در سال ۲۰۱۳م معرفی شده است متأسفانه در یک دهه اخیر علی رغم شعارهای فراوان، سعی و تلاش مثر در جهت شناخت، بهرمندی و ارتقا علمی آن کاری انجام نشده است با آنکه علم گرایی، عقلانیت، نوگرایی و نو اندیشی از نمونه های مهم است که بسیاری از مشکلات جامعه را حل می کند.

حرکت در مسیر علم و عقل در شگوفایی عوامل مهم توسعه از قبیل منابع طبیعی، فزیک و انسانی نقش بسزای خواهند داشت. اگر جوانان به سمت جامعه ای عقل گرا و علمی سوق داده شوند آینه درخشان در انتظار کشور خواهند بود.

لیسه عالی نور غزنه که به همت دانشمند متفکر و نظریه پرداز مسایل سیاسی و روابط بین الملل و نماینده محبوب مردم در پارلمان جناب دکور سید عبدالقیوم "سجادی" در سال ۱۳۸۶ خورشیدی که اولین لیسه خصوصی در سطح ولایت غزنه باستان بود بمنظور ارتقای علمی دانش آموزان علم پرور ولایت غزنی فعالیت شان را آغاز نموده تا زمینه بهتری علم آموزی را برای دانش آموزان این مرز و بوم فراهم سازد.

این لیسه در طول سال های فعالیت شان با وجود کم و کاستی های که داشت توانست افتخار گرفتن تحسین نامه از مقام ریاست معارف ولایت غزنی در سطح ولایت را از آن خود نماید.

و اینک که برای تغییر مثبت علمی و اداری شان با مدیریت جدید جوان توانمند و آگاه جناب آقای سید خان آقا "سجادی" لیسانس اقتصاد دانشگاه کابل افتخار خلعت رسانی علمی و فرهنگی به دانش آموزان عزیز ولایت غزنی را دارد. لیسه عالی نور غزنه در دو شعبه جداگانه یکی در منطقه حیلر آباد و دیگری در منطقه نوآباد ولایت غزنی با معلمان موفق و تحصیل کرده که بعد از سپری نمودن آزمون سراسری گزینش استادان برتر که از طرف اداره لیسه با اشتراک ۱۳۸ تن از فارغین دانشگاه در رشته های تخصصی شان به تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۵

انا لله وانا اليه راجعون

کل من علیہا فان ویتی وجہ ربک ذوالجلال والاکرام.
ہمکار کرامی و فریختہ جناب استاد حبیبی رییس محترم شعبہ غزنی دانشگاہ خاتم النبیین (ص) ضمن اہزاز تسلیت عمیق خود و اساتید و
اعضای کادر علمی دانشگاہ خاتم النبیین (ص) بہ مناسبت درگذشت مادر مکرمہ تان، بدینوسیله مراتب غم شریکی خود را با جنابعالی و
فائیل محترم، اظہار داشتہ از خداوند آمرزندہ برای مادر مرحومہ، طلب رحمت و غفران بی پایان و برای جنابعالی و بازماندگان اجر
جزیل و صبر جمیل استدعای کنیم.

دکتر عبدالقیوم سجادی

رییس دانشگاہ خاتم النبیین (ص) و نایندہ مردم در پارلمان

ہمہ بہ سوی او باز می گردند

ہمکار کرامی جناب خادم حسین حبیبی ریاست محترم دانشگاہ خاتم النبیین (ص) شعبہ غزنی، درگذشت والدہ مکرمہ را خدمت
شما، خانوادہ محترم و سایر بستگان تسلیت می گوئیم.

استادان و کارکنان شعبہ مرکز دانشگاہ خاتم النبیین (ص)

بقاء مخصوص خداوند است

ریاست محترم شعبہ غزنی دانشگاہ خاتم النبیین (ص) جناب استاد حبیبی درگذشت والدہ محترمہ را خدمت جناب عالی و خانوادہ
عزیزتان تسلیت گفتہ از بارگاہ خداوند مہربان برای شامصبر جمیل و برای آن مرحومہ مغفورہ بہشت برین را آرزو مندیم.

مسولین، اساتید و کارمندان شعبہ غزنی دانشگاہ خاتم النبیین (ص)



دانشگاه خاتم النبیین (ص)

شعبه غزنی

دانشگاه خاتم النبیین (ص) چندین سال است که به عنوان «مرکز تحصیلات عالی معتبر» جایگاهش را در میان داوطلبان ورود به مقطع تحصیلات عالی باز کرده است، کدر علمی ورزیده، سیستم آموزشی معیاری، فضای امن و متناسب با ارزشهای دینی، امکانات و تکنولوژی تعلیمی به روز، از ویژگی های مهم این موسسه بحساب می آید. استقبال قابل توجه داوطلبان علم ودانش برای پیوستن به جمع دانشگاه ازیک سو و خلاء موجود در ارایه بسیاری از رشته ها در کشور ازسوی دیگر، دانشگاه خاتم النبیین (ص) را برآن داشت تا فعالیت خود را درسال تحصیلی ۱۳۹۱ در شهرباستانی غزنی نیز آغاز نماید، شعبه غزنی این دانشگاه عنقریب دوسال است در رشته های حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد ومدیریت، طب معالجوی وقابلگی، درخدمت دانشجویان می باشد.

دانشگاه خاتم النبیین (ص) برای سال تحصیلی ۱۳۹۳ مطابق جدول ذیل از میان داوطلبان تحصیلات عالی، محصل می پذیرد و از ورود مشتاقان تحصیل دراین دانشگاه، به



دانشکده	رشته	طول دوره	شعبه مرکزی	شعبه غزنی
حقوق	فقه و حقوق	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	قضا و سارنوالی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	حقوق عامه و خاصه	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
علوم سیاسی	روابط بین الملل	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	اندیشه سیاسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	جامعه شناسی سیاسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
اقتصاد و مدیریت	اقتصاد تجارتی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	مدیریت تجارتی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	مدیریت اقتصادی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
طب	طب معالجوی	۶ ساله	۴۵۰۰۰	۳۶۰۰۰
	فارمسی	۴ ساله	۲۵۰۰۰	
	قابلیگی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	قابلیگی	۲ ساله	۱۵۰۰۰	۱۲۰۰۰
	تکنولوژی طبی	۴ ساله	۲۵۰۰۰	
	تکنولوژی معلوماتی	۴ ساله	۳۰۰۰۰	
کمپیوتر ساینس انجینیری	کمپیوتر ساینس	۴ ساله	۳۰۰۰۰	
	انجینیری برقی	۴ ساله	۳۰۰۰۰	
	انجینیری ساختمان	۴ ساله	۳۰۰۰۰	
علوم اجتماعی	جامعه شناسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	
	روان شناسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	
	تربیه معلم	۴ ساله	۱۰۰۰۰	

آدرس: شعبه مرکزی: کابل سرک اول کارته چهار. شماره تماس: ۰۷۸۷۷۰۰۷۰۰ - ۰۲۰۲۵۰۱۲۱۳

شعبه غزنی: شهر غزنی، پلان چهار، پشت شفاخانه چشم (نور) شماره تماس: ۰۷۸۱۱۹۲۰۱۵ - ۰۷۷۷۷۹۰۹۷

Email: Info@khatamu.com

Web: www.khatamu.com



دوهه مه گنه د ۱۳۹۲، دوبي

ريښه خاڼه

ريښه خاڼه:

- د ۱۳۹۲ کال د پيليدو په اړه دخاتم النبيين دپوهنتون ريس دکتر سجادی پيغام.
- د ۱۳۹۲ بنونيز کال دپيلدو له امله غزنی خانگي ريښه خاڼه.
- دهيواد په پارلمان کې دغزنی دخلکو دانتخابي وکيل دکتر سجادی ريښه خاڼه (دوري مياشتي ۲۴/۱۳۹۲ کال کې غزنی داسلامي نړۍ دفرهنگ او تمدن دښار په توگه ټاکل کيدل).

مرکي:

- دخاتم النبيين پوهنتون له رئيس دکتر سجادی سره مرکه.
- دغزنی ولايت له والي موسی خان اکبرزاده سره مرکه.

مقالی:

- قانوني بخشش غوښتونکي له مجازاتو معاف.
- په اسلام کې د دين او علم اړيکه.
- فرهنگي انديښني او دديني علما و رسالت.
- په اقتصادي پانگه اچوني باندې دامنيت اغيز.
- په ۲۰۱۳ کال کې غزنی ته ځغلنده کتنه.